بازدید شد
۱۳۸۲

۶۹۸۷
۹۰۸۷۸

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب میزان الصنایع
مؤلف صدرالدین علی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۶۹۸۷
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب ۹۰۸۷۸

هذا الکتاب بسم الله الرحمن الرحیم میزان الطبایع

زیب و بهجت هر رساله اسلوبی صنایع حکیمی رواست که قلوب ارباب عقول را بشناخت حکمت علمی و عملی مذاقی
عمود و زینت خطبه هر نسخه که بعد درود رسول کونین سزاست که از زنان عالم عادت جرم و گناه از راه عقوق
قلوب به صیقل عنایت زدوده علیه و آله الصلوات اثنا الله الملک المعبود فقیر حقیر تقی الدین محمد بن
الدین علی ... بعرض میرساند که در زمانی از ایام عشرت ... که سحر لیلة القدر ... جانفزای
کسانی افواه سعادت کردی و صبح ... نسیم ... گلهای ... گلشن ... اوردی
این بی بضاعت بمساعدت بخت و معاونت دولت ... مجلس فلک رتبت ... جلوس محفل ...
رتبت نواب کامیاب ... احباب سلیمان مرتبت کسری معدلت قطب سپهر ... روانی ... کشود
کشائی سکندر ارسطو ... جمشید ... چراغ ... جام ... برج
جهانبانی روشن رای که شعاع ماه ضمیر ... شمع راه عقل ... تاریک خفاش ... ماهیت
در ... که ... چراغ خلوت ... ظلمات ... حقیقت
اسم کشودی که جلوه انجمن سخاوت هزار معن و حاتم ... جولان معرکه شجاعت صد هزار رستم
در رستم عباد ... صیقل آئینه فتح و نصرت و هوای ... بهار گلشن عیش و عشرت از نفحات
دایش

دایض عالم قدس مشام ... انوار مصابیح مجلس انس ... خاطر ملکوت ناطق
از جوهر ... لوح محفوظ ... نسیم بهار ... شکفته مطلع
انوار ... اسرار ... الهی ... عالم ... خطاب ... سایه خلق
عالم پناه ماه برج شهریاری شمع جمع سروری آفتاب اوج شاهی سایه لطف الله قیصر ... اسکندر
دارا حشم خسرو صاحب قران سلطان محمد قطبشاه من الله تعالی علی کافة الانام بنظام سلطنة علی الدوام
و قیام خلافته الی یوم القیام سرافراز بود و چنانچه داب صاحب مجلس و رسم اصحاب ... استادان
با انواع علوم معقول و منقول ایراد سخن میشد تا بتقریب بعضی مرحلات و معالجات ... بزم عشرت
آئین باعث ازدیاد و تفریح خاطرهای مسرت آئین بود بعرض اشرف رسید که فلان ... رساله
مشتمل بر تشخیص امزجه ... تراکیب و قواعد تحقیق از تالیف ... کتابخانه خاصه موجود است
بعد از استماع این حرف ... معدن جواهر حکمت و منبع زلال ... نفست
جاری شد که ... نسخه جدیدی ... مضمون صدق ... خ
بهر ... ترکیب الفاظش ... اصحاب کمال ... حقیقت ... بلاغت
... معانی ... مذاق ارباب حال ... که ممنون ... کرم
و احسان و مرهون ... و امتنان ... همیشه ... اساس
... امر ... کرده ... نسخه ... د

وازچشم
و در یادی بعضی فواید ادویه جدید داده امید که از موقف نظر حق و ستایش ان شهریار ذره پرور بهره‌مند باد
زخم کوته بینان اسیبش مرساد و این رساله که موسوم است بمیزان الطبایع قطبشاهی مرتبست بر صغری مقدمه اول
وکبری و نتیجه اما صغری مشتمل است بر چند مقدمه
انچه وارد بدن میشود از قسم ماکول
ومشروب چهار قسم است زیرا که حال خالی از ان نیست که اول بدن در ان تصرف نموده او را تغییر میکند
پس ثانی الحال ان ماکول یا مشروب تغییر میدهد بدن را و نقل میکند بدن را بمزاجی مثل مزاج خود و
این قسم را دوای مطلق میگویند مثل زنجبیل و فلفل وانچه مانند انهاست یا انکه ان مشروب
و ماکول در بدن تصرف میکند و تغییر مزاج بدن میکند و بدن را قوت و قدرت ان نیست که در وی تصرف
کند و تغییر ان دهد ان را دوای قتال مینامند چون بیش و مانند ان یا انکه ان ماکول و مشروب
تغییر میدهد بدن را اولا پس بدن در ان تصرف نموده تغییر ان میدهد ثانیا چون غذای که ازو
قوت دوا باشد چون ماء الشعیر وانچه مانند وی است این قسم را غذای دوائی خوانند یا انکه
ابتدای بدن در ان تصرف نموده تغییر ان میدهد و ان را مستحیل ساخته جزء اعضا میسازد این را
غذای مطلق گویند پس دوای مطلق و غذای دوائی که ان را قوت دواست مساوی قوت بدن
باشد در اول بان ولیکن هر دو هم تغییر میدهند بدن را و هم از بدن متغیر میشوند لیکن دوای مطلق
اولا از بدن متغیر میشود پس بدن را تغییر میدهد و غذای دوائی اول بدن را تغییر میدهد پس
از بدن متغیر میشود و دوای قتال مثل سم اقوی است از بدن بنابران قادر نیست که تغییر دهد
بلکه او متغیر میشود و بدن اقوی است از غذای مطلق بان جهت سبب تغییر ان میدهد و از وی متغیر
نمیشود   بباید دانست که احتیاج بغذا بواسطه انست که بدل شود از چیزی که از بدن
تحلیل میپاید با قسام تحلیل ظاهر و خفی و غذا سبب نمو بدن و زیادتی انست در اقطار ثلثه و نفع
میرساند به بدن بسبب جوهر و بسبب کیفیت و غذا مختلف میباشد بجهة کیفیت چون غذای معتدل
یا غذای گرم یا سرد یا رطب یا یابس و از حیثیت جوهر نیز مختلف میباشد چون غذای لطیف و غلیظ
و میان و غذا گاه از نبات میباشد و گاه از حیوان انچه از نبات است یا از دانه و مغز است یا از برگ
یا از

میکند
نشا
بالزبیبه یا نخ و انچه از حیوانات است یا از حیوان لبنست که بر روی زمین ترک دهد یا از حیوان بحریست که لیل ان میکند یا در ب
و غذا گاه از اعضای حیوانات است و گاه از فضلات ان چون عسل اما اشربه اشامیدنی انکه بواسطه ترطیب بدل است و بدل
شدن انچه از رطوبات بدنی تحلیل رود یا بجهة نرم ساختن غذا و سرعت نفوذ ان و با اعضا رسانیدن و اشربه
بر سه قسم است اب و انبذه و اشربه که قایم مقام ادویه است اما اب غرض از ان ترطیب بدن و ترقیق غذا و سرعت
نفوذ ان است با عضا چنانکه مذکور شد و با انفراده غذای بدن نمیشود و گرسنه را سیر نمیکند و منعقد
نمیشود در طبخ معده و اما انبذه غرض از ان رسانیدن غذاست بسایر اعضا و تغذیه بدن و گرم ساختن
ان بسبب انکه نشر حرارت غریزی میکند بسایر بدن و غذا را خوب هضم میسازد یا اشربه که قایم مقام
ادویه است مثل سکنجبین و دو شاب و شربت خشخاش و عناب و ترنج و مانند ان غرض از ان تعدیل غذا است
بجمیع اعضا و تغذیه بدن و قایم مقام ادویه بودن در نفع و معالجه یا با اجسام نباتی است یا با اجسام حیوانی
یا با اجسام معدنی انچه با اجسام نباتی است یا به نخ انهاست یا ببرگ یا بمیوه یا بشاخ و هم چنین یا با خز انیست که
از ان بعد از انکه منعقد شده چون تداوی بصمغ و یا منعقد نشده چون تداوی بشیره تاک انگور و تداوی
با اجسام حیوانی باشتراطست که از حیوان زنده باشد چون تداوی بشیر بشرط اشتراط نیست و این قسم یا با جزو
حیوانست یا بفضله ان و تداوی با اجسام معدنی چون طلا و نقره و لاجورد و غیر ان.   در بیان اغذیه
که مکروه است جمع کردن ایشان در معده اطبا مکروه داشته اند جمع کردن میان دو طعام که هر دو حاد
باشند یا هر دو بارد یا هر دو لزج یا هر دو مسهل یا هر دو قابض یا هر دو غلیظ یا هر دو مرخی و هم چنین
مکروه داشته اند خوردن شیر که بعد از برنج و ماهی یا ترب یا بعد از ترب و گوشت مرغ یا ماست و
بعد از هریسه و اب گرم بعد از طعام شور و اب سرد بعد از میوه و حلوا و طعام گرم و اما چیزهای مستحسن است
جمع میان ایشان بسبب انکه بعضی اصلاح بعضی دیگر میکنند از جمله طعام شیرین است با طعام ترش
که هر یک اصلاح دیگر میکنند از جمله طعام شیرین است با طعام ترش که هر یک اصلاح یکدیگر مینمایند
که بعضی اصلاح چرب و شیرین شود و طعام چرب ترش شود زیرا اصلاح یکدیگر مینمایند و چرب و شیرین
اصلاح قابض مینمایند و ترشی مصلح شور است و بعضی را زعم انست که جایز است جمع نمودن
میان هر قسم غذای که باشد زیرا که حال خالی از ان نیست که این هر دو غذا متشابهند یا متضاد
اگر متشابهند پس بمنزله انست که از یک قسم طعام بیشتر خورده شود و این خود ممنوع نیست
و اگر متضادند هر یک دفع مضرت دیگر میکند و تعدیل حاصل میشود لیکن این زعم باطلست زیرا که این تقسیم
جمع صحیح نیست چه میتواند بود که هر دو غذا نه متشابه باشند و نه متضاد بلکه مختلف باشند و مضرت
دو غذا بسبب مخالفت باشد نه بسبب تضاد و تشابه یا انکه ممکن است که دو چیز ضد یکدیگر باشند و
هیچ کدام مصلح دیگری نباشد و از جمع ایشان تعدیل حاصل نگردد چنانکه هر دو متفق باشند در
غلظت یا در فساد جوهر یا فساد کیفیتی که عارض هر دو شده باشد و متضاد یکدیگر نباشند یا در قوت خاصیت موضع
از هر یک از متضادین متاذی شود بسبب بدغذائی که او را بهم چنانکه شخصی از اتش سوخته باشد بر ان

برف و تلخ کنار نه یعنی که از هر یو متاذی نمی خواهد بود و هم چنین میتواند که دو شی متشابه باشند واحد همادو اد و صلح دیگری
باشد چنانکه اتفاق افتد که یکی از ان دو شی تلطیف دیگری نماید و همچنین میتواند بود که میان دو شی متشابه
ضد کند بجهة کیفیتی که عارض هر دو شده یا بسبب خاصیتی که لازم از اجتماع است یا آنکه مزاج هر دو متشابهت

در بیان مزاج ادویه و اغذیه با تجربه است یا بقیاس در تجربه چند شرط مرعی باید داشت تا اعتماد
بران توان کرد اوّلا آنکه دوای مجرب خالی باشد از کیفیت مکتسبه چون آب مادام که گرم باشد احداث حرارت
کند و چون حرارت عارضی زایل شود بمزاج اصلی که برودت است عاید گردد دویم آنکه تجربه دوا بر بدن
معتدل نمایند و آنچه ظاهر شود از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست حکم کنند که آن دوا متکیف بآن
کیفیت است که ظاهر شده و بعضی گفته اند که سزاوار آن است که بر علل متضاده تجربه نمایند تا معلوم شود
که کدام را نفع میکند و کدام را ضرر و باید که بر علت غیر مرکبه تجربه نمایند که اگر تجربه بر علت مرکبه نمایند
معلوم نخواهد شد که بهر یک از ان دو علت نفع کرد یا ضرر نمود و باید که قوت دوا مقاومت کند
با قوت علت زیرا که برودت بعضی ادویه گاه عاجز میباشد از حرارت علتی و در آن اثر تمامی نمیتواند
کرد و همچنین گاه حرارت ادویه عاجز میباشد از برودت علتی پس اگر تجربه خواهد که کار دوا
مشکل نشود باید که اوّل بر علت ضعیفی تجربه نماید و بعد تدریج در علت قوی ترقی نموده قوت
دوا را معلوم نماید سیم مراعات زمانی نماید که فعل و اثر دوا در آن زمان ظاهر میشود پس اگر
در اوّل استعمال ظاهر شود از دوا فعلی که مضاد فعلی باشد که در آخر ظاهر میشود یا در اول
فعلی از او ظاهر نشود و در آخر ظاهر شود ممکن است که آنچه اولا از و ظاهر شده بالذات بوده باشد
و آنچه در آخر ظاهر شود بالعرض باشد چه تواند بود که ابتداء از دوا بالذات فعلی خفی ظاهر شده
باشد و در آخر بالعرض فعلی از و ظاهر گردد چهارم باید که مراعات استمرار فعل نماید یعنی باید
که فعل دوا دایمی باشد یا اکثری که اگر گاهی ظاهر شود و گاهی اوقات نشود صدور آن فعل از دوا
بالعرض خواهد بود نه بالذات پنجم باید که حکم کند بر دوا بقیاس ابتلائی که آن دوا در آن ابتلا تجربه
نموده یعنی اگر آن دوا در بدن انسان تشخیص نماید حکم کند که آن دوا گرم است در بدن انسان و بر
بدن باقی حیوان حکم بگرمی ننماید زیرا که بسیار اتفاق میافتد که دوائی قیاس به بدن انسان خاصیتی
دارد و قیاس ببدن باقی حیوانات آن خاصیت ندارد چون شوکران که غذای جانور است که
آن را از دو زرکو بید و مخ بق غذای جانور است که آن را اسمانجونی گویند و بلبش غذای جانور است
که آن را موش بیش نامند و اینها که مذکور شد همه نسبت به بدن انسان سم قاتل اند در تجربه
مخالطه بسیار است چنانکه بقراط اشاره بان نموده و بسیار باشد که تجربه موجب هلاک بعضی
نفوس شود بجهة آنکه آن دوا از سموم باشد و لهذا الاطبای متقدم وصیت نموده اند که دوا که تجربه

که اداده

طعم

که اداده تجربه آن داشته باشی پیش از تناول باید که ملاحظه طعم آن نماید و بوی آن دوا نماید اگر بوی ناخوش و
کریه داشته باشد از دوا خالی از مضرتی نخواهد بود باید که احتیاط استعمال آن نماید اگر نفرت بسیاری از طبیعت
بنا بر استعمال آن توان نمود و چنان نیست که حقیقت و مزاج جمیع ادویه را بتجربه یافته باشند بلکه اکثر ادویه را ابتداء
بطریق اتفاق از آن کیفیتی یافته اند بعد از آن تجربه نیز کرده اند مکرر و موافق آن اتفاق یافته اند پس حکم کرده اند
که فلان دوا از کیفیت مزاج این است و بفلان مرض نفع دارد یا ضرر دارد و گویند که حقیقت بعضی از ادویه
بخواب معلوم شده که فلان دوا را مزاج این است و فلان مرض را نافع است بعد از تجربه چون موافق یافتند
اعتماد بر آن یافته نمودند و حقیقت بسیاری از ادویه باشاره و ارشاد انبیا و اولیا صلوات الله وسلامه
علیهم اجمعین معلوم شده و بعضی از حیوانات ملهم شده اند که بعضی از بیماریها را به بعضی از ادویه
مخصوصه معالجه نمایند و مردم بعد از ملاحظه استعمال نموده اند و همان نفع بران مترتب
شده چنانکه مشهور است که بقراط حکیم استخراج علم حقنه از طایری نمود که در دریا ماهی
بسیار میخورد و چون از ان ممتلی و متاذی میشد آب دریا در دهن گرفته منقار را در موضع
مخصوص مینهاد و آن آب را در آن موضع میریخت آنچه خورده بود مستفرغ میشد و مشهور است
که مار در ایام زمستان در زیر درخت زمین پنهان میباشد و چشم او بجهة آن تاریک کم
نور میشود چون صولت برودت زمستان تخفیف میباید از مکان خود بیرون آمده طلب
نبات رازیانه مینماید و از ان میخورد و چشم خود بران میمالد ظلمتی که عارض شده مرتفع میگردد
و بحالت اول معاودت مینماید بنا بر این اطبا مباشره رازیانه را بجهة رفع ظلمت چشم و تقویت
بصر و حدت آن استعمال مینمایند و نفع مطلوب بران مترتب میگردد و گویند که باز هرگاه که درد
درون وی دردی بهم میرسد صید طایری میکند که یونانیان آن طایر را دوقوس مینامند
و از جگر آن میخورد آن درد مرتفع میگردد و میتواند بود که حقیقت بسیاری از ادویه که غایت
بر کسی معلوم بوده بعد از این معلوم شود و اما دانستن امزجه ادویه بقیاس پس بچند شرط
است از انجمله سرعت استحاله و بطوء آن است که سرعت جمود و بطوء آن طعم و رایحه و الوان اما
سرعت استحاله و بطوء آن باین نحو است که آنچه زودتر مستحیل بالنار شود گرم خواهد بود
نسبت بآنکه دیرتر شود بشرط آنکه هر دو متساوی باشند در تخلخل و تکاثف و اما
که اگر مختلف باشند در تخلخل و تکاثف و متخلخل زودتر مستحیل شود یا در بدن انسان
احداث حرارت نماید حکم نخواهیم کرد که آن دوا گرمتر است چه میتواند بود که سرعت استحا

بجهة تحلل آن دوا بوده باشد نه بجهة زیادتی حرارت واما سرعت جمود وبطوء این بر نمونه الاست که اگر دو شیء
متساوی باشند در غلظت ولطافت ویکی از آن دو زودتر منجمد شود از برودت آن شیء ابرد خواهد بود
از آن شیء دیگر که اگر مختلف باشند در غلظت ولطافت وغلیظ زود منجمد گردد از برودت حکم نخواهیم
کرد که آن سردتر است در مزاج چه جایز است که جمود آن از غلظت باشد نه از برودت مجملاً آنچه
سردتر وغلیظتر است زود منجمد میشود وآنچه لطیفتر ودلش کمتر است دیرتر منجمد میگردد
واما طعوم مفرده اش هشت است دسومت حلاوت مرارت ملوحت حموضت حرافت عفوصت
قبض اما دسم بجهة مائیت وهوائیت که در واست ترطیب وتلیین میکند ومرخیست فی الجمله
گرم سازد وبسط لسان مینماید ونرم وهموار میسازد آنرا وطبیعت را نرم میسازد اما حلو معتدل
الحراره مرخی ومنضج است بغیر اسخان قوی وزبان را املس میسازد وتسکین کند نزکی آن مینماید و
لذت میدهد وحلو قوی الحراره زبان را درشت میکرداند ودر یکدیگر میکشد وتشنگی میآورد
اما مر وان ارضیتی هست جلا میدهد وقطع بلغم میکند از سطح اعضا وفی الجمله گرم میسازد
وزبان را بسیار درشت میکرداند ومیشوید رطوبات لزجه که بر سطح آن باشد اما مالح ارضیست
گرم جلا میدهد بی اسخان قوی وزبان را درشت نمیسازد چنانکه تلخ درشت میسازد وزبان
میشوید زبان را کمتر از آنکه تلخ میشوید ومنع تعفن میکند اما حریف قوی الحرارت ناری
ولطیف بالکثره ملیسازد محلل است ومعفن ومیشوید بجهة گرمی بسیاری که دراوست و
بجهة لطافت جوهر وی واحداث میکند در زبان گزندگی بسیار اما حامض آبی ولطیف است
وتلطیف وتقطیع میکند وسده میگشاید ومجاری را پاک میکرداند واحداث برودت وخشکی
مینماید ودر جوهر زبان فرو میرود ومیگزد زبان را کمتر از گزیدن حریف ولکن حی نمیسازد و
تسکین میدهد صفرا را ومولد ریاح است ومضرت میرساند بعصب اما قابض بارد ارضیست
جمع میکرداند اجزای اعضا را وتنگ میسازد مسامات را واحداث سردی وخشکی مینماید
وکند ودرشت میسازد زبان را ومنقبض میکند زبان را کمتر از قبض عفص وتقویت شهوت
میکند اما عفص بارد ارضیست جمع میکرداند اجزای اعضا را وکثیف وصلب میسازد
زبان را وبسیار در یکدیگر میکشد بحدی که میفشارد آن را ودرشت میسازد وگاه
هست که دو طعم یا زیاده در یکجا جمع میشود چون تیزی وشیرینی در عسل وبعضی
دلیل گفته اند بر آنکه طعوم منحصر در هشت است باین نحو که هر دوایی یا غذایی که
هست خالی از آن نیست که جوهرش کثیف است یا لطیف است یا معتدل است در کثافت
ولطافت

ولطافت هریک از آن سه قسم خالی از آن نیست که مزاجش یا بارد است یا معتدل است میان حرارت
وبرودت بنابرین تقسیم نه قسم حاصل میشود هشت قسم از آن صاحب طعم است ویکی بغیر طعم
کثیف حار تلخ است کثیف بارد عفص کثیف معتدل در گرمی وسردی حلو لطیف حار حریف
لطیف بارد حامض لطیف معتدل دسم متوسط در کثافت ولطافت حار مالح متوسط در کثافت
ولطافت بارد قابض متوسط در کثافت ولطافت معتدل تفه که بی طعم است وگاه هست یک
شیء مرکب از دو چیز است یکی بارد بی طعم ویکی حار با طعم ومرکب بارد است بواسطه آنکه جوهر بارد
غالب است بر وی وجوهر حار مغمور ومضمحل است در وی پس طعم آن مرکب طعم جوهر حار است
ومخلش کاسنی بارد چون افیون که آن تلخ وسرد است با آنکه تلخی آن از جوهر حار است وتاثیرش
از جوهر باردی که طعم وی غالب نیست بر وی والا ثانی قسم کما اتفاق میافتد در طرف
سردی میباشد یعنی طعم وی دلالت بر حرارت میکند وغالب بر مزاج آن شیء برودت
چون این حرارت قوی تر است وظاهر تر طعمی که مقتضای حرارت است از آن ظاهر میشود وغالب است
بیان از جمله اموری که توضیح این مطلب نماید وموجب زیادتی بیان آن باشد این است که اگر اندکی
از صبر در بسیاری از دوغ ترش اندازی اثر تلخی میسازد اما مزاج آن را گرم نخواهد ساخت پس
هرگاه بطریق صناعت ممکن باشد که چیزی طعم دهد وتغییر مزاج ندهد جایز خواهد بود که
بطریق طبیعت این قسم چیزی موجود گردد اما رایحه ممکن است که از آن استنباط مزاج اشیا
نمایند ولهذا بسیاری از اشیا مزاج ومجاز بوی وی معلوم میشود یعنی آنکه حسیده شود و
بسیاری واقع میشود که طعم یا بوی مخالف میباشد مثل گل خوشبوی که با وجود بوی
خوشش طعمش از تلخی وعفوصت خالی نیست واکثر آن است که رایحه از جوهر حار میباشد خصوصاً
گاهی که مایل بشیرینی باشد یا از وی گزندگی محسوس شود یا بوی تند لطیف داشته باشد
وآنچه از وی حموضت وتکرج محسوس شود بارد خواهد بود واکثر خوشبوها گرم میباشد
مگر آنچه با تسکین نفسی باشد چون کافور ونیلوفر وامثال آن بجهة آنکه گرمند ولهذا
مصدع اند ودردسر میآورند وآنچه بو نداشته مزاجش از طعم وفعل او معلوم توان کرد وآنچه
او را رایحه باشد دلالت میکند بر لطافت مزاج اما در همه جا حکم نمودن بر مزاج و
استنباط آن از رایحه نمودن موثوق به نیست واعتماد را نمیشاید واما الوان استدلال
بآن دون استدلال برایحه است واضعف چیزها نیست که از آن استدلال مینمایند بر مزاج
ووجه ضعف استدلال بالوان مثل آنست که در طعوم گفته شد زیرا که جایز است که

یک شیء مرکب باشد از دو جوهر حار و بارده و بارد را لونی باشد که دلالت کند بر برودت و حار
الوان نباشد و جوهر حار غالب باشد بر این شیء بیشتر تا اثر جوهر حار غالب را خواهند نه بارد
صاحب لون را وگاه هست که استدلال نمایند بر افراد یکنوع مثالش بعضی بعضی بلون مثل
بیان و حبوب و بن و ریان نحو که افراد یکنوع که هر کدام که سفیدتر است ابرد است و آنچه سفیدیش
کمتر است احر است و بعضی برین استدلال را قبول ندارند و میگویند که اشیائی که از یک حار باشند
آنچه از افراد آن نوع سفیدتر است حارتش بیشتر است و آنچه سفیدیش کمتر است حارتش کمتر است
و نوع بارد آنچه از افراد آن نوع سفیدتر است برودتش بیشتر است و آنچه سفیدیش کمتر است برودتش
کمتر است لیکن رای قول اصح و اظهر است زیرا که شراب نوع آن حار است و سفیدان آن گرمیش کمتر است
بخلاف آنچه قایل دوم ذکر کرده و اعتقاد نموده بنا بر قول قایل دویم بایست که شراب سفید
گرمتر باشد و دلیل بر صحت قول اول آثار و افعالی است که از شراب سفید ظاهر میشود و همین
دلیل کافی است این مطلب را مقدمه خامسه در معرفت امزجه مرکبات مزاج مرکبات و درجه
آن از امزجه مفردات و درجات آن معلوم باید کرد پس اگر مرکب باشد از کیفیات متضاد
مقابله باید کرد درجه حار را با درجه بارد و رطب را با یابس اگر هر دو متساوی باشند حکم باعتدال
مرکب باید کرد و اگر احدهما فاضل باشد حکم کنیم بر مرکب بمزاج فاضل و اگر مرکب باشد از کیفیات
متشابه مثلا مجموع اجزا حار باشند یا مجموع بارد اگر متساوی باشند در درجه مزاج آن مرکب
مثل مزاج مفردات آن مرکب باشد و اگر یکی از مفردات درجه اولی باشد و دیگری در غیر
اولی مزاج مرکب مختلف باشد مثلا اگر یکی از مفردات گرم باشد در درجه اولی و دیگری گرم
باشد در درجه ثالثه مزاج مرکب از آن دو جزو گرم خواهد بود در درجه ثانیه چنانکه اگر
کنیم گرم را با آب گرم ممزوج سازیم از آب ممزوج کمتر از آب نیم گرم و سردتر از آب گرم خواهد بود اگر کسی
گوید که بنا برآنکه تو بیان کردی لازم می‌آید که حار و بارد هم متساوی باشند در افعال ذاتیه زیرا
که اگر بارد در درجه اولی را اضافه نماییم با حار در درجه ثالثه مزاج مرکب از آن دو جزو میباید
که گرم باشد در درجه ثانیه بواسطه آنکه یکدرجه از برودت مقابله شده با یکدرجه
از حرارت و باقی ماند مرکب حار در دو درجه پس فرق نباشد میان حار در درجه اولی جواب گوییم
که مرکب از بارد در درجه اولی و حار در درجه ثالثه حار در درجه ثانیه زیرا که چون
یک درجه از برودت مقابله شد با یک درجه از حرارت باقی ماند نصف مرکب حار در دو درجه و نصف
دیگر از مرکب معتدل نسبت بجهت تقابل درجه برودت با درجه حرارت و چون اضافه نمودیم

معتدل

معتدل را با حار در دو درجه مرکبی حاصل شد که حرارت آن کمتر از دو درجه است پس حار و بارد مساوی
نباشند و فرق باشد میان هر دو و توضیح این مقام آنست که مراد اطبا ازین قول که فلان دوا گرم است در
درجه اول آنست که در آن دوا دو جزو گرم است و یکجزو بارد یک جزو بارد مقاومت کرد با یکجزو
حار و معتدل شد و آن دوا باقیماند در یکجزو گرم و مراد از آنکه فلان دوا گرم است در درجه سیم
آنست که در آن دوا چهار جزو گرم است و یکجزو سرد یک جزو گرم مقاومت نمود با یکجزو سرد
و آن دوا باقی ماند در سه جزو گرم پس چون در مثال مذکور مرکب ساختیم آن دو جزو را دارای مرکب
شش جزو گرم باقیماند نصف مرکب گرم در چهار جزو و چون از چهار جزو گرم سرایت کند در مجموع
مرکب گرم خواهد بود در دو درجه و اگر مرکبی فرض کنیم از یکجزو بارد در یک درجه و یک جزو گرم
در سه درجه در این مرکب سه جزو بارد خواهد بود و پنج جزو حار بعد از مقابله باقی ماند
نصف مرکب گرم در دو جزو بعد از سریان گرم خواهد بود در یک درجه پس ظاهر شد که مرکب
از حار در یک درجه و حار در سه درجه حار است در دو درجه و مرکب از بارد در یک درجه و
حار در سه درجه حار است در یک درجه و اما کتابی که این مختصر مشتمل است بر چند کلمه کلمه اولی
در معرفت قانون ترکیب ادویه در اکثر کتب طبی مذکور است که طبیب دانا را واجب است
که اگر دوای مفرد را در مرضی که علاج میکند کافی داند از آن تجاوز ننماید زیرا که مفرد اخف
است بر طبیعت از مرکب دیگر آنکه دوای مفردی که در مرکبات میباشد اکثر آنست که شربت
تام نیست پس فایده که بر شربت تام مترتب میشود بر آن مترتب نخواهد شد و اگر احیانا آن
دوای مفرد را در مقصود خود کافی نیابد در آن صورت جایز است او را که ترکیب نماید و بدوای
مرکب معالجه کند و اینکه دوای مفرد در مقصود کافی نباشد بواسطه دو امر متصور بود
اول آنکه در آن دوا صفتی حالی باشد که علاج مقتضی و مستدعی آن باشد که اصلاح آن دوا
باید کرد بجهت آن علاج و ممکن نباشد اصلاح مگر بضم نمودن دوائی دیگر بآن دوای مفرد
دوم آنکه مرضی که طبیعت علاج میکند مرکب باشد و مقتضی آن باشد که دوای دیگر
بآن ضم باید کرد اما اول منقسم بچند قسم میشود اول آنکه دوای مفرد حار باطبع باشد و
طبیعت بسبب حدتی که آن دوا دارد قبول نکند در آن صورت چیزی دیگر بآن اضافه باید
کرد تا حدت دوا را زایل سازد مثلا زنجبیل چون حدتی در وی موجود است با عسل
ضم نموده مربا میسازند تا حدت طعم آن شکسته شود دوم آنکه حاد الرایحه باشد پس
چیزی بآن اضافه باید کرد تا حدت آن را ساقط گرداند مثلا خیارشنبر چون حدت

وابنجه بجیه دوری موجود است که این را بان منظم میسازند تا طبیعت و معده از ان متنفر
نشود و موجب غثیان نشود سیم انکه ضعیف القوه باشد و وفا بمقصود نکند پس چیزی را بان
منظم باید کرد تا تقویت آن نماید مثلا تربد زنجبیل را بان اضافه میکنند تا بقوت آن بلغم غلیظ
دفع کند و از ین قبیل است ضم نمودن دوای گرم با دوای گرم دیگر تا بسبب انضمام حرارت و
سخونت آن قوی شود و در امری که از ان مطلوب است اتم و اقوی باشد چه حرارت دوای
مفرد وفا بمقصود نمیکند و همچنین ضم نمودن دوای بارد با دوای بارد دیگر گاهی که احتیاج
به تبرید زیاده بوده باشد چهارم انکه دوای مفرد قوی القوه باشد و مقصود بکمتر از ان حاصل
شود و زیادتی قوت ضرر داشته باشد مثلا زنجار ضم مینمایند با وصمغ را در شیاف زنجار
تا قوت زنجار را بشکنند و کم سازد و از ین مقوله است ضم نمودن دوای حار با دوای بارد
پنجم انکه دوای مفرد سریع النفوذ باشد و در موضعی که مقصود عمل آن دواست توقف ننماید
پس چیزی بان اضافه مینمایند که آن دوا را در ان موضع نگاه دارد تا مطلوب از ان بحصول
پیوندد مثلا ادویه که فتح سدد جگر است مثل تخم رازیانه و تخم کرفس و انیسون که سریع
النفوذ اند را جگر پس با ایشان ادویه جاذبه ضم باید نمود که آن دوا را بصند جهت جگر جذب
نماید مثل تخم ترنج که جاذب است بنفم معده پس دوا را در جگر آن قدر نگاه میدارد که منفعتی
که از ان دوا مطلوب است بجگر برسد بعد از ان نفوذ کند ششم انکه دوای مفرد بطی النفوذ باشد
و پیش از انکه بعضو مقصود برسد قوت آن باطل میگردد یا ضعیف میشود و این قسم منقسم
بدو قسم میگردد یا بواسطه انکه بطو نفوذ آن دوا یا بواسطه آنست که آن دوا منقسم بدو
قسم میشود یک قسم متوجه عضوی میشود که مقصود علاج آن عضو است و قسمی دیگر
متوجه عضوی دیگر و بهمین سبب که بعضی از آن دوا بعضوی دیگر میرود موجب بطو
نفوذ یا تقلیل بعضو مقصود خصوصا گاهی که بیشتر متوجه عضو غیر مقصود باشد و یا نه
بواسطه آنست در صورت دوم چیزی بان اضافه باید نمود که مسرع نفوذ آن دوا باشد و
این بر دو وجه است بواسطه انکه مسرع یا آن دوا را بعضو مخصوص میرساند یا بجمیع اعضا انکه
بجمیع اعضا انکه بجمیع اعضا میرساند مثل سرکه بواسطه حدتی که در ان است روغن گل را
با وجود لزوجت بجمیع مسالک و مجاری میرساند و انکه بعضو مقصود میرساند چون ر
سانیدن زعفران کافور را در قرص کافور بدل و بعد از رسانیدن طبیعت در ان نموده ابطال
عمل

عمل زعفران مینماید در دل را بکافور میرساند و همچنین بابونه که در ان دو قوت است
قوت تحلیل و قوت قبض عمل قوت تحلیل در نفس عضو الم است و عمل قوت قابضه در مجاری است
ماده که منع ریختن آن ماده مینماید در ان مجاری و در صورت اول که بطو نفوذ بواسطه آن
که آن دوا منقسم بدو قسم میشود بعضی متوجه عضو مقصود و بعضی متوجه عضو غیر
مقصود لازم است که چیزی بان منضم سازند که مخصوص سازد آن دوا را بعضوی که مقصود
علاج آن عضو است چنانکه ذراریح را با ادویه مدره منضم میسازند تا آن ادویه مدره
ذراریح را با ادویه مدره منضم میسازند تا آن ادویه از جهت عروق برگردانیده بطرف
کلیه و مثانه متوجه گردانند اما امر دوم که موجب ترکیب ادویه ترکیب مرض باشد آن
نیز منقسم بچند قسم میشود اول انکه مرض مرکب از دو حال باشد که دوای مفرد مقابله
بان دو حال نتوان کرد چنانکه در قرحه متوسخه دوای مفردی که هم اصلاح قرحه
کند و هم چرک و وسخ از ان دور کند بهم نمیرسد بالضروره چیزی که گوشت برویاند اضافه
مینمایند بچیزی که چرک و وسخ را دور کند چنانکه در مرهم زنجار [illegible] را که
گوشت میرویاند با زنجار که چرک و وسخ را محو میکند اضافه مینمایند دوم انکه مرض
مرکب از دو حال باشد دوای مفردی که مقاومت بان دو حال کند بهم میرسد
اما یکی از دو قوت دوای مفرد ضعیف است و وفا بدفع یک مرض نمیکند پس چیزی
بان منضم میسازند که آن قوت را قوی سازد و معالجه و مقابله بان مرض بکند
و شیخ ابو علی عشیل بابونه فرموده اند که در ان قوت تحلیل بیشتر است و قوت
قبض کمتر پس اگر محتاج بقبض شدید باشیم دوای بسیط قابضی بان منضم میسازیم
تا در امر مقصود تمام باشد سیم انکه مرض مرکب از دو حال باشد و دوای مفرد
دو قوت باشد که هر یک از ان دو قوت وفا کند بمقصود اما احدهما اقوی باشد
و موافق مقصود نباشد پس چیزی بان اضافه باید نمود که یکی از ان دو قوت
دوای مفرد را ضعیف سازد تا موافق مطلوب شود مثلا چیزی منضم میسازیم
به بابونه که تحلیل ان را فی الجمله کمتر سازد و تعدیل کند تا مساوی مرض شود چهارم
انکه مرض مرکب از دو حال باشد و دوای مفردی بهم رسد که آن را دو قوت باشد

بی
که دفع کند بهرد ولیکن یکی از آن دو حال که مریض را واقع است قوی‌تر باشد از دیگری پس محتاج هیم که چیزی
اضافه دوای مفرد نمائیم که تقویت آن قوت نماید که در مقابل یکی از آن دو حال مرض است چنانکه
در مرض سل بمذهب کسی که آن را مرکب میداند حرارت دقیه اقوی باشد از قرحه شش و
ب ورد ماء الشعیر دفع کند بطفیه حرارت دقیقه و اگر چه جلائی که در او هست دفع میکند
بقرحه شش بالقنی ووده کاهو را اضافه ماء الشعیر باید نمود تا ب ورد ماء الشعیر
کاهو و تقویت یافته و دفع کند بدفع حرارت دقیه کلمه ثانیه در بیان مقادیر اوزان اجزای مرکبات
شیخ ابو علی در قانون میفرماید که هر گاه که محتاج شوی بجمیع امری که در یک دوا بهم نرسد
و بالقنی وده ترکیب چند دوا باید کرد تا آن مدعیات بفعل آید مثلا محتاج شوی باستفراغ
سقمونیا و شحم الحنظل و صبر و تربد واجب است بر تو که ملاحظه نمائی اگر آن مدعیاتی که
دوای همه یکی بینه اند و هیچ یک را زیادتی بر دیگری نیست باید که هر یک از این چهار دوا
ربع شربت آن دوا اخذ نموده ترکیب نمائی و اگر آن مدعیات مختلف باشند و بعضی
احتیاج بیشتر از بعض دیگر باشد و بعضی کمتر باید که حدس صناعی را بکار داشته
تفریق و تخمین قدر حاجت نمائی و لنسبت حاجت با حاجت دیگری قانون سازی و بهمان نسبت
از شربات بعضی از دواجزای کم کنی و بر بعضی دیگر چیزی بیفزائی و ترکیب نمائی
تا مطلوب حاصل گردد و اجزای مرکب بعضی اصل و عمود اند در آن مرکب که اگر اهمال در آن
جزو شود یا بدل آن جزو دیگر داخل نمائی فایده که مقصود است از آن مرکب بالکلیه باطل
و منفعت مرتفع میشود یا کم میشود مثل گوشت افعی در تریاق فاروق و صبر در ایارج فیقرا
و حنظل در ایارج لوغاذیا و بعضی دیگر اصل و عمود نیست اند اگر اسقاط آن نمائی یا
بدل آن کنی یا بعضی را کم کنی و بعضی را زیاد جایز است و فایده که مقصود است از آن مرکب
باطل نمیشود و بعضی اجزا ازین قبیل است که اگر زیاد کنی ضرر دارد مثلا اگر در تریاق بلادر
زیاده کنی از وزن مقرر ادویه را فاسد میسازد خصوصا گوشت افعی را و بعضی
چنان است که اگر زیاد کنی ضرر ندارد چون زنجبیل در تریاق و صاحب منهاج الادویه
از مطلب ایه بسطی هر چه تمامتر ذکر کرده میفرماید اما مقادیر اوزان ادویه مفرده
که در مرکبات ماخوذ است مختلف میشود بقلت و کثرت و توسط بواسطه اختلاف
حالات ادویه در قوت و ضعف و غیر آن و آن بدو طریق معلوم میشود یکی مفرده و دیگری
مرکبه

مرکب اما طریق مفرد چنان است که گوئیم اختلاف اوزان ادویه مفرده در مرکبات یا بسبب قوت
دواست یا ضعف آن و یا بجهة کثرت منافع است یا بجهة قلت آن و یا بسبب شرف آن دواست یا خست
آن و یا بواسطه آن است که آن دوا منفرد و مخصوص است بنفعی و غیر او در آن شریکی نیست یا غیر
در آن منفعت با آن دوا شریک است و یا موضعی که معالجه میشود از معده دور است یا نزدیک
است یا آن دوا مضر است ببعضی اعضا یا در آن مرکب بعضی از ادویه موجود است که مضرت میرساند
بآن دوا پس اگر دوا قوی باشد اندکی از آن در مرکب باید کرد و اگر ضعیف باشد بسیار باید
کرد و اگر کثیر المنافع است بسیار باید کرد و اگر قلیل المنافع است اندک و اگر شریف المنافع است
بسیار باید کرد و اگر خسیس المنافع است اندک مخصوص و منفرد است بنفعی که در باقی ادویه
آن مرکب نیست بسیار باید کرد و اگر در مرکب ادویه دیگر باشد که همان نفع دهد کمتر
باید کرد و اگر موضع عضوی که معالجه میکنیم دور باشد از معده بسیار باید کرد و اگر
نزدیک باشد اندک و اگر آن دوا مضر باشد ببعضی اعضا یا کم کند نفع بعضی از ادویه را
که در آن مرکب است اندک باید کرد و اگر در مرکب بعضی ادویه باشد که قوت دوائی را کم کند
آن دوا را در مرکب بسیار باید کرد پس معلوم شد که اسباب بسیار کردن دوای مفرد در مرکب
یکی از چند امر است ضعف دوا و کثرت منافع و شرف آن و دوری عضو مداوی از موضعی
که این دوا باو میرسد و منفرد بودن دوا بنفعی و بودن دوائی در مرکب که از شان آن دوا باشد
که ضعیف سازد قوت دوای نافع را و اضداد این اسباب موجب آن است که دوای مفرد را در مرکب
کم کنند و آن قوت دواست و قلت منفعت و خست دوا و قرب عضو مداوی از موضعی که دوا
بآن میرسد و مشارکت غیر با آن دوا در منفعت و آنکه در مرکب دوائی نباشد که از شان آن باشد
که قوت دوای نافع را ضعیف سازد و اما طریق مرکب که معلوم میشود از آن مقدار وزن دوای
مفرد که در مرکب داخل میکنند و آن بترکیب طریق مفرد است که مذکور شد و بالجمله هر گاه که
در دوا دو سبب یا بیشتر از این اسباب که مذکور شد بهم رسد اگر آن اسباب مقتضی اکثار است
بسیار باید کرد و اگر مقتضی تقلیل است کم باید کرد و اگر یکی از اسباب مقتضی اکثار است و باقی
اسباب مقتضی تقلیل میانه باید کرد مایل بکمی و اگر اسبابی که مقتضی اکثار است بیشتر باشد میانه باید کرد
مایل ببسیاری و اگر اسباب کثرت و قلت متساوی باشد بمقدار معتدل باید کرد نه بسیار و نه کم کلمه
ثالثه در شناختن آنکه داروها را چگونه ترکیب باید کرد صاحب ذخیره خوارزمشاهی میفرماید
که داروهای مرکب بعضی معجونها باشد و بعضی اقراص و بعضی جوارشی و بعضی شیاف سازند و بعضی
ضماد و مرهم و آنچه بدین ماند هر گاه که ترکیب خواهد کرد نخست دارو باید شناخت و بیابید

کنند تا بهتر باشد لیکن از خاک و چیزهایی که بآن آمیخته باشد پاک باید کرد و بر سیم و تباه
کشته د و ربا باید کرد و از دار و ها هرچه کوفتنی باشد بهاون سنگین بباید کوفت و بحریر بباید بیخت
و دارو هرچند نرم تر ساید ترکیب آن خوبتر آید و منفعت آن تمام تر بود مکر دار و های گوارش
که بسی نرم نباید کرد خاصه گوارش زیره چنانکه جالینوس میگوید که من گوارش زیره بکار داشتم
و آن منفعت که از وی توقع کردم نیافتم لیکن ادرار بول آورد و از آن تلخ دیدیم اند و هکن
شدم که مزاج من بدان حد نیاهست که مرا از بن دارو منفعت نمیباشد و مضرت همی باید
بیین کان بردم که اخلاط آن سخت نرم بود دیگر باره بساختم و اخلاط آن سخت درشت تر کردم
منفعت آن پدید آمد دانستم که اخلاط چنین گوارشها سخت نرم نمیباید و دار و ها هر یک
جدا باید کرد و کوفت و از آن آن راست باید کرد و هرچه صمغها و عصارها باشد آن را اندر
شراب و غیر آن تر باید کرد و حل کرد و اندر دار و ها مالید تا همو ار شود پس او را با انگبین
بباید آمیخت پس دار و های کوفته بر وی بباید پراکندن و سرشتن اما آنچه زمستان سرشته شد
انگبین سه بار هم سنگ دار و ها و آنچه تابستان سرشتند انگبین دو بار و نیم هم سنگ دار و ها
و انگبین صاف کرده باید و از موم جدا کرده و کفک بر داشته و معجون اندر ظرف چینی
باید که چهار انگشت ناقص بود تا اگر ترکیبی باشد که بجوشد و دم زند تباه نشود و ظرف
نشکند و معجونهای بزرگ را هرچند گاهی بباید جنبانید تا بخار از وی بیرون و دود دم زند تا آن وقت
که تمام شود و بعد از آن نگاه باید داشت و اقراص را نخست دار و ها نرم باید کرد اندر هاون بکلاب
یا بدان عصاره که اقراص بدان خواهند سرشت و کلاب با عصاره اندک اندک بر دارو میباید
چکانید و میکوفت تا همو ار سرشته شود چنانکه اقراص توان کرد و اندر سایه خشک باید
کرد و هر بامداد و شبانگاه میباید گردانید و از غبار و دود نگاه باید داشت تا خشک شود
و تباه نشود و شکوخ نگردد و اگر اقراص تک سازند نخست تگرگ پاک باید کرد و شستن چنانکه
تلخی و بیخ اذخر در وی بود چیزی اندر آب بر بزند و نکو بکوبند و بحریر فرو گذارند و اندر هاون
کنند و این آب بر وی میچکانند و میمالند و میسالایند تا تمام بحریر فرو گذرد و جهاکه اندر
وی مقل و کثیرا و دیگر صمغها بود نخست آن را بکلاب یا بعصاره که اندر کتاب یاد کرده شد
حل باید کرد و در هاون مالیدن تا همو ار شود پس دار و بر وی پراکند و کوفتن تا سرشته
شود پس حب کردن کلمه رابعه در دانستن بعضی دار و ها باید شست و بباید سوخت و بریان
باید

باید کرد بریان کردن هلیله نخست هلیله را پاک کنند و بکوبند و ببیزند و اندر آب بجوشانند و نگاه
دارند تا آب را نشف کند پس او را بروغن زیت یا بروغن گاو بجوشانند و نگاه دارند تا بسوزد بریان
کردن تخمها تخم را باید کرد و سفالی نو بر آتش نهاد تا گرم شود پس از آتش بر دارند و تخم در وی کنند و میگردانند
تا تخم از سفال گرم شود و بوی آن ظاهر شود و نگاه باید داشت تا بسوزد شستن سنگها که اندر داروهای
چشم بکار آید چون توتیا و شادنج و قلیمیا و غیر آن نخست آن را نرم بباید کرد و آب صافی اندر هاون
کردن و آن آب را بشورانیدن و از هاون به پیاله چینی باز میگردانیدن تا هرچه بآب برود اندر
پیاله گرفته شود باقی را بسودن بآب و در پیاله میگردانیدن تا هرچه گوهر دارو بود و بتوان
سودن سوده شود و بآب برود و آنچه ریگ بود بماند پس پیاله را بباید بجنبانید و بنهاد تا دارو
در بن پیاله نشیند پس آب از وی نرم نرم بیرون ریختن و باقیه دارو را در آفتاب خشک کردن و آن کرد
نگاهداشتن مروارید و بسد را که در مفرحات بکار دارند و همچنین باید کرد و آن را معسول خوانند
و حجر ارمنی و حجر لاجورد که اندر دار و ها بکار دارند و همچنین معسول باید کرد سوختن بسد
و مرجان و گوهرها و صدف و غیر آن هر یکی را اندر کوزه سفالین نو باید کرد و کوزه در گل حکمت باید
گرفت و در تنور گرم باید نهاد یک شب تا چنان شود که بتوان سود سوختن آبگینه گوهر آبگینه را
اندر آتش باید نهاد تا سرخ شود پس او را با آب سرد انداختن تا دیگر آن شود و آسان توان
سود و یاقوت و لشب را و هرچه مانند آن باشد همچنین باید کرد تا گفته و سوده شود
لیکن اندر آب سرد بباید انداختن چنانکه سوختن سرطان تابستان که آفتاب در اسد باشد
سرطان را بباید گرفت و اطراف او را دور کردن و شکم او را پاک شستن و اندر کوزه نو نهادن
و کوزه را در گل حکمت گرفتن و یک شب اندر تنور گرم که آتش از وی بیرون کرده باشند نهادن
تا خاکستر نشود لیکن بریان شود و اگر اندر شیشه نو نهند بهتر باشد و کژدم را اندر شیشه
باید کرد تا آبگینه رطوبت او را نگاه دارد و نشف نکند عمل تیرک و طبی نخست روغن گرم باید
کرد و موم اندر وی گداخت و آنگاه ده درم روغن و ده درم موم باید کرد و آنچه بوی ترکیب
خواهند از عصارها و غیر آن پاره پاره اندر هاون بر این موم میباید افکند و بدسته
هاون مالیدن تا همو ار گردد مرهمها و ضمادها هم بر این گونه باید ساخت خاصه آنچه اندر
وی موم و روغن بود و هر موم و روغنی که اندر فصل تابستان سازند در ده درم روغن
سه درم موم باید کرد و در فصل زمستان دو درم عمل روغنها هر چیزی و گیاهی که بر روغن

از حاجت آید نخست آن را نیم کوفته باید کرد و آنرا در آب خوب خیسانید و یک شبانروز گذاشت و آب
چندان باید کرد که دو انگشت بالای دارو بود پس دیگر روز باید جوشانید و بدست مالید و زر
و بفشرده و صاف کرده و بسه یک وزن آب روغن کنجد با وی باید آمیختن و بآتش نرم بجوشانیدن
تا روغن بماند و آب برود و اگر سخت باشد دارو آن را شش ساعت باید پخت و هر ساعت آب
گرم زیادت میکردن پس بمالیدن و آنرا در دیگ کنند و در میان آب بجوشانند تا دارو پخته
شود پس بمالند و بپالایند و آب را بنشسته باز گیرانند و روغن بر افکنند و دیگر بار هم در میان
آب کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند نتیجه در بیان طریق دانستن طبایع مرکبات
از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست و تحقیق درجات آن و ذکر اکثر مرکبات مشهوره
و معجونات مقرره که در کتب معتبره چون قانون و ذخیره و منهاج و جوامع و قرابادین قلانسی
و قرابادین نجیبی و غیر آن مذکور است و بیان درجات طبایع آن و آن مشتمل است بر مقدمه
و مطلبی مقدمه در بیان دانستن طبایع مرکبات از حرارت و برودت و یبوست و رطوبت
و تحقیق درجات لا آن و ذکر اکثر مرکبات مشهوره و معجونات مقرره که در کتب معتبره
چون قانون و ذخیره و منهاج الی آن هر دوای مرکب خالی از آن نیست که بسیط آن متساوی
النسبه باشند یعنی هر یک از بسیط آن نیم شربت یا هر یک یک شربت است و علی هذا القیاس
یا متساوی نباشد یعنی بعضی یک شربت است و بعضی کمتر یا بیشتر و بر هر یک از این دو تقدیر
کیفیات بسیط آن مرکب متضادند یعنی بعضی حارند و بعضی بارد و بعضی رطب اند و بعضی
یابس یا متضاد نیستند باین معنی که همه حارند یا همه بارد یا همه رطب اند یا همه یابس و بر
هر یک از این تقادیر اربعه در آن مرکب دوای معتدل هست یا نیست پس اقسام هشت است در این
چهار قسم که شربات آن متساوی نیست بعد از معرفت امزجه و تحقیق درجات و جمیع شربات اجزاء
حاره و بارده آن را هر یک علیحده جمع باید نمود و اقل از اکثر نقصان کرده و باقی را بر عدد شربات تقسیم
نمود خارج قسمت درجه آن مرکب است در کیفیت اکثر و اگر اجزای حاره با اجزای بارده متساوی
باشند آن مرکب معتدل خواهد بود و اما آن چهار قسم دیگر که شربات ایشان مختلف است
ضابطه آنست که از اکثر مثل اقل اخذ نموده بطریقی که در چهار قسم اول مذکور شد درجه
آن معلوم نمائیم پس نظر کنیم در باقی اگر مساوی آن مرکب است که درجه آن معلوم نموده ایم
بطریقی که مذکور شد ترکیب نموده درجه آن معلوم نمائیم و اگر اکثر از مرکب است مثل
مرکب بار دیگر از آن اخذ نموده تحقیق درجه آن نمائیم تا آنکه مساوی باقیمانده یا اقل اگر
مساوی

مساوی باقیماند طریقش همانست که مذکور شد و اگر اقل باقیماند مثل آن از مرکبی که تحقیق درجه
آن نموده ایم اخذ کنیم و بطریقی که مذکور شد تحقیق درجه نمائیم و همچنین چند مرتبه عمل باید کرد
و در هر مرتبه تفاوت کمتر شود و بتحقیق اقرب گردد چنانکه شارح سدیدی بیان کرده لیکن
اگر اجزا بسیار باشد چنانکه در اکثر تراکیب متداوله مشهوره واضح است باین طریق عمل نمودن
خالی از اشکالی نخواهد بود و مزاج آن ترکیب به تحقیق معلوم نخواهد شد اگر بقاعده که شارح
اشراقی ذکر کرده و نسبت آن قاعده بحذاق الاطبا داده عمل شود بغایت سهل و آسان میگردد
زیرا که آن قاعده ایست خفیف المؤنه سهل الاستعمال جاری در جمیع اقسام و معرفت درجه
مرکب از آن قاعده بتحقیق معلوم میشود و آن قاعده اینست که دوا یا اعظم را در رتبه منعقده فرض
دوا کنی بقدر شربت آن پس مرکب از سه دوا که یکی از آن چهار شربت باشد و دیگری پنج شربت
و دیگری شش باشد ده دوا فرض کنی و استخراج درجه آن نمائی بطریقی که در چهار قسم اول که عدد
شربات ایشان متساوی بود مذکور شد مثلا خواستیم که تحقیق درجه این نسخه جوارش
کمونی نمائیم زیره کرمانی مدبر و ورق سداب زنجبیل فلفل سیاه از هر یک پنج استار که سی و
یک درم و نیم است تخمینا بوره ارمنیه دو درم اولا تحقیق شربت هر جزوی نموده ایم زیره شربتی
از آن دو درم سداب شربتی سه درم زنجبیل شربتی دو درم فلفل سیاه شربتی یک درم بوره
شربتی نیم درم پس زیره در این نسخه شانزده شربت است و سداب ده شربت نیم و زنجبیل
شانزده شربت و فلفل سیاه سی و یک شربت و نیم و بوره بیست شربت مجموع شربات
نود و چهار بعد از آن تحقیق مزاج و درجات اجزا نموده ایم باین طریق زیره کرمانی گرم است
در درجه دوم خشک است در درجه سیم سداب خشک بستانی گرم و خشک است
در درجه سیم زنجبیل گرم است در آخر درجه سیم خشک است در درجه دوم فلفل سیاه
گرم و خشک است در آخر درجه سیم بوره ارمنی گرم و خشک است در آخر درجه دویم پس
زیره کرمانی و بوره ارمنی هر دو گرم اند در درجه دویم و عدد شربات این هر دو سی و شش
چون در درجه دویم گرم اند ضعف آن که هفتاد و دو باشد اجزای حار در این دو جزو خواهد
بود سداب و فلفل سیاه و زنجبیل هر سه گرم اند در درجه سیم و عدد شربات این هر سه
جزو پنجاه و هشت چون در درجه سیم گرم اند که مثلث آن یکصد و هفتاد و چهار باشد
ضعف اجزای حار در این هر سه جزو خواهد بود پس مجموع اجزای حار دویست و چهل و چهار است

بر عدد شربات که نود و چهار است قسمت نمودیم خارج قسمت دو و نیم شد پس این ترکیب حار باشد
در درجهٔ دوم و نیم بجهت تحقق درجهٔ آن در رطوبت و یبوست زنجبیل وبی و زاهری خشک‌کند
در درجهٔ دویم و عدد شربات این هر دو جزو خواهد بود زیرهٔ کرمانی و سداب و فلفل سیاه خشک‌کند
در درجهٔ سیم و عدد شربات از هر یک بیست خواهد بود بجهة و هفت و نیم پس مثلا آن یکصد و هفتاد و دو و نیم
بخواهد یابس بود زیرا هر سه جزو خواهد بود مجموع اجزای یابس دویست و چهل و چهار و نیم بر عدد
شربات مجموع که نود و چهار است تقسیم نمودیم خارج قسمت دو و نیم شد تخمینا پس خشک باشد
در درجهٔ دوم و نیم مطلب دویم در ذکر اکثر مرکبات معجونهای معتبره که در اکثر کتب معارفه معتبره
چون قانون و ذخیره و منهاج و جامع و قرابادین نجیبی و قرابادین قلانسی و غیر آن مذکور است
و بیان درجات طبایع آن تریاق فاروق چون از جمله معاجین مشهور و کثیر النفعه تریاق ما
... است و اکثر اطبا در کتب طبی آن را بر جمیع تراکیب مقدم داشته اند ما نیز متابعت ایشان نموده
ابتدا بذکر آن کردیم و چون نسخه اند و ما احسن نسخه‌ها نسخه‌ایست چنانکه شیخ در قانون اقتدا
ایشان به آن نموده آن را مقدم داشتیم اخلاط آن قرص اسقیل بیست و هشت مثقال قرص
افعی تریاق اندروخیون فلفل سیاه افیون از هر یک بیست و چهار مثقال دارچینی بیست و
چهار مثقال گل سرخ دلیه دوازده مثقال و تخم شلغم بری اسقوردیون که آن را توم بری
خوانند ایرساغاریقون حب السوبس و دهن بلسان از هر یک دوازده مثقال مر زعفران
زنجبیل راوند چینی ... بود ... فراسیون قطراسالیون اسطوخودوس قسط
تلخ فلفل سفید دار فلفل کندر مشک طرامشیع فقاح اذخر علک البطم سلیخه سنبل
هندی جعده از هر یک شش مثقال میعه تخم کرفس ساساليوس تخم سنبدان سفید کمادریوس
ناغواه قنطوریون عصاره لحیة التیس سنبل رومی ساذج هندی موحیطیا ... تخم
بادیان گل ... فلفل ... سوخته ... حب بلسان ... فو ... جاوشیر
صمغ عربی ... مقل الیهود ... از هر یک
دو مثقال ... چهار مثقال مقل الیهود جاوشیر
... از هر یک دو مثقال عسل مصفاه رطل بغدادی
ماء العسل بدل شراب هشت رطل عدد ادویه این نسخه شصت و چهار است و وزن
مجموع

مجموع ادویه چهارصد و شصت و شش مثقال صفت قرص افعی باید که افعی ماده بگیرند و علامت
ماده آن است که او را یاره از عیلتی باشد و افعی نر را دو عیلتی زیاده بخیال باشد و باید که از یک ازآ
باشد سریع الحرکه در وقت راه رفتن سر از زمین بر داشته میرفته باشد و سر او بسرخ چشم
و ... باشد و در اواسط فصل ربیع صید کرده باشند و باید که از دریا و بیرها و بحرها دور
و کوهها نزدیکتر باشند و از زمین شوره یا موضعی که نزدیک با آب شور باشد نگیرند چون
صید کنند ... و چهار انگشت از سر و دم آن بیکدفعه قطع نمایند و بعد از قطع نمودن سر و
دم حرکت و اضطراب نماید خوبست و اگر از آن خون بسیار روان باشد خوبست و موافق
و الا ترک آن نموده و دیگری اختیار کنند که باین صفات موصوف باشد پس پوست آن را کنده
احشای آن را خصوصاً زهره از شکمش بر آورده بیندازند و آن را با آب شیرین بشویند و قطعه
قطعه نموده در دیگ سنگی پاکیزه با آب و نمک و شبت طبخ نمایند تا تمام از هم بشود و گوشت از
استخوان باسانی جدا گردد پس استخوانهای آن را از گوشت پاکیزه ساخته بیندازند و گوشت
آن را از خرقه جدا سازند و باید که با انگشت بطول طبخ نمایند و بعد از آن گوشت را فشرده رطوبتی
که در آن باشد دور سازند و وزن نموده معادل ربع آن نان کاک که خوب نقطیر باشد و
در آن تریاقی نباشد اصلا و آب آن را هم چون شرحه کردن باشند داخل نمایند و با گوشت در
هاون بکوبند و چند مرتبه کوبیدن تا خوب بکوبند تا خوب یکی مخلوط شود بعد از آن قرصهای
باریک تنک ساخته در سایه خشک سازند و شخصی که مرتکب این عمل باشد باید که انگشتان
و دماغ خود را بروغن بلسان چرب کند و هر ساعت آن قرصها را میگردانیده باشد تا بیک خشک
شود پس در ظرف پاکیزه نهاده محافظت نماید صفت قرص افعی منقول از ذخیره خوارزمشاهی
بباید دانستن که انواع افعی بسیار است الجمله اندر تریاق بکار آید مادگان را بفارسی کر زه گویند
و ماده باید و نشان ماده گی آنست که ... در اول جهاد ... بود که آن را نیش ... دندان گویند
از هر جانبی دو عدد ... باشد و ... آن باشد که ... از بهر آنکه سیاه سخت
زهرناک باشد و سفید ضعیف باشد و اشقر معتدل باشد و زهر ماده ضعیف تر از زهر
نر بود و ... باشد و ... باشد و این نیم را ماد
کیران کلته دنب گویند و جوان باید و تند و چست و نشان جوانی آنست که حرکتهای او قوی
باشد و نشان قوت او آن باشد که سر او با بوا ابسته باشد و چشمهای وی سرخ ... و
دلیر باشد ... و شکم و پشت او صلب باید از بهر آنکه صلابت نشان آن باشد که

وي رطوبتهاي فزوني كه است وسرا وجنبش بايد از بهر آنكه نشان آن باشد كه دماغ وجگر قوي است
واند بميلي فصل بهار بايد كوفت كه آفتاب اندر حمل بود واگر بهار طبع زمستان داشته باشد در حد
بهار واول تابستان بايد كوفت تا قوي باشد وهوا هاكاه او اندر ميان دو ختاق نبايد خاصه در حد
بلوط وباب نزديك نبايد واندر زمين شوره نبايد وليكن صحراي پاكيزه بايد ودر حال كه او را
بگيرند بكشند تا اضطراب بسيار نكند وخشم آلوده نشود وتشنه وبيمار نشود پس اگر ممكن باشد
كه او را بي رنج وآزار بياورند تا نزد طبيب كشته شود صواب بود وكشتن او چنان بايد كه چهار
انگشت از سر ودم او بگذرند بيفكنند از بهر آنكه فولاد زهر او اندر دهان وجانب سر او
باشد وفضلهاي بد اندر جانب دنبال او باشد وچون كشته باشند بنگرند اگر از وي
خون بسيار رود وحركت بسيار كند نيك باشد واگر خون رود واز حركت باز ايستد ضعيف باشد
بدين كار نشايد والحجه شايسته آيد شكم او ببايد شكافت وپاك كردن وپوست او
بايد كردن از بهر آنكه او وپوست همه جا … وان آن فضلها كه اندر تن بود … كننده
وان را بآب صافي وانگكي نمك بسيار بايد شست پس او را در آب صافي وانگكي نمك انداز
كه شور نگردد وخون منقطع آيد وشاخ … از پشت اندر وببايد پخت اندر ديگ سفالين
بي … يا از زير اندر ده وپاكيزه با آتش نرم ميبايد پخت تا مهرا شود وگوشت از استخوان
جدا شود وسر ديگ بايد داشت وببايد نهاد تا سرد شود وآب از وي ببايد پالود
ونگاه بايد داشت وگوشت از استخوان جدا بايد كرد وبهاون سنگين بكوفتن وچهار يك
گوشت نان سميد پاكيزه وبرياني وخميرا وخاسته كوفته وبيخته با وي ميبايد سرشتن
تا هموار شود واگر اندر سرشتن بآب حاجت آيد از آن آب گوشت لو قطره ميبايد چكانيد
وميكوفت تا هموار شود پس قرص بايد كردن پهن وتنك هر يك بوزن يك مثقال واندر
سايه خشك بايد كرد واز آفتاب غبار وباران نگاه بايد داشت باعتدال وشبانگاه …
كرد اين تا هموار خشك شود واگر … اندر وي … نبايد داشت تا متكرج ومضائع
نشود واندر ظرف چيني يا آبگينه نگاه بايد داشت اما شب اند … از بهر آن را اين
كه شبث تحليل كننده است تا فضلهاي بد وآنكه اندر وي مانده باشد تحليل كند
وسرشتن

وسرشتن اقراص با نان از بهر آن بايد كه تا نان رطوبت را نشف كند وگوشت را نگاه دارد وچون
اقراص ميكوفته باشند دستارها و… بايد مالند واقراص را نيز بدان چرب بايد كرد ونگاه
داشت صفت قرص اسقيل اسقيل پياز كوهيست بهترين آن باشد كه سخت خرد نباشد
وسخت بزرگ نه بود چه آنچه سخت خرد بود زود وي رطوبت فضلي بود وآنچه سخت بزرگ
بود سخت خشك بود ميانه بود معتدل باشد وبيك ظاهر وميل سرخي دارد بايد پوست
آن را سر وبن بيفكنند واندر خمير پاكيزه گيرند واندر تنور را بصيحه نهند تا خمير پخته شود
همچون نان پس از تنور بيرون آرند وبنهند تا سرد شود بگشايند وآن را از خمير بيرون آرند و
پوست او دور كنند وبكوبند تا هموار سرشته شود اما اند … اسقيل بطور
… جز واو در سرشته است ديگر آن يك واسقيل كوفته ويكجزو آرد پس چون هموار
سرشته شود اقراص كنند همچون اقراص افعي ودستارها وگوشت چرب كنند تا ترياق اسقيل
باز دارد ومنفعت آيد وتكرسه آن آنست كه تا زود رطوبت را نشف نكند ونگاه دارد كه گرد
نگيرد وعفن نشود واندر ترياق بدانست كه احتشار … كه از بند … بالكند
ومضرت زهرهاي زيانكار تشكند صفت قرص اند ووصف اين اقراص وانسخها
مختلف است اما اين نسخه اختيار جالينوس است اجزاي آن دار شيشعان شش مثقال فقاح
اذخر دوازده مثقال قصب الذريره وماساوردن عود بلسان از هر يك شش مثقال
دارچيني بيست چهار مثقال حماما بيست وچهار مثقال سليخه شش مثقال … سفيد
بيست مثقال سنبل هندي شانزده مثقال جعده شش مثقال مر بيست وچهار مثقال
مصطكي شش مثقال زعفران دوازده مثقال ادويه را كوفته وبيخته بآب العسل …
معجون سازند وقرص نمايند ومحافظت كنند بطريقي كه مذكور شد در اقراص ديگر ياد
كردن مدت قوت ترياق وآزمودن آن ببايد دانست كه ترياق را كودكي وجواني وپيري است
نخست از پس شش ماه رسيده شود وحكم آن حكم كودكي باشد … در قوت افزايد
اما اندر شهرهاي گرم تا ده سال ميفزايد واندر شهرهاي سرد تا بيست سال وحكم
آن حكم … باشد پس هم برين قياس اند شهرهاي گرم تا ده سال بر اين قوت باقي
اند وشهرهاي سرد تا بيست سال در درجه آن درجه جواني باشد پس از شهرهاي گرم
از پس سي سال قوت آن نقصان گيرد تا چهل سال برسد در درجه آن درجه پيري باشد

وانند بشهرهاي سرد از پس چهل سال نقصان همي کيرد تا بشصت سال رسد و از پس شصت سال
بدرجه ضعيف بهايي ديکر آيد چون دواء المسك و غير آن ماركزيده را و از جهة دفع مضرت زهر
هر چند نو و تازه تر بايد آزمودن تازکي و جواني آن چنان باشد که داروي مسهل صبر را
بدهند و توقف کنند تا دارو در کار آيد پس شربتي ترياق بدهند اکر دارو در کار نيايد ترياق
تازه است و اکر باز ندارد بايد است يا مغشوش و طريق ديکر آن است که خروس و سه پشتي را بکيرند
يعني تذرو و ... شربت ترياق بدهند پس ماري کشنده را بدو دهند و کذا ... اکر
از کزيدن آن خلاص يابد ترياق تازه است و اکر خلاص نيابد بايد است يا مغشوش و اکر
نخست ... کذا ... پس ترياق دهند همان باشد و خروس دشتي ... بهر آن کو ...
که مزاج او خشك تر است اثر ترياق اندر وي زود تر پديد آيد و بدفع مضرت طعامهاي
ديکر توان آزمود چنانکه کساني را که افيون و شوکران و مانند آن داده باشند يك شربت
ترياق بدهند و بنکرند تا مضرت آن دفع کند يا نه اکر دفع کند ترياق تازه است و اکر نکند
بايد باشد يا مغشوش بيان کردن مقدار شربت ترياق و آنچه با وي دهند از بهر هر
بيماري اما مارکزيده را يکمثقال اندر چهار اوقيه شراب دهند و کسي را که سك ديوانه
کزيده باشد يکمثقال با يکدرم سرطان نهري دهند اما بريان کرده اند و يك اوقيه شراب
و کزدم زده را هم اندر شراب دهند و کسي را که رتيلا کزيده باشد با سرکه دهند و هم
اندر سرکه حل کنند و بر آن موضع طلا کنند و از براي دفع مضرت چيزهاي زيانکار
چون افيون و شوکران و ... و ذراريح و مانند آن اندر شراب دهند و خداوند
شهوة الکلبي را اندر مقدار سه اوقيه شراب ممزوج و خداوند تب نافض که کرم نشود
نيم درم اندر آب کرم دهند و خداوند قولنج طحال را يك ترمس اندر طبيخ اسارون دهند
و خداوند استسقا را يك بندق با سرکه ممزوج و خداوند ضيق النفس را يك ترمس اندر يك
اوقيه سکنجبين عنصلي دهند سرد و ... و خداوند سرفه بلغمي را و خداوند درد
سينه و درد پهلو را يك ترمس اندر سه اوقيه شراب دهند يا در آب کرم و خداوند
صرع را سکنجبين عنصلي دهند و هم اندر سکنجبين حل کنند و بدان غرغره فرمايند
و خداوند فالج و رعشه و لقوه و مانند آن را بماء الاصول دهند و خداوند جذام را

اندما

ماء الجبن شير بريده ...

اندر ماء الجبن دهند و خداوند ... را اندر ماء العسل دهند و خداوند قولنج را اندر طبيخ
باديان و زيره دهند و خداوند رياح القولنج را اندر طبيخ زيره دهند و خداوند درد کرده و
مثانه را اندر طبيخ کرفس دهند و خداوند اسهال ... و خداوند قرح امعا را با آب سماق
دهند هيضه را اندر بمقدار دو دانك شراب حل کرده دهند و خداوند نفث دم را اندر
اول علت با سرکه ممزوج دهند و اندر آخر با ماء العسل دهند و کسي را که ... باطل شده
باشد اندر ماء العسل دهند و اکر ترياق في ماء العسل اندر دهان کيرند و نکاه دارند
تا ميکدازد صواب بود از جهة حيض که باز کرفته باشد و از جهة بچه که اندر شکم مادر
مرده باشد اندر طبيخ سداب دهند يا اندر طبيخ مشکطرامشيع و يا اندر طبيخ ابهل
و ترمس فايده بدانکه قلانسي در قرابادين ميکويد که زمان ادراك ترياق بحوي
که صاحب کامل ذکر کرده آن است که بعد از ده سال استعمال نمايند و اقل از آن
بعد از هفت سال و بعضي بعد از پنج سال استعمال نموده اند اما اطبا زمان بعد
از هفت ماه يا هشت ماه استعمال نموده اند از نصف مثقال تا چهار مثقال بقدر
حاجت با آب ... يا بعضي اشربه و در بعضي نسخ شربتي از آن نصف مثقال است
تا ربع مثقال و از پنج سال تا سي سال تازه و جوان و قويست و بعد از سي سال کهنه است
تا شصت سال و فعل وي در اين مدت ميانه است و بعد از شصت سال ضعيف
ميشود و معلوم نيست که عملي کند و اکر کند عملش ضعيف خواهد بود و اما تازه و
جوان ترياق استعمال ميکنند در کزيدن هوام و افاعي و جميع مارها و سك ديوانه
و سموم و ادويه قتاله زيراکه مضرت آنها قويست بنابر آن محتاج بعلاج قويست و
ترياق بعد از آنکه هفت سال بر آن بکذرد تا سي سال در نهايت قوت است و چون
از سي سال بکذرد در علاجهاي علل و امراضي استعمال ميکنند که محتاج باشد بادويه
که قوتش از مثل قوت ترياق تازه باشد و باقي مرکبات در ادراك بر چهار طبقه است
چنانچه در قرابادين کفايه و کامل الصناعه و کتاب ... مذکور است طبقه
اولي از مرکباتي که زمان ادراك ايشان شش ماه است مثل ... و ديقوس ...

کاسکبینج اصغر سلیم رامهران اثاناسیا الکبری اثاناسیا الصغری معجون الکبریت معجون هرمس
معجون مثادالملک سوطیرا مجربفیا انقرد یا ارسطون تریاق الطین معجون العنبر شادروطوس
الاکبر شیادوریطوس الاصغر معجون جوزبوا قرص کوکب قرص وماسفطون ماطوش ایارج
ارکاغانیس وجمیع ایارجات بنرلث بادمهرج دحمرثانی مرطاریه قنطاریغان بنرلث قنطاریغان
کوچک صاحب کامل میگوید که اگر قنطاریغان اکبر را استعمال نماید بیش از شش ماه
گشته است واما فلونیا پارسی صاحب کامل از طبقه شمرده و یوحنا بن سرابیون
وصاحب کفایه از طبقه ثانیه شمرده اند که زمان اولا الیشان سه ماه است و تریاق
اربعه دحمرثانی را باید دواء الکرکم الکبیر دواء الکرکم الصغیر دواء اللک الکبیر دواء
اللک الصغیر در کفایه از طبقه اولی شمرده اند و در کامل و یوحنا از طبقه سیم که زمان
اولاکشان دو ماه است طبقه ثانیه که زمان اولاالشان سه ماه است معجون فتیصر معجون
اسطمخیقون طبقه ثالثه که زمان اولاکشان دو ماه است قرصهایی که در تریاق کبیر استعمال
میکنند وآن قرص اسقیل است اقراص افاعی واقراص اندروخورون اطریفل سیاه معجون نقی
تریاق غریزه معجون الخطالطیف فنجنوش دواء المسک الحلو دواء المسک المر معجون کلکلانج
طبقه رابعه که زمان اولاکشان همان روز است که ساخته میشود حبوب ادویه مسهله
سفوفات اقراص خفیفه اشربه مراهم ضمادلها اما زمان انتهای قوت مرکبات آن نیز چند
طبقه است طبقه اولی مثرودیطوس از هفت سال تا ده سال تا پانزده سال سنلیثا از هفت
سال تا ده سال تریاق اربعه کاسکبینج معجون معجون هرمس دحمرثانی قنطاریغان تا پنج سال
طبقه ثانیه اطریفل سیاسوطیرا معجون الخطالطیف تریاق غریزه مجربفیا انقرد یا رامهران
بادمهرج ارسطون الطین معجون العنبر معجون فتیصر معجون اسطمخیقون ایارجات جمیعا
تا سه سال وایارجات نزد بعضی تا چهار سال طبقه ثالثه دواء اللک دواء الکبریت
معجون المسک الکلکلانج قرص کوکب جمیع معجونات کوچک وجوارشنات واطریفلات
واشربه مطبوخه و حبوب جمیعا تا دو سال جالینوس ذکر کرده که آب سفرجل نزد من تا هفت
سال باقی ماند که طعم آن تغییر نیافت و مراد از این آب سفرجل آلیسیت از سفرجل که آن دو رخیته
باشد

باشد که دو ثلث آن رفته باشد ویک ثلث باقی مانده مثرودیطوس پادشاهی بوده اند در
یونان این معجون وی ساخته واین نام اوست و داروهای این معجون را اندر بیماریهای گوناگون
آزموده است و در زمان او کار تریاق این بوده و اندر دفع مضرت زهرهای آزموده است تا
بدان وقت که اندروماخس گوشت افاعی اندر تریاق فاروق زیادت کرد و اندر داروی زیادت
و نقصان کرد تریاق تمام گشت و اندر دفع مضرت زهرها قویتر آمد واما اندر منفعتهای این معجون
مثرودیطوس با تریاق برابر است و اندر بعضی کارها نافعتر است خاصه اندر قوت باه و شهوت
آن و هرچه اند و منفعت تریاق یاد کرده آمده است منفعت این معجون همان است لیکن شربت
این اندکی زیادت از شربت تریاق باید اخلاط آن زعفران مر غاریقون زنجبیل دارچینی کتیرا
از هر یکی ده درم سنبل هندی کندر خردل سفید اذخر عود بلسان اسطوخودوس سط
سیسالیوس کاشیطوس قنه علک البطم دار فلفل عصاره لحیة التیس جند بیدستر سادج
هندی میعه جاوشیر از هر یکی هشت درم سلیخه فلفل سفید و فلفل سیاه سورنجان
جعده اسقوردیون دقو اکلیل الملک خیطانا روغن بلسان اقراص فوتیون مقل از هر یکی
هفت درم سنبل ده درم اشق ناردین مصطکی صمغ عربی قطر اسالیون مو دم انجم بادیان
از هر یکی پنج درم انیسون وج موسکنیخ اسارون از هر یکی سه درم افیون برگ گلسرخ
مشکطرامشیع فوفل قاقیاسو سقنقور بوزیدان رایقون از هر یکی چهار درم ونیم شراب ریحانی
کهنه چندانکه جمعها انها دان حل کنند انگبین مصفا مثل خاروها ادویه واد وان بسرشند
چنانکه عادت است و تا شش ماه استعمال نماید واین تمامی این نسخه است اجزای آن نیکا
شتر است وزن آن سیصد وهفتاد درم ونیم واند این نسخه میسره دار وست که در نسخه
جالینوس نیست وآن غاریقون است وسورنجان و سداب واشق و سکبینج واسارون
وکتیرا واسطوخودوس و دکا مقدونس واکلیل الملک وعود بلسان و فلفل سیاه و مقل
و در نسخه جالینوس و دار وست که اندرین نسخه نیست وآن پنج سو سوامت و نمک
هندی و در نسخه شابور بن سهل تخم سداب هست و درین نسخه نیست و خیطانا پنج
درم است و صفت قرص فوتیون که درین معجون بکار دارند هوبن دانه برین و
کرده چهار درم علک البطم بیست وچهار درم ازخی ومر از هر یکی ده درم دارچینی
ومقل واظفار الطیب و سنبل رومی دو بست سلیخه واکلیل الملک وسعد وحب الغار

مثرودیطوس

از هر یکی سه درم و قصب الذریره ده درم زعفران یک درم و فقر الیهود ده درم و نیم آنرا بعضی نسخها فقر
الیهود نیست دانند و بعضی دو درم و نیم اسارون هست و در نسخه دیگر دو درم و نیم دارصینی عوض آنست
این نسخه پانزده جزو است و وزن آن صد و هشت درم و نیم فائده شیخ ابو علی در رساله قلبیه میفرماید
که تریاق فاروق و مثرودیطوس دو ترکیب اند که هیچ یک از تراکیب دیگر در نفع باین دو ترکیب
نمیرسند در ملایمت بمزاج انسانی و تقویت آن و تقویت دل و ازاله توحش و مقاومت با جمیع سموم
و مفادی اصل نقل جالینوس که هدایت یافتن بتالیف این دو دوا بیشتر و عنایت الهیست و
امری که آن وحی است باشد وحی و اگر فعل تریاق بسبب بسایط آن بودی نه از جهت مزاج حاصلی
که تازه آن انفع بودی از کهنه و حال آنکه بر عکس است در دوازده آن ابتدای منفعت است و نفع کلی
در تمیز درستی آن آنست و تجربه آن بوقت تاخیرش بعد از ده سال است و نزد جالینوس بعد از بیست
سال و این تفاوت ظاهر انجیب تفاوت بلدان باشد در سردی و گرمی و باتفاق بعد از شش ماه
نفعی که از آن متوقع است ظاهر میگردد و هیچ یک از اطبا و از جالینوس و غیر هم که بعد از وی
بوده اند این گمان نبود که این قسم نفعی بر این ترکیب بعد از امتزاج مترتب خواهد شد و چون
بالهام الهی ساخته و پرداخته شد بعد از تجربه زیاده از آن نفعی که مامول و متوقع بود ظاهر
گردید و بعضی از اطبا را اعتقاد آنست که در تریاق و مثرودیطوس حرارت زیاده از حد است
و در استعمال ضعیف مثقال آن توقف مینمایند در استعمال بجهت مثقال از کوفی و فلفل [illegible]
عینا بنده و قیاس از آنست که در یک شربت از این دو معجون حرارت بیشتر باشد بمراتب از آنکه معاجین
چه نصف مثقال تریاق فاروق که در بعضی بیماریها شربت مقرر است در دو دانگ [illegible]
عسل است و سه طسوج دیگر ادویه با آنکه قوت آن ادویه در عسل [illegible] کرده و همچنین اجزای
بارده نیز دارد و در [illegible] تنها که [illegible] و از آنست کافی است لیکن ترکیب بعد از تخمیر و
امتزاج [illegible] میشود خواه گرم باشد و خواه سرد و همچنین تخمیر و امتزاج موجب [illegible]
[illegible] حرارت است در جوهر اجزای رطب [illegible] طبیعت انسانی [illegible] تریاق [illegible]
معاجین دیگر میکند بنا بر این تاثیر تریاق در طبیعت انسانی بیشتر از تراکیب دیگر است لیکن این
زیادتیها باعث این نمیشود که در استعمال قلیلی از آن خوفی باشد و چون تامل کردم در وزن
در ترکیب حرارت تریاق فاروق [illegible] یافتم و حرارت مثرودیطوس [illegible] کمتر
کمتر و این عجیب [illegible] بسایط [illegible] از آنست و آنچه بعد از امتزاج و ترکیب و تخمیر از آن

ظاهر

ظاهر میگردد مالیست که بقیاس ادراک آن نتوان کرد و اما افعال و آثار غیر قوی بر که
از تریاق و مثرودیطوس ظاهر میگردد نه بسبب شدت حرارتست و نه بسبب شدت
برودت بلکه بسبب خاصیت آن دو ترکیب است که حاصل شده از خواص بسایط او از امتزاج معتدل
پس نفعی که بر این دو ترکیب مترتب میشود از تراکیب دیگر ظاهر نمیگردد و اگر انسان
المزاج در اوقات و ازمان معتدله یا بارده مثل معتدل المقدار این دو ترکیب استعمال
نماید بشرط آنکه بسرحد [illegible] و اکثار نرسد در تقویت قلب منفعت عظیم خواهد
یافت و صحتش محفوظ میماند و از عفونات و وبائی و حرکات ردیه اخلاط ایمن خواهد بود
و هیچ یک از سموم ماده [illegible] اثری نخواهد بود و قوی بالتمام قوت خواهند یافت
و عمرش دراز خواهد بود و کسی را که سوء المزاج حار باشد یا در فصل حار و بلد حار
باشد رخصت نیست استعمال این ترکیب و همچنین جمیع جوارشات و معاجین حاره و بعد
از این دو ترکیب در نفع واثق دواء المسک است و دواء المسک تلخ موافقست کسیرا
که مزاجش معتدل باشد و دواء المسک شیرین کسی را که مزاجش گرم باشد و دواء المسک در
تفریح قلب از تریاق کم نیست شاید که در تقویت قلب اندکی از تریاق کمتر باشد و همچنین
در تقویت جمیع اعضا و مقاومت با جمیع سموم نمیتواند کرد بلکه مقاومت میکند با سمومی
که جاری مجری بیش باشد و فایده وی در [illegible] کمتر است از فایده وی در سموم و بعد
از دواء المسک معجون [illegible] و بعد از آن معجون [illegible] تریاق اربعه این تریاق نافع است
گزندگی عقرب و عنکبوت و جمیع بیماریهای سرد و بادهای غلیظ که در معده و روده و جگر
و سپرز بود و صرع و خفقان سود دهد و اگر [illegible] زیاد کنند یا دشوار [illegible] مثقال
از این تریاق [illegible] سهل و آسان کرد [illegible] اخلاط آن [illegible] رومی حب الغار زراوند
طویل مر اجزای مساوی بکوبند بعسل بسرشند و کفایت شربتی یک مثقال با آب گرم و صاحب
جوامع میگوید که بعضی بجای مر قسط تلخ میکنند مزاجش گرم است در درجه دوم
خشک است در آخر درجه دوم تریاق ثمانیه بعد از تریاق اربعه این تریاق ساخته شد و منفعت
این زیاده است اجزای آن زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صافی

قسط خطیانا غیر و قد اجزا مساوی یکدیگر همه را بکوبند و با انگبین بسرشند شربتی یک مثقال مزاج گرم است
و خشک در آخر درجه دوم تریاق الطین تریاقیست آزموده کسی را که زهر داده باشند یا حیوانی
زهرناک گزیده باشد از این تریاق بدهند قی آید تا قوت زهر تمام از تن بیرون کشد و بعد از زهر
میباید داد تا قی یا اسهال آورد و اگر بیمی افتاده باشد که زهر داده اند و نداده باشند بدین تریاق معلوم
شود که داده اند یا نه از بهر آنکه اگر اندر تن زهر باشد هر چند از این تریاق دهند قی کند اجزای
آن حب الغار گل مختوم راست راست بکوبند و بروغن گاو چرب کنند و بعسل مصفا بسرشند
شربتی مثقالی یک قی درمسنگ و نیم ماء العسل مزاج گرم است و خشک در آخر یک درجه
و نیم تریاق غرزه آن تریاقیست که غرزه راست کرده و خلیفه تریاق فاروق است در جمیع
امور و اخلاط آن حماما دوازده مثقال تفاح اذخر هشت مثقال عاقرقرحا شش مثقال
زعفران بیخ و شش مثقال دارچینی شش مثقال مر دوازده مثقال فطراسالیون دو وقیه
از هر یک سه مثقال کثیرا سی مثقال عصاره لحیة التیس هشت مثقال بیخ سوسن آسمانی
پانزده مثقال تخم رازیانه شش مثقال مقل ازرق هشت مثقال لبان سفید بلیسان
هشت مثقال کبریت شش مثقال برنج زرنیخ بیست و هشت مثقال سلیخه نه مثقال خشخاش
سفید سی مثقال سنبل هندی دوازده مثقال تخم سداب یک مثقال تخم افرنج پوست
کندر ساق شامی از هر یک دو مثقال تخم شبت کبا المالك اسارون قرد مانا فو
افیون از هر یک شش مثقال فلفل سیاه سی مثقال گل سرخ خشک منزوع لاقماع بن مثقال
صادج دوازده مثقال دهن بلسان بیست و چهار مثقال ناردین اقلیطی تفاح الکروم
از هر یک شش مثقال دار فلفل شش مثقال لک منقی دوازده مثقال مامیثا فقد از
هر یک دوازده مثقال تفاح سنبل رومی سه مثقال ریوند چینی دوازده مثقال فو شش
مثقال تفاح مو چهار مثقال و نیم قیولیا دوازده مثقال عصاره قیصوم بیست مثقال
بیخ کاسنی بیست مثقال قسط تلخ خیطیانا از هر یک دوازده مثقال ورق اترج سیزده
مثقال قرص اندروخورون نه مثقال انیسون شش مثقال اذخر دوازده مثقال عسل
بقدر کفایت این نسخه پنجاه و پنج دارو است و وزن آن پانصد و هفتاد و هفت مثقال و نیم
مزاجش گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم صفت قرص اندروخورون
که داخل این ترکیبست بابونه سرخ بابونه سفید ساق فو انیسون اسارون

قصب الذریره عود بلسان اجزا مساوی یکدیگر همه را بکوبند و بی خمر کنند و تا سه روز بگذارند و حرکت
دهند و قرص سازند هر یک بوزن یک مثقال و در سایه خشک کنند اجزای این نسخه نه است مزاج
گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در آخر درجه دوم مخلص اکبر و اندراسی طین ایز گویند خداوند
صرع و فالج و تشنج بلغمی و نقرس و اوجاع مفاصل و رعشه و صداع کهن و دوار و درد دندان
و وسواس سودا را بدهد و خداوند درد چشم بلغمی را و مادة الچشیم بازدارد و از بیم آنکه چشم را
آب کشاده باشند بچشم کشند سود دارد و از معاودت آن ایمن کند و خداوند درد سینه
و پهلو و شراسیف را در ماء العسل بدهند سود دارد و کسی را که از بینی خون آید اندر آب لسان
الحمل و آب عصا الراعی بدهند سود دارد و خداوند بقصعه و آروغ ترش و بادها و درد سینه را
اندر آب بادیان بدهند سود دارد و یرقان و طحال را زایل کند و گونه را صافی کند و قرح امعا
و مثانه را بگشاید و درد ها را سود دارد و فضله کرده و مثانه را بادرار بیارد و قضیب را
کند شهوت جماع بجنباند و نعوظ پدید آید و بنهای کهن زایل کند و آماس را تحلیل کند و اندر
حقنه بکار دارند تشنج را اطلاق کند و مضرت زهرهای جانوران زیانکار باز دارد
اجزای آن سلیخه اذخر از هر یک یک اوقیه و نیم جندبیدستر فطراسالیون از هر یک پانزده
مثقال تخم کرفس دو اوقیه سیسالیوس یک مثقال قسط تلخ دارچینی قرص اندروخورون
سنبل اسارون از هر یک شش مثقال انیسون ده مثقال فلفل سفید دوازده مثقال
دار فلفل چهار مثقال سنبل الطیب چهار مثقال حماما زعفران از هر یک چهار مثقال افیون
دو مثقال عسل مصفا سه وزن داروها چنانکه رسم است بسرشند و از پس شش ماه بکار
دارند شربتی از یکدرم تا یک مثقال در طبیخ مرصافی یک وقیه و نیم هشت و سنبل هفت
مثقال است و در جوامع سنبل پنج مثقال است و این نسخه قانون بخوبی که مذکور شد
هجده جزو است و وزن آن یکصد و چهل و شش مثقال و نیم مزاج گرم است در یکدرجه و نیم
خشک است در دو درجه و نیم قرص اندروخورون که داخل این ترکیب است حماما دار
شیشعان قسط تلخ قصب الذریره قرنفل فلفل سفید ناغخواه از هر یک سه مثقال فو
یک مثقال سنبل هندی سادج از هر یک هفت مثقال دارچینی مصطکی زعفران مر صافی
از هر یک شش مثقال اجزا را بماء العسل بسرشند و اقراص کنند هر یک بوزن

بیک مثقال و در سایه خشک نمایند اجزای این نسخه چهارده است وزن آن شصت مثقال مزاج گرم است
در نصف اول درجه سیوم خشک است در آخر درجه دوم برنگ دار و از جمله داروهای فا د
سیان است منفعت آن چون منفعت فلونیا دو یاقوت است و اند در قولنج سخت سوء هضم است خلاط
آن زعفران بن و البنج سفید از هر کدام بلباسا و افیون فرفیون از هر یک بلیت درم سنبل الطیب
از هر یک در واستارساد ج قرنفل از هر یک چهار درم فلفل سفید سیاه دو درم مروارید
ناسفته نوشادر تخم سداب و تقی کافور و مشک قاقله دارچینی سلیخه از هر کدام یک درم نیم
هشت درم تخم هزار اسفند عاقرقرحا دار فلفل از هر یک چهار درم سکبینج جاوشیر جند بیدستر
از هر یک دو درم زرنباد درونج زرنب علوی بلسان از هر یک هشت درم صاحب ذخیره میگوید
که در بعضی نسخها مر چهار درم آورده اند عسل مصفا بقدر حاجت داروها را کوفته بیخته باعسل
الحسل ببرابر شراب نو کنند بعد از آن بعسل بسرشند و پس از شش ماه استعمال نمایند شربتی
از یک درم تا یک مثقال این نسخه بیست و هفت جزو است وزن ادویه یکصد و چهل و هشت
درم مزاج گرم است در ربع سیم درجه اول خشک است در آخر سیم درجه فلافلی اسفر این معجون
مادة الحیوة نیز گویند فضلهای بلغمی را بگدازد و شهوت طعام آرد و قوت هاضمه را یاری
دهد و دفع آروغ کند و حفظ زیاده کند و خرد بیفزاید و مردم را بقوت جوانی باز آورد
و خداوند سلس البول را سود دارد و منی را زیاده کند و دردهای سخت کمر را و درد
پشت و درد تهیگاه و درد مفاصل را سود دارد اجزای آن پنج فلفل دار فلفل زنجبیل
دارچینی آمله بلیله شیطرج زراوند مدحرج بیخ بابونه مغز چلغوزه جوز هندی خصیة
الثعلب از هر یک اوقیه تخم بابونه نیم اوقیه مویز دانه بیرون کرده سه اوقیه مویز را در آب
بپزند و بکوبند چنانکه پوست از وی جدا شود و داروها با وی بکوبند و باز دو برابر
اجزا عسل بسرشند شربتی دو درم این نسخه چهارده جزو است وزن آن پانزده اوقیه
و نیم که قریب صد و شانزده مثقال ربع است بحساب درم یکصد و سی و شش
درم و بحیثیت از هفت بخش یکدرم باشد مزاج گرم است در آخر درجه و در درجه خشک است در
یک درجه و سه ربع ابو شداد و این معجون هندی است و مفرح بیست اندوده کون بد روی
صافی کند و زردی روی ببرد و بوی دهان و بوی عرق خوش کند و حکمی را سخت
سود

سود دارد پیش از طعام و بعد از طعام خورده شود و اول باید اخلاط آن کابلی سرخ شش درم سعد پنج
درم قرنفل و مصطکی سنبل ساوری از هر یکی سه درم قرفه زرنب زعفران بسباسه قاقله هیل
جوز بوا از هر یک ده درم آب آمله طبرزد که در کتب معتبره مسطور است سه رطل مایند بیزی
باد و رطل عسل مصفی اولیست که رطل آمله در نه رطل آب بجوشانند تا سه رطل آن
آید و صاف کرده و در دست بمالند و صافی کنند بعد از آن مایند باعسل را باآن بقوام آورند
و داروها را بآن بسرشند و بحبوب سید برهم زنند تا نیک سرشته شود شربتی از یک مثقال تا د
مثقال این نسخه سیزده جزو است بغیر آمله و عسل و وزن آن سی و هفت درم مزاج گرم است
در اوایل درجه دوم و خشک است در دو درجه و ربع و تحقیق این مزاج بنا بر آنست که جوهر
شیر آمله و صاف آمله است بعد شیرا لنش دو از ده اخذ نمائیم و لکن با جرم مثل اخذ نمائیم
و عدد شیر النش بیست و پنج قرار دهیم گرم خواهد بود در نیم درجه و باعتدال نزدیک خواهد بود
چنانکه جلال الدین ملا نفیس در قرابادین مصرح نموده که این مفرح معتدل که مهر و صفت
ابو شداد و تالیف کننده است دفع ضرر غم و هم مینماید و نافع است خفقان و خوف را
که هجی که مداومت نماید بآن و نفس را بنشاط می آورد تا حدی که شبیه برعونت با مثل
آن گردد و مفرح است بسیار و مقوی قلب است و رنگ روی را نیکو میکند و مقوی معده است
و بوی دهان و بوی عرق را خوش میکند معجون هندی که اکثر اطبا ذکر کرده اند و
نفسش بن دکیت بنفع ابو شداد و تقویت بصر کند و معده را پاک کند و طبیعت را نرم
دارد و بواسیر را نفع تمام دهد اجزای آن فلفل دار فلفل هلیله سیاه بلیله آمله متن وج
النوعی شیطرج از هر یک چهار استار و عسل بقدر که کفایت باشد اجزا را بر دغن
کاو چرب کنند و بعسل مصفا بسرشند شربتی از یک مثقال تا دو مثقال اجزای این نسخه شش
جزو است و وزن آن بیست و چهار استار که یکصد و پنجاه و دو درم باشد مزاج گرم است و
خشک در آخر درجه دوم ابو شداد و که جلال الدین ملا نفیس در قرابادین ذکر کرده اجزای
آن قاقله ده درم کابلی سرخ شش درم سعد بهمن سفید شقاقل آمله هلیله از هر یک پنج
درم قرنفل سنبل ساوری بادرنجبویه بهمن سرخ از هر یک سه درم قرفه زرنب مصطکی
شقاقل تودری سفید تودری سرخ خولنجان از هر یک دو درم بسباسه صندل

بوا زعفران از هر کدام یک درم لسان الثور پنج درم عنب الثعلب نیم درم ادویه را کوفته و بیخته قشور آمله نیم
من در چهار من و نیم آب بپزد تا ثلث آن بماند بعد از آن صاف کرده و به بهشت مالد و صاف نماید و بگیرند سفید
در آن ریخته طبخ نماید تا بقوام عسل آید بعد از آن ادویه را در آن ریخته خوب سرشته شربتی نیم مثقال تا یک مثقال
و نیم این نسخه بیست و چهار جزو است وزن آن هفتاد و چهار درم و نیم مزاج گرم است قریب بیک درجه خشک است
در آخر درجه دوم و کرم که از حساب معلوم گردد خواهد قریب به نیم درجه چنانکه پیشتر از این مذکور شد

تریاق کبیر

معجون تریاق کبیر که شیخ در قانون ذکر نموده و منسوب بنجم ساخته و صاحب ذخیره نیز ذکر کرده
منسوب بشیخ ساخته دل را قوت میدهد و قوت باه زیاده میکند و مجرب است در منافع معاجین
که پیشتر از این مذکور شد اخلاط آن قشور اترج خطیانا مرجب بلسان ورق باد رنجبویه تخم
بادرنجبویه تخم فرنجمشک زرنباد درونج از هر یک چهار درم مشک عنبر از هر یک یک مثقال عود
هندی دو مثقال کافور نصف مثقال سنبل دارچینی وج زعفران ناردین قسط از هر یک
سه درم قرنفل اسارون از هر یک دو درم و نیم تخم جرجیر تخم شلغم تخم کرات لسان العصافیر
حب القلقل از هر کدام دو درم ابریشم سه درم عسل دو وزن و نیم ادویه شربتی یک مثقال
پس از شش ماه استعمال نماید این نسخه بیست و هشت جزو است وزن آن قریب بهشتاد و یک درم
مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک در اول سه درجه معجون تریاق صغیر ایضا منسوب

تریاق صغیر

بشیخ در قانون و ذخیره مذکور است اجزای آن حب بلسان قسط خطیانا دارچینی فلفل
سفید عود هندی فطراسالیون از هر کدام یک جزو مشک ثلث جزو جند بیدستر ربع جزو اخلاط
کوفته و بیخته با دو وزن و نیم ادویه عسل معجون سازند این ترکیب ده جزو است و در بعضی
نسخ قسط و بلیلج نیز واقع است بنابر آن دوازده جزو خواهد بود مزاج گرم است در دوم درجه و نیم

نجاح

خشک است در دو درجه و ربع معجون نجاح نافع است امراض سوداوی را خصوصا مالیخولیا
و صرع را نفع میدهد بالخاصیه اختناق رحم را و این نسخه ایست که جمهور اطبا در کتب خود
ذکر نموده اند اجزای آن هلیله کابلی بلیله آمله هلیله سیاه از هر یک ده درم تربد
سفید اسطوخودوس بسفایج افتیمون از هر یک پنج درم عسل نقد و کفایت این نسخه هشت
جزو است وزن آن شصت درم مزاج گرم است در نیم درجه خشک است در اول درجه
سیم و در بعضی نسخ غاریقون سه درم و ثلث حجر ارمنی مغسول و لاجورد مغسول

از هر یک دو درم و نیم سقمونیا دو درم اضافه نموده اند بنابر این نسخه دوازده جزو خواهد
بود وزن آن هفتاد درم و دو ثلث مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است در اول درجه
سیم و در نسخه دیگر دو پنج نانخواه مشک سنبل خیار بوالتان الثور مصطکی قشور بالنج از هر یک
دو درم بوند بیک درم زعفران یک درم تربد دو استار اضافه نموده اند بنابر این نسخه بیست
و یک جزو خواهد بود وزن آن هشتاد و هشت درم و چهار دانک مزاج گرم است در یک درجه
و ربع خشک است در اول درجه سیم معجون مشهور زنجبیلی نفع میدهد قره صفراوی مره

معجون زنجبیل

سوداوی را و بلیله جرب و سرسام را مقوی معده است و نفع میدهد قولنج و جمیع بادهای
غلیظ را و اشتهای طعام بدید آورد و تقویت باه و جماع دهد اخلاط آن سقمونیا البابس تربد
دار فلفل از هر یک شش درم دار فلفل زنجبیل کرویا نانخواه زنجبیل ملح هندی از هر کدام
یک درم تعلب زرنب از هر یک نیم درم انیسون بقدر الحاجه مقل مقشر دو درم شکر طبرزد زعفران
از هر یک سه درم عسل دو وزن و نیم ادویه شربتی دو درم و نیم تا سه درم این نسخه چهارده
جزو است وزن آن سی و سه درم و نیم تخمینا مزاج گرم است و خشک در دو درجه و نیم

معجون مسلی

معجون مسلط مقوی که شیخ در قانون گفته که مسلط و مقوی نفوس است و تقویت بدن
میکند و رنگ روی خوب میکند و بوی دهان و عرق خوش کند و نفع میدهد حکمی
معده را و دوران معده نیز میکند پیش از طعام و بعد از طعام خوردن اجزای آن کابلی
شش جزو سعد هشت جزو دار فلفل و مصطکی سنبل الساری از هر یک سه جزو و
ورق عنب زرنب زعفران از هر یک دو جزو بسباسه قاقله عود قرنفل از هر کدام یک
جزو اجزا را کوفته و بیخته و باز آن هر سه جزو و ده و ثلث از تمام اجزا یک رطل آمله بالایه
تازه گرفته در هفت رطل آب جوش سازند تا به سه رطل باز آید بعد از آن آن را صاف کرده باز آب
بکن و الآمله یک رطل فانید نیز بریزد بعد از آن بجوشانند تا بقوام آمده آید پس از آن ادویه را
در آن ریزند و چندان حرکت دهند که بیک دیگر خوب مخلوط شود و بعد از شش ماه
استعمال نماید شربتی یک مثقال تا یک مثقال و نیم اجزای این ترکیب بعینه اجزای نوشدارو
و اندک تفاوتی در وزن آن هست اجزای این نسخه پانزده است با آمله و فانید وزن داده

معجون کابلی

بطوریکه هر جزوی را یک درم فرض نمایم سی و شش درم وزن هر یک از آمله و فانید
تخمینا ده رطل مزاج گرم است در ربع درجه اول خشک است در اول درجه دوم معجون
که صنعت ایشان است از طوبات بلغم سیاه دارچینی دار فلفل قرنفل سلیخه سعد پنج کابلی

مقشر چون بوا از هریک یک مثقال حب النیل شش مثقال تربد سفید شکر طبرزد از هریک بیست و چهار درم
عسل بقدر احتیاج شربتی بجهت صاحب برص و فالج یک مثقال در آب گرم و بجهت استفراغ پنج درم تا
هفت درم این نسخه یازده جزو است با شکر و در آن شصت و هفت درم مزاج گرم است و خشک
در اول درجه سیم معجون قیصر خداوند صرع و فالج و خفقان که از سردی بود و بیماریهای کهن را
و درد معده و ضیق النفس را و خداوند فواق و امتلا بی باسور دارد و طعام بکوارد اخلاط
آن حب بلسان شربت السوس سلیخه قسط دار فلفل سیاه دار فلفل میعه افیون زعفران سنبل از هریک
سه درم و چهار جو شیر یک درم مشک یک دانگ زرنباد درونج مروارید از هریک نیم درم اجزا
کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بقدر حاجت معجون سازند شربتی بقدر نخودی و در
خیره مذکور است شربتی از یک درم تا یک مثقال این نسخه پانزده جزو است و در آن سی و
دو درم و چهار دانگ مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در اول درجه سیم
راه بهار کبیر این معجون هندیست نافع است سوء مزاج بارد و ضعف معده را و باد را
بلوه کند و وسواس و سودا را برطرف سازد و مصلح حرکات بد ذات و محافظ صحت
جمیع حواس و مصلح کلیه و مثانه است و نسخه این ترکیب اجزای آن مریج قسط تلخ زراوند
طویل زراوند مدحرج از هریک سه استار دار فلفل زنجبیل از هریک پنج استار تخم کرفس تخم
کو و پا تخم رازیانه تخم اسپست تخم خرفه تخم جو جای قوه ذنی سرخ سفید مرزنگوش زیره کوهی
تخم شبت از هریک نیم استار قرنفل اشنه عصب الطیب زیره عیدان بلسان از هریک سه استار
اظفار الطیب شیح زرنب حب بلسان سلیخه بسباسه قاقله قرفه از هریک چهار استار
هلیله زرد بلیله شیرآمله منقی دوغ النوی از هریک هشت استار لفاح یاسمین خیری سفید
آس مرماحوز بهمن ابیض بهمن سرخ البستانی خسک بستانی شیطرج زرشک حب الفقج
مقشر زعرور بسباسه هندی ابهل سرخ بهمن سفید لسان العصافیر از هریک چهار دره
مثقال جوزبوا عود پنج تمر هندی که ... تخم بنجنگشت از هریک سه استار
تخم کرفس حماما از هریک نیم درم افیون فرفیون جندبیدستر از هریک سه درم هلیله
سیاه منقی دوغ النوی چهار درم ساذج حلبه موفطرا سالیون دهی و خرماه چینی از هریک
نیم درم فانید سفید جوزبوا ادویه کوفته بیخته و روغن گاو و فانید را در دیگ کرده
سه رطل

سه رطل در آن ریزد و چندان طبخ نماید که بقوام عسل شود پس عسل در آن ریزد و روغن گاو را
سرد کرده ادویه را با آن چرب نماید بعد از آن فانید و عسل را در هاون بزرگ کرده ادویه را در آن
ریزد و حل کند چندانکه جمیع اجزا مساوی یکدیگر شود بعد از آن برنی ودیعه در ظرف کند که عسل
در آن چند روز وقت بوده باشد و بعد از شش ماه برآورده استعمال نماید شربتی از آن نیم درم
تا یک درم در اول ماه و آخر ماه سه روز با آب گرم یا ببعضی از اشربه که موافق بوده باشد این
نسخه شصت و چهار جزو است و در آن هشتصد و ده درم و چهار دانگ مزاج گرم است در
یک درجه و نیم خشک است در یک درجه و سه ربع راه بهار صغیر نفع این ترکیب نزدیک است
بنفع نسخه که گذشت اجزای آن مریج قسط تلخ زراوند مدحرج زراوند طویل از هریک سه
استار حب الرشاد تخم حرمل از هریک دو استار دار فلفل زنجبیل از هریک پنج استار
تخم کرفس کرویا سعد تخم اسپست تخم رازیانه تخم جرجیر زعفران دوقو حبی سفید دوقو
سرخ تخم کندنا تخم کتان تخم جندقوقی تخم رازیانه تخم لوبیا تخم مقشر تخم خرفه قوه زنار
جید حلبه تخم مرزنگوش زیره کرمانی تخم شبت تخم کرفس از هریک ده درم قرنفل هیل
اشنه ساذج قاقله قرفه راسن جوزبوا عصب الطیب زیره زرنب اظفار الطیب مرماحوز حب
بلسان از هریک بیست درم سلیخه بسباسه حب الآس زرشک لسان العصافیر سنبل
از هریک بیست و چهار درم گل سرخ خشک پنج درم هلیله سیاه هلیله کابلی بلیله
آمله از هریک سه استار دوغ النوی سفید افیون فرفیون از هریک سه درم جند بیدستر
یک استار شیطرج هندی خسک زرنباد بهمن سرخ بهمن سفید دوقو چینی درونج
خولنجان میعه از هریک سه استار فانید یک جمیع ادویه را با اجزا کوفته و بیخته
با روغن گاو چرب کرده بعسل کف گرفته آنقدر که کفایت کند معجون سازند شربتی
یک مثقال با آب نیم گرم این ترکیب و نه جزو است در آن هزار و صد و هفت درم و نیم فانید
مثل ادویه مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در اول درجه سیم معجون جالینوس
کرده و مثانه را سودا را دور کرده کند و سده بگشاید اخلاط آن دار فلفل سفید دار فلفل
سیاه حماما قسط تلخ سنبل الطیب عصب الطیب زیره ساذج هندی زعفران مر دارچینی انیسون
مامیران حاما ابو ذالجرع تخم سداب جبلی اجزا همه مساوی کوبند و بیزند و با کفکیر مصفا

نسخه شنند شربتی از یک درم الی دو درم با آب الاصول یا با آب رازیانه یا با آب کرفس این نسخه سی جزو است مزاج
گرم است در دو درجه و ربع خشک است در اول درجه سیم معجون هرمس خداوند نقرس را و درد
جاع مفاصل را و وجع کلیه را و معده و فم وجع امعاء را سود دارد و بادها را بشکند و خداوند استسقا
و یرقان و سوداء را سود دارد و با وجاع مفاصل و نقرس مخصوص است و فالج و لقوه و توابع بلغمی
و [illegible] و تشنج و استرخاء الاعصاب را سود دارد و فضلهائی که اندر گرده و مثانه باشد فرو د
آورد و حیض بگشاید اجزای آن عاقرقرحا اسارون قردمانا تخم سداب فربیون [illegible]
خشک از هریک یک اوقیه زراوند طویل اصل عرطنیثا از هریک دو اوقیه نانخواه قرنفل
از هریک دو اوقیه خطیبانان و مجیشتر و اوقیه [illegible] بابونه هشت اوقیه حاشا تخم کرفس
از هریک دو اوقیه سلیخه قسط تلخ مر از هریک سه اوقیه سنبل الطیب فوفج جبلی فطراسالیون
از هریک دو اوقیه حبه خراسیون از هریک سه اوقیه [illegible] کماد ریوس اسقوردیون
از هریک هشت اوقیه جمله بکوبند و بیزند و با انگبین مصفا سرشند و اندر ایام ربیع بکار د
دارند از یک مثقال تا دو درم این نسخه بیست و هفت جزو است وزن آن هفتاد و نه اوقیه
مزاج گرم است و خشک در دو درجه و نیم معجون دیگر از هرمس نفع میدهد زحیر و گاهی
که سه درم از آن با آب سرد بخورند و بجهة درد جگر با آب هلیلجین و بجهة تپ با آب نیم گرم و
از برای درد معده هر که حمروج و بجهة درد گرده [illegible] و بجهة [illegible] الدم [illegible]
حمروج مقدار باقلا و بجهة درد خاصره مثل آن و بجهة درد شکم و درد [illegible] و بادهای
غلیظ [illegible] کهنه حمروج و بجهة دردسر و وسواس و جنون در شب باید خورد و بجهة
سرفه خشک در اول شب بشراب حمروج باید خورد و بجهة کژدم گزیدگی مار گزیدگی و [illegible]
گزیده باید طلا کرد و نفع میدهد هر سموم قاتله را چون با آب خطیبانان نوشند و بجهة گزیدگی
کلب [illegible] بنوشند و زخم واضع این ترکیب آن است که جمیع آنچه مذکور شد بتجربه
معلوم شده اخلاط آن فلفل [illegible] از هریک پنج استار زعفران افیون از هریک ده استار
فربیون اشق ساذج عاقرقرحا [illegible] لفاح [illegible] سلیخه سنبل تخم کرفس از هریک شش استار
عود بلسان سه استار عسل ده وزن و نیم ادویه شربتی بمقدار [illegible] ترکیب [illegible]
گذشته این نسخه چهارده جزو است وزن آن هشتاد و هفت استار که پانصد و پنجاه درم
باشد

باشد مزاج گرم است در نیم درجه خشک است در دو درجه و نیم معجون کاسکینج بیماریهای [illegible]
سود دارد چون لقوه و کزاز و قوابلغمی که ایشان را بود و خداوند اختناق رحم را و بیماریهای [illegible]
سود دارد و افراط [illegible] اجزای آن سلیخه حضض [illegible] تخم [illegible] تخم [illegible]
حب بلسان زراوند طویل زراوند مدحرج مشک عنبر از هریک چهار درم هیل چهار درم
[illegible] قسط جوزبوا اصلیله زرد از هریک دوازده درم قرنفل [illegible] چهار درم قرفه [illegible]
[illegible] تخم سوسن از هریک ده درم وج هشت درم سکبینج [illegible]
هریک شش درم [illegible] زعفران از هریک ده درم [illegible] پانزده درم میعه سائله
پانزده درم [illegible] تخم ابهل دو سه درم [illegible] خشک بکوبند
و بپزند و آنچه [illegible] حل کنند و جمله با انگبین بقدر حاجت سرشند شربتی
پس از سه ماه از یک درم تا دو مثقال اجزای این نسخه سی و چهار است وزن آن دویست و
سی و پنج درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در اول درجه سیم ترکیب [illegible]
که داخل این ترکیب است [illegible] الطیب کنند و از هریک چهار درم اشنه قرفه
زعفران از هریک یکدرم میعه سائله چهار درم مشک عود از هریک نیم درم بماء العسل
[illegible] بشراب ریحانی [illegible] و داخل ترکیب کنند این نسخه ده جزو است و وزن آن بیست درم
مزاج گرم است در آخر دو درجه خشک است در یکدرجه و نیم در ذخیره خوارزمشاهی
سعد چهار درم قرنفل دو درم اضافه این ترکیب نموده و [illegible] تفاوتی در وزن آن
هم هست معجون مشک دل را قوی کند و خفقان سودائی و همه بیماریهای سودائی را
سود دارد و تنگی نفس [illegible] اخلاط آن [illegible]
کهربا بسد از هریک یکدرم ابریشم خام بهمن سرخ بهمن سفید ساذج هندی سنبل
قاقله قرنفل [illegible] از هر کدام یکدرم و نیم زنجبیل دارفلفل از هریک دو دانگ
مشک سه طسوج انگبین دو مقدار مجموع ادویه شربتی مقدار نخودی [illegible] اندر
شراب ریحانی یا اندر گلاب گرم بنوشند این نسخه شانزده جزو است وزن آن [illegible]
درم و چهار دانگ و سه طسوج مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در یکدرجه
و سه ربع نسخه دیگر درد جگر و معده و ضعیفی هر دو را سود دارد و بادها را بشکند
و سده بگشاید اجزای آن مشک ده درم سنبل الطیب سلیخه ساذج قند هندی [illegible]

کرده ومفید چینی از هر یك ده درم عود هندی قرنفل مر از هر یك یك درم و نیم جنطیانا رومی ده درم زعفران
ناخواه تخم کرفس مصطکی از هر یك چهار درم دارچینی [illegible] از هر یك سه درم عسل مصفی
بقدر کفایت سرشته مقدار یك دانه نخود با انگبین و آب گرم در جامع شربتی از آن مقدار یك بادام
گفته این نسخه نه جزو است وزن ادویه چهل درم و نیم مزاج گرم است در اول درجه سیم
خشك است در آخر درجه دوم دواء المسك تلخ رطوبت معده را ببرد و [illegible] و خفقان
سوداوی را سود دارد اخلاط آن افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یك هشت درم دیو دار
چینی هشت درم ناخواه زعفران تخم کرفس از هر یك چهار درم مشك نادرین سادج
هندی مر از هر یك دو درم جند بیدستر یك درم و نیم با انگبین سرشته این نسخه یازده
جزو است وزن آن چهل و پنج درم و نیم مزاج گرم است خشك در یك درجه و سه ربع
دواء المسك شیرین بیماریهای سوداوی را و خفقان را و تنگی نفس را و صرع و فالج
ولقوه و ربو را سود دارد اخلاط آن زرنباد درونج از هر کدام یك درم مروارید
ناسفته کهربا بسد ابریشم خام محرق از هر کدام یك درم و نیم بهمن سفید بهمن سرخ
قاقله اشنه سادج هندی سنبل قرنفل جند بیدستر از هر یك چهار دانك زنجبیل دار
فلفل از هر یك دو دانك مشك یك دانك و نیم با انگبین سرشته شربتی یك مثقال این
نسخه هفده جزو است وزن آن چهارده درم و یك دانك و نیم مزاج گرم است در آخر
درجه اول خشك است در یك درجه و سه ربع دواء المسك بارد منقول از قرابادین
قلانسی نافع است خفقانی را که حادث شود از حار و تقویت میکند جمیع قوی را
اجزای آن گل سرخ طباشیر کشنیز خشك لسان الثور کهربا بسد از هر کدام یك درم مروارید
ناسفته نیم درم مشك یك دانك بشکر طبرزد و آب سیب ترش معجون سازند این نسخه
هشت جزو است وزن آن شش درم و چهار دانك مزاج معتدل است مایل به برد و
خشك است در آخر درجه دوم دواء المسك که در بیمارستان عضدی [illegible] در ایام
ابو زید معمول بوده نفع میکند فالج و لقوه و خفقان و فزع و وحشت و خبث نفس
نفع میکند استرخاء و کزازی که عارض از امتلاء و تقویت دل و معده میکند و معده را
پاك میسازد و نشف رطوبت از آن مینماید و اعانت معده مینماید بر هضم و مجرب است
ومفید

ومفید اخلاط آن زرنباد درونج مروارید کهربا بسد از هر کدام ده درم ابریشم شش درم بهمن سفید
بهمن سرخ سنبل سادج قاقله قرنفل از هر یك پنج درم اشنه دارفلفل زنجبیل از هر یك چهار درم
مشك سه درم عسل بکر ابریشم را خوب بمقراض نماید چنانچه مثل غبار شود بعد از آن [illegible]
کهربا مروارید و بسد و کهربا را خوب بکوبند و باقی ادویه را نرم سازند و ببیزند و بعسل معجون
سازند شربتی نیم مثقال با آب نیم گرم این نسخه شانزده جزو است وزن آن صد و یك درم مزاج گرم است
در آخر درجه دوم خشك است در آخر درجه سیم [illegible] این معجون خداوند مزاج
سرد و بیماریهای سرد و بادهای غلیظ و خداوند [illegible] آن و قولنج
وعسر البول را که از بلغم [illegible] سود دارد و سده جگر بگشاید و صلابت آن را تحلیل کند و
معده را گرم کند و تخمه را زایل سازد اجزای آن جند بیدستر افیون دارچینی اسارون [illegible]
[illegible] از هر کدام یك درم دارفلفل [illegible] مرقسط از هر یك شش درم زعفران نیم درم باز
بانگبین بگدازند و داروهای خشك بدان بسرشند و شش ماه نگاه دارند [illegible] و بعد از آن
استعمال نمایند شربتی نیم مثقال با آب نیم گرم ناشتا این نسخه دوازده جزو است وزن آن
سی و یك درم و نیم مزاج گرم است در آخر دو درجه خشك است در دو درجه و پنج [illegible]
بیدستر افیون دارچینی [illegible] و فقاح [illegible] از هر یك ده درم فلفل دارفلفل [illegible]
مرقسط از هر یك شش درم زعفران ربع [illegible] اجزا [illegible] و بیخته بعسل معجون سازد
چنانچه رسم است و بعد از شش ماه استعمال نماید شربتی نیم مثقال با آب نیم گرم ناشتا و در
نسخه دیگر شربتی ما بین یك دانك تا دو مثقال و در نسخه دیگر شربتی مثل فلفل [illegible]
[illegible] حل کرده بر موضع مار گزیده طلا نمایند دفع زهر بکند و اگر [illegible] آن آلوده
[illegible] بادهای غلیظ که در رحم بوده باشد تحلیل برد [illegible] ولد
[illegible] و اگر [illegible] حل نمایند [illegible]
در [illegible] سینه و سرفه و درد کلیه و مثانه و هر که از سردی باشد مقدار [illegible]
[illegible] الشراب [illegible] این ترکیب [illegible] جزو است وزن ادویه [illegible]
هفتاد و دو درم و نیم مزاجش گرم است در آخر دو درجه خشك است در اول درجه سیم

امروسیا

امروسیا صلابت حکم و سپرز و سودا دارد و سده بگشاید و ادرار و بول کند و سنگ گرده بریزاند
واند و ابتدای استسقا سخت سود دارد اخلاط آن دوقو نیم کرما فی عود بلسان سلیخه قرحا انا
فقاح اذخر تخم کرفس از هر کدام یک درم دار فلفل قسط فلفل سفید از هر یک نیم درم مویمه درم حب
الغار ده عدد وج زعفران از هر یک دو درم با انگبین بسرشند چنانکه سر شست شربتی مقدار
فندقی الله تعالی اکرم این نسخه چهارده جزو است وزن آن پانزده درم و نیم مزاج گرم است در اول درجه
خشک است در آخر دوم درجه انقردیا و انقردیا الاحدی گویند نافع است جمیع امراض سرد را اجزای آن

انقردیا

هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک سی و نیم درم شونیز بیست وچهار درم طباشیر شش درم
هیل هفت درم سعد هشت درم عسل بلادر شش درم فلفل دار فلفل زنجبیل ...
از هر یک دوازده درم لحاکاکو فته و بیخته با شصت درم فانیذ که در گلاب حل کرده باشند
معجون سازند و در ظرف چینی یا نقره یا شیشه کرده در میان جو پنهان سازند و بعد از
شش ماه برآورده استعمال نمایند این نسخه موافق است بالنسخه صاحب تحفه اجزای آن نوزده
است وزن اجزا دویست و هفده درم مزاج گرم است در یکی درجه و نیم خشک است در آخر دوم

انقردیا

درجه معجون انقردیا منقول از منهاج الادویه نفع میکند استرخا عصب و دوار
و نسیان و صرع و صداع و اوجاع معده و سینه و جمیع اوجاع بارده بادرد اخلاط ...
الطیب سادج هندی مرصافی سلیخه زعفران تخم ... اذخر ... حب
البان مقشر ... از هر یک ... مصطکی عسل بلادر از هر یک ... حب بلسان
زنجبیل صبر سقوطری از هر کدام ... هشت درم ... بیست پنج
... سه رطل سرکه انگوری پنج رطل ادویه ... خشک است بکوبند ...
... پنج ... که آن را در سرکه ... سه روز بعد از آن ...
... تا در سه جوشی ... و صاف نمایند ...
... و سه رطل عسل در آن ریخته و با آتش نرم جوش دهد تا قوام غلیظ
شود بعد از آن ادویه کوفته را در آن ... و نیک ... مخلوط سازند و در ظرف
چینی یا نقره یا شیشه کرده و بعد از شش ماه استعمال نمایند ... نیم کرم

نسخه نوزده جزو است وزن آن ... و چهار صد ... باب درم ... درم
مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در یک درجه و نیم معجون بلادری صغیر ...
و نسیان بغایت نافع است اجزای آن هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک سه درم ...
... زنجبیل فلفل عسل بلادر از هر یک پنج درم عسل ... احتیاج این نسخه هشت جزو
و وزن آن ... پانزده درم مزاج گرم است در سه ... درجه خشک است در آخر دوم درجه

اسطوخودوس

اسطوخودوس کبیر و معجون اسطوخودوس ... نافع است نفع میدهد سردی ... و ...
شکم و بثورهای غلیظ و ریح و قولنج و درد ... را اخلاط آن ... زعفران سلیخه ...
... اسطوخودوس ... تخم ... تخم ... کند ...
سماق ... سایله فلفل سفید از هر یک پنج درم ...
... تخم ... تخم کرفس تخم ... تخم ... از هر یک چهار درم
... یک درم ... ده درم ... زنجبیل از هر یک دو درم و بعضی فلفل سفید
اضافه ... اجزا ... خشک است بکوبند و ... در ... العسل ...
بجوشانند ... تا خوب نرم شود و با عسل ... بسرشند و بعد از آن روغن
بلسان ... در آن ریخته در دیگ ... کنند و ... آتش نهند تا ... جوش برآرد
بعد از آن از بالای آتش فرود آرند ... بگذارند و بعد از آن استعمال نمایند شربتی تمام وزن
... و این نسخه ... و سه جزو است ... روغن بلسان ... وزن
آن ... روغن بلسان ... و چهل و هفت درم مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است
در ... درجه و نیم معجون ... سپرز ... بگشاید ... و ...
... زبان که ... باشد ...
... نیم کند ... درم ... از هر یکی بیست درم ... از هر یک
چهار درم مصطکی حب البلسان زعفران اکلیل الملک سنبل الطیب از هر یکی ده درم ... زنجبیل
سلیخه قسط ... استاد ... نسخه ... از هر یک دوازده درم ...
... درم صبر سقوطری چهار درم ... شش درم ... از هر یک
... فلفل ... عسل ... جمیع ادویه
این نسخه بیست ... وزن آن ... و بیست و هفت درم مزاج گرم است

در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه و نیم معجون بادمهرج منفعت این ترکیب چون منفعت
حجر قا است اخلاط آن زرنباد درونج انیسون جند بید ستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه
هوم الجوزبوا بزر البنج سفید قسط تلخ حب بلسان زعفران از هر یک شش درم حلیته هشت درم
مروارید ناسفته دو درم بادرنجبویه از هر یک ده درم ده درم انگبین دو چندان مجموع ادویه این
نسخه هجده جز واست و وزن آن یکصد و هجده درم مزاج گرم است در سیم و در دوم خشک است در سیم
در ربع معجون غیاثی نافع است درد سر کهنه را چون بشراب یا عسل ... گرم ...
کسی را که صرع بوده باشد چون از آن بنوشد نفع یابد و همچنین نافع است خفقان و ورم سپل را
و قطع ضعف میکند که منقوح چشم است اخلاط آن مرسلیخه دارفلفل دارچینی سنبل البوس
حماما از هر یک چهار درم سنبل تفاح اذخر از هر یک ده ده درم زعفران پنج درم افیون یا نود
درم تخم کرفس جبلی سی و پنج درم انیسون تخم کرفس از هر یک بیست درم فلفل سی و هشت درم
لبنی قسط قوه اساورن از هر کدام یک درم عسل بقدر حاجت اخر اخلاط خشک است خرم بکوبند
و همه خواست و بشراب بخوبی بسایند بعد از آن همه را بیکدیگر مخلوط ساخته معجون سازند
شربتی یک درم با آب نیم گرم بنابراین نسخه هجده جز واست و وزن آن یکصد و هشتاد و پنج درم
مزاج گرم است در ثلث درجه خشک است در آخر سه درجه معجون اصفر سلیم نافع است
امراض مره سوداد در بلد های غلیظ و خفقان و اوجاع صبیان و اوجاع رحم را اجزای آن فلفل
سفید زنجبیل نمک هندی از هر یک شش درم افیون فرفیون جند بیدستر فلفل زعفران
مصطکی عاقرقرحا از هر یک پنج درم قسط شش درم است قاشرا قاشر سعد زرنباد در
و پنج درونج طویل از هر یک دو درم روغن بلسان آب کافور از هر یک چهار درم عسل بقدر
حاجت شربتی از آن بقدر مزاج هر شخص این ترکیب هجده جز واست و وزن آن هفتاد و دو درم
مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است در دو درجه و نیم معجون اسود سلیم
نفع میدهد بلغم و مره سوداء جمیع علل بلدی را اخلاط آن تخم حرمل صد و بیست درم
جاوشیر هشتاد درم اشق بازرد قنا و مقل از هر یک شصت درم سکبینج اشق زراوند
طویل زراوند مدحرج خولنجان دارچینی پنج هندبا جندبیدستر پنج حنظل کبریت زرد تخم
جوجی تخم کشت سداب جبلی از هر یک چهل درم افیون فرفیون پنج فلفل سفید کندش
ملح هندی سرخ ملح نفطی سیاه پنج تفاح پنج عاقرقرحا مرصبر لبان سقمونیا از هر یک
بیست

جیب درم سنبل مصطکی زرنباد و پنج از هر یک هشت درم زعفران سه درم اجزا همه خشک است
بکوبند و مجموع را در قطران شامی آن قدر که حاجت باشد بخوبی بسایند بعد از آن خرم ساخته
بالاده مخلوط سازند و در خاکستر دفن کنند تا ده روز بعد از آن برآورده استعمال نمایند شربتی
از آن قوی مزاج را سه درم و ضعیف مزاج را یک درم و مریض را که با آن محتاج باشد بقدر یک فلفل این
نسخه سی و سه جز واست با قطران و وزن آن هزار و دویست و نود و پنج درم مزاج گرم است در یک
و سه ربع خشک است در دو درجه و ربع معجون نافع سلیم و آن را فنادیوس نیز گویند محمد زکریا
و مسکن دردهاست از هر بادی و نافع است جمیع دردها را که غالب شده باشد بر مزاج و سوء
و جمیع دردها از هر نوعی شفا دهد اجزای آن افیون بزرالبنج سفید از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران
سنبل عاقرقرحا سورنجان قاقله دارفلفل از هر یک پنج مثقال اجزا کوفته و بیخته با عسل آنقدر
که کفایت کند معجون سازند شربتی قوی مزاج و محتاج تا نیم مثقال و ضعیف مزاج و اطفال را
یک دانگ این نسخه نه جز واست و وزن آن پنجاه و پنج مثقال مزاج معتدل است در گرمی و سردی
خشک است در دو درجه و نیم معجون سیر نافع است بهق را و سرد بیهای و خام بلغم را دفع
زیاده کند و ریاح را صاف کرداند و بهبیت جوانان نماید و نافع جمیع دردهاست چون
دردهای ستان سوختند اخلاط آن نخود شامی یک قفیز سیر یک رطل شیر گاو آنقدر که چهار
انگشت از سر نخود و سیر زیاده باشد و روغن گاو تازه آنقدر که کفایت کند عسل صاف
سفید صاف آنقدر که چهار انگشت بر سر همه بایستد پس با اینها هر یک رطل سیر و ده
مثقال نخود ریزه سرخ نخود سفید و سه مثقال فلفل و ده مثقال حبقا ده
مثقال زیره کرمانی و ده مثقال خولنجان و ده مثقال دارچینی و پنج مثقال دار
فلفل کوفته اضافه نماید طریق پختن آن چنان است که قفیز نخود شامی را که هشت
ده مثقال بوده باشد یک شبانروز در آب شیرین بخوبی بسایند پس با آتش آهسته بپزند
تا آن آب سیاه شود و نخود از هم فرو ریزد و بعد از آن آب نخود را صاف کنند
و یک رطل سیر کوفته پاکیزه سازند و دانه دانه از هم کنند و در آن نخود طبخ نهند آب
آنقدر که سیر پخته و نرم شود پس شیر گاو آنقدر که چهار انگشت بر بالای آن بایستد
در دیگ ریخته با آتش آهسته جوش دهند تا آن شیر بالتمام بتحلیل رود ظاهر

نباشد بعد از آن در دهن کاو زبان دوازده آنقدر که کفایت کند بر آن ریزند و با آتش جوش دهند تا آن دهن نیز
نشف شود در آن اجزا پس آن اجزا را بر یکدیگر زده مخلوط و معجون سازند عسل سفید چندانکه چهار
تلک بر سر آن بالسویه بریزند باز تخمیر نمایند تا منعقد شود بعد از آن از ادویه والفاعیه الحیه مثل
شده کوفته و بیخته بر آن ریزند و همگی را مخلوط سازند و در ظرف چینی کرده بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی مقدار جوزی این نسخه سی و چهار جزو است مزاج گرم است در اول درجه خشک است
در آخر یکدرجه و نیم اقاقیا نافع است بیماریهای جگر و سپرز و معده را که از سردی و بلغم و
رطوبتهای ردیه که از بلغم شور و فضول و از سودا و زرداب بلغمی و تنگی نفس و اسهال دارد و خون ذرب
ابیض و خون حیض و قی و خون نفث خون باز دارد و اسهال بلغمی را بر طرف سازد و درد
کرده و مثانه را سود دارد و بالجمله منفعت این معجون و منفعت قلونیا بکیفیت اجزای آن
مر زعفران افیون تخم بید مستر بزر البنج قسط قرنفل ... سنبل عاقرقرحا خراست
بیخ حکم کوبیده خشک کرده اجزا مساوی یکدیگر جمله را بکوبند و ببیزند و با افیون
شربتی از پس شش ماه از نیم درم تا یک درم و شیر کاشتی یا رب سیب و آب و ماننده آن استعمال
نمایند این نسخه دوازده جزو است ... سرد است در چهارم درجه اول خشک است در آخر
دوم درجه اقاقیا کو حلیت منفعت این چون منفعت اقاقیاست ... اخلاط آن
صمغ زعفران قسط سنبل افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافث هشت درم
دوازده درم با انگبین بسرشند شربتی مقدار فندقی و در نسخه ... طلسان از هر یک چهار
درم اضافه کرده اند این نسخه هشت جزو است و بنا بر نسخه دیگر ده جزو و وزن ادویه
بنا بر اول چهل و چهار درم و بنا بر ثانی پنجاه و دو درم سرد است در سوم درجه و در
خشک است در آخر دوم درجه دواء الکرکم ترکیب جالینوس نفع میدهد سده های کبد
کبد و جگر و سپرز باشد از سردی و مواد غلیظ و مکیشا ... جمیع سده ها را که در آلات
غذا بوده باشد بر طرف میسازد بادهای غلیظ را دور را ... و مثانه و رحم را که از مواد غلیظ بوده باشد ... میدهد و سنگ میسازد و صلابتی که
در کبد و مثانه و رحم باشد و نفع میدهد استسقا را اجزای آن زعفران دوازده درم
مو ... دو فو اسارون راوند چینی فطراسالیون از هر یک چهار درم سنبل ... درم
قسط سلیخه تفاح اذخر حب بلسان از هر کدام یک درم ... دو درم قصب سوس غافث
جعده

جعده اسقولوفندریون از هر یک سه درم روغن بلسان نیم اوقیه و چهار درم در نسخه دیگر بدل
حب بلسان حب بان یک درم و ... سه درم کرده اند اجزا کوفته و بیخته و در روغن بلسان چرب کرده
بعسل معجون سازند شربتی یک درم با شراب عسل این ترکیب بیست جزو است و وزن آن هفتاد و سه
درم مزاج گرم است در دوم درجه و بلغت خشک است در آخر دوم درجه دواء الکرکم کو حلیت نافع است
ضعف جگر و سپرز و معده را اصلاح ... میسازد و در ابتدای استسقا نوشند منع آن مینماید
و ... نافع است اکثر امراض مزمنه را اجزای آن زعفران سلیخه سنبل قسط
تفاح اذخر دار چینی اجزا مساوی یکدیگر همه را بکوبند و ببیزند مر ... و زد ... معجون
ساختن اجزا عسل کف گرفته نقد دکه کفایت کند معجون سازند و در نسخه دیگر
بدل سنبل ناردین کرده شربتی از یک درم تا یک مثقال این نسخه هفت جزو است مزاج گرم و خشک است
در آخر دوم درجه دواء الملک الاکبر منقول از قانون و ذخیره منافع این ترکیب و منافع
دواء الکرکم یکیست اخلاط آن ... کرده هشت درم مغز بادام تلخ مقشر دار چینی
سادج هندی ... از هر یکی پنج درم کمافیطوس ... از هر یک
چهار درم سنبل دوازده درم ... فطراسالیون ... زنجبیل از هر یک
هشت درم ... راوند ... از هر یک هفت درم زعفران سه درم اسارون هفت درم
... حب بلسان سلیخه مصطکی حضض ... مقل ازرق از هر یک هفت درم
... سوس دوازده درم و نیم ریوند چینی پانزده درم جعده اذخر از هر یک سه درم
... قسط تلخ از هر یک ده درم سیسالیوس ده درم روغن بلسان سه درم و نیم
دار و های خشک بکوبند و آنچه باید کدا ... و شراب انگوری یا ماء العسل
بدل شراب بگذارند و همه را با انگبین بقدر کفایت بسرشند شربتی مقدار فندقی با شراب
که موافق باشد این ترکیب سی و چهار جزو است وزن ادویه دویست و سی و چهار
درم و نیم مزاج گرم و خشک است در اول درجه سیم در ذخیره خوارزمشاهی نسخه
دیگر ذکر میکند و میگوید که این نسخه معتمد است در آن نسخه صبر سقوطری دوازده
درم و کبد ... سه درم دارفلفل ... راوند طویل از هر یک هفت درم داخل است

واذلك تفاوتي در وزن نيم حبت د و امالله اصغر نافع است ضعف جگر و معده و سپرز و ...
صلابت آن را و صلابت و بطحي سپرز را و نفخ سده ميكند اخلاط آن لك قسط حب الغار توبه
حلبه فلفل از هر يك ده درم ريوند سه درم عسل بقدر الحاجت شربتي يكدرم با آب طبيخ
و در نسخه ديگر بجاي حب الغار نفاع اذخر كرده اند ابن نفيس هفت جزو است وزن آن با نونج
درم مزاج گرم و خشك است در آخر درجه دوم معجون حرقي نافع است سعال بسيجي جگر و ...
بجاي آن مرعلك البطم از هر يك چهار درم سنبل زعفران دارچيني سليخه از هر كدام يكدرم تفاح
اذخر قصب الذريره مقل از هر يك ده درم و نيم موميا بلسان بيرون كرده و پوست ...
بيست و پنج درم عسل بقدر كفايت شربتي يكدرم با طبيخ ... ابن نفيس ده جزو است وزن او ...
چهل و چهار درم و نيم مزاج گرم است در يك درجه و سه ربع خشك است در يك درجه و نيم بلوبك
دوم طرسوسي بطرابلي كه در منهاج و ذخيره و باقي كتب معتبره مذكور است صاحب ذخيره
ميگويد كه اين معجون مبارك است نزلها را باز دارد و همه بيماريها ساكن كند خاصه درد قولنج را
و تب خون و اسهال خون و قرحه و حيض و صفيه بازدارد اخلاط آن زعفران پنج درم فلفل سياه
بز و البنج از هر يك بيست درم افيون ده درم حظوا سالقون سنبل الطيب از هر يك چهار درم
تخم كرفس نبطي سه درم سادج هندي سليخه عاقرقرحا صاحب بلسان فرفيون از هر كدام يكدرم
دادو ههارا كوفته و بيخته با روغن بلسان چرب كرده باشد چندانكه عسل كفكرفته معجون
سازند و بعد از شش ماه استعمال نمايند شربتي هانند نخود ديا بهر قولنج و درد كرده
با آب كرفس صاحب ذخيره ميگويد شربتي كيلي نشش ماه از نيم مثقال تا يك مثقال اما از جهت
درد قولنج اندر طبيخ شبت دهند و از جهت درد حگر اندر طبيخ جعده و از جهت درد سعال
اندر طبيخ بادنجان و از جهت باز داشتن خون اندر طبيخ سماق دهند و بعضي از اطبا بدل تخم
كرفس دو قو ميكنند و قوت اين معجون از سه ماه تا سه سال باقيست ابن نفيس دو از ده جزو
جزو است وزن آن هفتاد و يك درم مزاج سرد است در سه ربع درجه خشك است در آخر
درجه سيم فلونياي رومي كه نسخه در قانون ذكر كرده اخلاط آن فلفل سفيد بز
البنج از هر يك بيست مثقال افيون ده مثقال زعفران پنج مثقال فرفيون سنبل عاقرقرحا
از هر كدام يك مثقال عسل بقدر حاجت شربتي مقدار نخودي با آب نيم گرم ابن نفيس هفت
جزو است

جز واست وزن آن پنجاه و هشت مثقال مزاج سرد است در يك درجه خشك است در آخر
درجه سيم ابن نفيس بعينه نسخه ابن شعثاست اما شيخ در قانون نطرقي فلونياي رومي
طرسوسي ذكر كرده و حكيم عمادالدين محمود رحمه الله تعالى در رساله افيون بعبان ذكر
اين تركيب ميگويد كه بعضي ابن نفيس ابن شعثا را منسوب با بوالبركات بغدادي ساخته
و اين غلط است زيرا كه شيخ در قانون جالينوس حكايت ميكند كه من اين دوا را در خواب
ديدم گفت من اين نسخه عادت فيلن طبيب طرسوسي ام منفعت من كسي را كه بمن دن نزديك
باشد عظيم ست و با صلاح ميآورد رد دردها را كه در امراض مزمنه حادث شده باشد
گو صاحب درد قولنج از من بكيفيت تناول نمايد نفع مي يابد و بسرف و نفث الانتصاب
و سل و نفث ورد در حلق كه از آن خوف هلاك باشد بر طرف ميسازم و كسي را كه
نفث دم باشد اخوف تي كرده باشد و از من قدري تناول نمايد حايل ميشوم ميان
او و موت و هر دردي را كه در امعا و احشا حادث شود و سعال و خناق و خواق
و نوازلي كه از سر و دماغ متحلق و سينه مي ريخته باشد ساكن ميكردانم فلونياي فارسي
نافع است نزف طمث و بواسير و نزف طبيعت و انبعاث دم را و حصول عسر البول نافع
آبستن را و بادهاي كه در رحم حادث ميشود و محوا فلتت منها ... را و فم رحم را
مستحكم ميكرداند اجزاي آن فلفل سفيد بز البنج از هر يك بيست درم افيون طين مختوم
از هر يك ده درم زعفران پنج درم فرفيون سنبل عاقرقرحا از هر يك دو درم جندبيدستر
يكدرم زرنباد درونج مرواريد ناسفته مشك از هر يك نيم درم كافور يك دانك
و نيم عسل بقدر الحاجت شربتي مقدار يكدرم با شربتي كه موافق باشد ابن نفيس چهار ده و نيم
جزو است وزن آن هفتاد و چهار درم و يك دانك و نيم مزاج سرد است در نيم درجه خشك
در دو درجه و نيم معجون كاكنج خداوند قرحه كليه و مثانه و بول الدم را سود دارد
اخلاط آن بز البنج تخم كرفس تخم بادريان از هر يك هفت درم مغز تخم خيار پنج درم بشو كران
بز الحماض افيون مغز چلغوزه بريان كرده مغز فندق بريان كرده مغز بادام تلخ بريان كرده
زعفران از هر يك سه درم حب كاكنج بيست و پنج عدد كثيرا چهار درم در نسخه صفهاني نخست
كثيرا نيست و مغز خيار دو درم است جمله اجزا را بكوبند و بپزند بسر شيند شربتي يكدرم

دواء الخطاطیف

... حبه بیفزون با ماء العسل بعد از ... استعمال نمایند این ترکیب ... جو وات و زن
آن بنفشه و یک درم مزاج سرد است در یکم درجه و نیم خشک است در آخر درجه دوم دواء الخطاطیف
نافع است خناق و اوجاع حلق و اوجاع بالای سینه را اجزای آن انیسون تخم کرفس نانخواه فقاح
اذخر تخم سوسن آسمانجونی دارچینی جماماز راوند طویل ... هزار ... اصل السوس سلیخه
زعفران از هر کدام یک اوقیه معجون قرنفل ... یک حبه خشک کرده از هر یک دو اوقیه قسط ساده
الخطاطیف تازه از هر یک سه اوقیه ... کنند از هر یک ... اوقیه ... و سپیده ...
کوچک ... ریزه ... در مقدار هشت عدد اجزا را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته ... آنقدر
که حاجت باشد معجون سازند شربتی نیم مثقال تا یک درم ... روی بیخ سوسن
و بیخ بادیان بیخته باشند یا در طبیخ انیسون بنوشند یا در کشکاب ... حل کنند ... موضع طلا
کنند سود دارد این ترکیب بیست و یک جو وات و زن آن بیست و پنج اوقیه مزاج گرم است در
یک درجه و نیم خشک است در اول درجه سوم نسخه ... که داخل این ترکیب است
اخلاط آن زعفران دارچینی از هر یک دو درم ... خشک ... قسط از هر کدام یک درم و چهار
درم اصل سوس آسمانجونی ساذج هندی از هر کدام دو درم و نیم اجزا بماء العسل خمیر
کرده قرص سازند و در سایه خشک کنند این نسخه هشت جو وات و زن آن شانزده
درم مزاج گرم است در اول سوم درجه خشک است در آخر دوم درجه صفت رماد الخطاطیف
صاحب ذخیره خوارزمشاهی گوید که بچه پرستو را بگیرند و پاک کنند و نمک سوده بر آن
کنند و اندر شیشه نهند و شیشه را بگل حکمت اندر گیرند و سر شیشه را استوار کنند و در تنور
گرم نهند یک شبانه روز و دیگر روز آن را بگشایند و بچه پرستو سوخته و بسایند رماد
الخطاطیف این باشد دواء الکبریت این ترکیب نافع است ... و ...
بلغمی و سعال خصوصا کهنه را و نفث مده و ضیق نفس را نفع میکند کزاز و اعتقال
و ... ادرار بول است و اخراج سنگ ... و مثانه میکند و نافع است گزیدن ... افعی
و عقرب را نفعی ظاهر و ... دارد ... نزدیک که این ترکیب ...
معادله نماید با تریاق ... اخلاط آن کبریت زرد ... سفید ... میعه
از هر یک هشت درم سداب قسط از هر یک ده درم افیون زعفران از هر یک دو درم
سلیخه

قرص ...

رماد الخطاطیف

دواء الکبریت

سلیخه ده دانگ دو درم فلفل سفید بیست و دو درم اجزا را کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از آن ... یک درم با آب نیم گرم و بجهت تب
ربع و تب بلغمی با آب کرفس ... این ترکیب یازده جو وات و زن آن نود و هشت درم مزاج
گرم است و در آخر درجه دوم خشک است در نصف آخر درجه سیم معجون حلتیت خداوند تب
سرد و تب ربع را سود دارد خاصه که مدتی دراز برآمده باشد و عاده ... و صفت
... درم ... اجزای آن حلتیت فلفل ... سداب اجزا مساوی یک یک
با انگبین مصفا ... شربتی یک درم خداوند تب را پیش از نوبت بیکساعت بدهند یا
سکنگبین ... دفع ... با الشراب گرم یا ماء العسل ... این نسخه چهار
جو وات مزاج گرم است ... درجه و نیم خشک است ... درجه ... معجون ...
هندی معده را پاک کند و قوت دهد خاصه بلغمی و سوداوی را و علت دوار بلغمی
و سوداوی زایل کند اخلاط آن هلیله سیاه بلیله آمله هلیله کابلی اسطوخودوس
از هر یک سه درم افتیمون چهار درم نمک نفطی دو درم ایارج فیقرا ده درم غا
ریقون چهار درم بسکنگبین ... شربتی از آن سه درم ... نیم گرم ... چند
این نسخه نه جو وات و زن آن سی و پنج درم مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک
در اول درجه سیم دواء القسط نافع است درد جگر و معده را اجزای آن دارچینی
سلیخه قسط از هر یک سی درم انیسون تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون بیست
و نه درم زعفران هشت درم ... دارچینی ده درم فقاح اذخر از هر یک بیست و چهار
درم عسل سه وزن ادویه اجزا را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته معجون سازند این
ترکیب ده جو وات و زن آن دویست و پنج درم مزاج گرم است و خشک در دوم
و نیم این نسخه در منهاج الادویه ... وجه است اخلاط آن دارچینی قسط و سلیخه
از هر یک هفت درم انیسون تخم کرفس اسارون از هر یک سی و سه درم فقاح اذخر
... از هر یک سی درم عیدان سلیخه زعفران ... مدحرج ... دارچینی
از هر یک بیست درم عسل سه وزن ادویه مزاج نزدیک ... نسخه ...
معجون قباد الملک اوجاع مفاصل و نقرس را مفید است و خداوند ... کهن

معجون حلتیت

معجون ...

دواء القسط

معجون قباد الملک

و درد سپرز و بادهای غلیظ و سرفه و ضیق النفس نافع و جمیع امعا را که از بلغم بود و سودا ورم
و خداوند درد چشم و درد کلی را سود دارد و تندرستی بر مردم نگاه دارد اخلاط آن تخم
سداب و شبت فراسیون اسقیل دوقو کاشیطوس جاوشیر جنطیانا اسطوخودوس حب دهانا
صیمه قان از هر یک پنج مثقال مر زعفران قسط تلخ فلفل سفید اذخر سنبل الطیب فو فلفل
بیخ لفاح اشق فو دعفه تخم بادیان تخم کرفس بری کما شرح حب بلسان از هر یک سه مثقال
دارچینی هشت مثقال سلیخه یک اوقیه عصاره غافت کاشم تخم جند بیدستر صمغ بادام از
هر یکی چهار مثقال افیون نیم مثقال انجدان از هر یک شش مثقال صمغ و عصاره به شراب با ماء العسل
حل کنند و داروهای خشک را کوفته و بیخته با انگبین مصفا بسرشند شربتی یک درم این ترکیب
سبی دیگر است و وزن آن یکصد و سی مثقال و نیم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک
در آخر درجه دوم در منهاج الادویه نا بدیدن سه مثقال و تند جا تقدمالا
کلکلانج کبیر ضعیف معده را که از سردی و تری بود و بیماریهای کهن را سود دارد بادی
گرفتن و قولنج بکشاید و بهق و برص و سرفه و بلغمی و تنگی نفس را ببرد و خداوند حکی و چرب
صلب و خداوند ناسور و قولنج و خداوند استسقا و اختناق رحم و بیماریهای آن را و
خداوند صرع و مزاج سرد را سود دارد اجزای آن هلیله کابلی بلیله املج پاک کرده از هر یک
هفت درم فلفل دار فلفل زنجبیل فلفلمویه نمک هندی سرخ نمک هندی سیاه نمک
نفطی نمک طبرزد نمک جمیز لسان العصافیر شیطرج سعد جوز بوا قرنفل نمک
کابلی مقشر صعتر فارسی پوست بیخ حب النیل زیره کرمانی ساذج هندی تخم کرفس کشنیز خشک
از هر یک پنج درم تربد سفید صد و پنجاه درم فلوس خیار شنبر تازه ده درم مویز منقا نیم
من مویز آمله پاک کرده یکمن و آمله اندر دوازده من آب بپزند تا در یک بهره
بماند و بپالایند و خیار چنبر اندرین حل کنند و سه من و ده استار فانید نیکو در آب
بکدازند با قند و نیم من روغن گاو تازه بادی بیامیزند و یک جوش دیگر بدهند تا بقوام
گیرد معجونها از داروها بدان بسرشند شربتی چهار درم تا پنج درم این ترکیب سبی دیگر است
بعیره فانید در روغن گاو وزن آن ششصد و شصت و هفت درم و نیم تعرقها مزاج گرم است
در آخر درجه اول خشک است در سه ربع درجه معجون کلکلانج صغیر خداوند استسقا
و بیماریهای جگر و سپرز را سود دارد و شکم و قولنج را نافع است اخلاط آن کل مقشر
سنبل

سنبل کل سرخ دوقو فطراسالیون فو دیوقند چینی نمک هندی پنج سوس آسمانگونی غا
ریقون از هر یک شش درم کافطوس سلیسالیوس رواند طویل اسارون مصطکی عود
بلسان خطیانا ابونک کابلی مقشر سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافت عصاره افسنتین
سعد اذخر از هر یک پنج درم تخم کشوث سرهق اصل سوس رب سوس سقمونیا از هر یک
ده درم تخم کرفس قسط و تخم بادیان افسنتین از هر یک سه درم تربد صد و پنجاه
درم زنجبیل کمافیطوس چهار درم جمله را بکوبند و ببیزند پس بگیرند هلیله زرد مقشر
بیست درم هلیله سیاه مقشر از هر یک پانزده درم آمله مقشر بلیله و نیم خرمای هندی
پنجاه درم مویز منقی همه را اندر پانزده من آب بپزند تا سه بهره آب برود و یک بهره بماند
و بپالایند پس بگیرند فلوس خیار چنبر نیم من و اندرین آب بکدازند و باز بپالایند و من
فانید نیکو هم اندرین آب بکدازند و بجوشانند تا بقوام انگبین آید و سی استار روغن
گاو تازه بادی بیامیزند پس بیست درم از روغن بگیرند و اندر آب و سه اوقیه
روغن گاو روغن بادام شیرین بریزند تا آب برود و روغن بماند آن را بشناسند
و بپالایند و داروهای کوفته را اندر روغن با انگبین بمالند بقوام آورده
بسرشند شربتی از چهار درم تا پنج درم با شیر یا آب عنب الثعلب یا هندبا
نیم جهل و سه جزو است نیز فانید روغن گاو وزن ادویه یکهزار و نود و هفت
درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در یک درجه و ربع معجون کلکلانج
معتدل منقول از قرابادین قلانسی ابن التلمیذ لوثابت بن قره است اجزای آن و دق
مانی بیعن در سرکه خوی بسایند یکهفته پوست هلیله زرد قاریقون از هر یک
پنج عصاره افسنتین سه درم ابریسام کل سرخ تخم خیار مقشر تخم کاشم ورب سوس
از هر یک دو درم ترنجبین منقا فلوس خیار چنبر فانید از هر یک پانزده از این ادویه
تخم تا الت بآب حل کنند و بپزند تا غلیظ شود و باقی ادویه خشک را کوفته و بیخته
بدان جمع نمایند و معجون سازند شربتی از دو درم تا سه درم ابن التلمیذ در واقع حفظ
با فانید وزن ادویه با فانید هفتاد و سه درم مزاج چنانکه ... ابتدا ره خود
معتدل است دیگری سرخی اما خشک است در یک درجه معجون نیز
قولنج را بکشاید و بادهای غلیظ را بشکند و پیچیدن شکم و فواق و تشنگی را دفع کند

ناف حامله را که از سردی بود سود دارد اخلاط آن فرفیون عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک
هفت درم افیون بزرالبنج از هر یک بیست درم با انگبین بسرشند و پس از شش ماه بکار دارند
این نسخه [illegible] واست وزن آن شصت و هشت درم مزاج سرد است در اول درجه دوم خشک
است در آخر درجه سیم معجون معروف بکندی زعفران ده مثقال مر اسارون [illegible]
چینی دار فلفل فطراسالیون از هر یک چهار مثقال سنبل هندی سنبل رومی از هر یک
شش مثقال قسط سلیخه تفاح اذخر از هر کدام یکمثقال حب بلسان سه مثقال و نیم عود
هشت مثقال رب سوس اسقولوقندریون جعده عصاره غافث از هر یک سه مثقال عود
بلسان شش مثقال اخلاط اند بکوبند وزن پنج مثقال العسل بقدر کفایت شربتی مقدار
فندقی با جلنجبین عسلی یا [illegible] این نسخه بیست جزو است با فزونه دو جزو وزن
آن هفتاد و پنج مثقال و نیم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه دوم و نیم معجون پودنه
درد معده و جگر و تبهای کهن و تب سرها را سود دارد اجزای آن پودنه دشتی پودنه
کوهی فطراسالیون سیسالیوس از هر یک بیست درم تخم کرفس با پودنه حاشا از هر یکی
چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم انیسون [illegible] بیست و
چهار درم با انگبین مصفا بسرشند این نسخه [illegible] واست وزن آن یکصد و پنجاه و یک درم
مزاج او خشک است در دوم درجه و نیم معجون [illegible] درد معده و جگر و سپرز را
سود دارد و بادها را بشکند اخلاط آن سلیخه حماما سنبل نانخواه تخم بادیان تخم کرفس
انیسون سیسالیوس [illegible] تخم [illegible] دارفلفل طویل مصطکی اسارون [illegible] و با
اجزا همه مثل یکدیگر با انگبین مصفا بسرشند این نسخه چهارده جزو است مزاج گرم و خشک
است در اول درجه سیم معجون یاقوت ترکیب ابوعلی وسواس و خفقان و ضعف
دل و علتهای مزمن چون علتهای دماغ و معده و جگر و سپرز و قولنج را و اوجاع مفاصل
و تبهای کهن را سود دارد اجزای آن بگیرد یاقوت رمانی یکمثقال مسک [illegible] و
عنبر از هر یک یکدرم طلا دو دانگ نقره یکدانگ این جوهر را بکوبند و بسایند و طلا
و نقره مدبر کرده را با جواهر بر صلایه بسایند و اشراب بر [illegible] تا مهیا شود
پس بگیرد غاریقون [illegible] و فلفل و زنجبیل و قرنفل [illegible] از هر یکی مقدار
نیم

نیم وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند حجر ارمنی و حجر لاجورد و نمک نفطی و زرنباد و درونج
عقرب سرخ و لسان الثور از هر یک ثلث وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند سنبل اقریطی که
آن را ناردین گویند حماما [illegible] و ساذج هندی و دارچینی و صعتر و حاشا و زوفا وزن هر
از هر یک ربع وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند [illegible] و فطراسالیون و حجر الیهود و تخم
کرفس [illegible] و زعفران و قاقله سفید از هر یک سدس وزن جواهر و طلا و نقره و بگیرند
عاج ثلث وزن آن همه را بکوبند و بسایند و بیامیزند و با عسل بلیله بسرشند شربتی یکمثقال
این ترکیب [illegible] جزو است مزاج گرم است در یک درجه و [illegible] خشک است در یک درجه
و نیم مفرح معتدل [illegible] اخلاط آن مروارید پنج درم ابریشم پنج
درم کهربا دو درم و نیم صندل سرخ و سفید از هر یک چهار درم لسان الثور پنج درم [illegible]
سه درم تخم کاهو دو درم و نیم درونج یکدرم ساذج هندی دو درم افیمون سه درم آمله
چهار درم گل سرخ سه درم زرنباد دو درم ابریشم چهار درم سنا مکی سه درم تخم [illegible]
تخم بادرنجبویه از هر یک [illegible] زعفران یکدرم کافور [illegible] عنبر چهار دانگ عود
یکمثقال [illegible] دو درم بنفشه دو درم گاوزبان دو درم بشراب سیب بسرشند این
ترکیب [illegible] واست وزن آن شصت و [illegible] درم [illegible] مزاج معتدل است
در گرمی و سردی خشک است در یک درجه و نیم معجون [illegible] نافع است بیماریهای [illegible]
[illegible] نفث القیح و نفث الدم و ماده که [illegible]
اجزای آن صمغ البطم زعفران کندر مر دارچینی از هر یک چهار مثقال حماما سه مثقال [illegible]
کبابه چهار مثقال اصل السوس [illegible] چهار مثقال سنبل شامی دو مثقال و نیم سلیخه
سیاه [illegible] مثقال الکثیرا سه مثقال [illegible] سه مثقال [illegible] که آن را کوکب
گویند چهار مثقال بان [illegible] سی مثقال [illegible] چهار مثقال العسل چهار [illegible]
که دویست و هشتاد درم باشد عسل و صمغ البطم [illegible]
با آن مخلوط سازند [illegible]
[illegible]
در آن ریزند [illegible] پس از آن استعمال نمایند این نسخه
پانزده جزو است وزن آن هفتاد و نه مثقال و نیم مزاج گرم است در اول درجه سیم

ارسطوماخس

خشک است در یک درجه و سه پنج معجون ارسطوماخس علتهای سینه والتهاب دم زدن را
و فرجه که اندر التهاب باید آید و خون و بیم بر آمدن را و آماس عضلهای سینه و عضلها
دم زدن را و خداوند هیضه و خداوند استسقا را لذا علتهای متأخر و اختناق رحم و تبهای
کهنه را سود دارد و مضرت زهرهای جانوران زهردار را دفع کند اخلاط آن دارچینی مصطکی
بادرنجبویه بیخ ساریون فلفل سیاه دارچینی سلیخه از هر یک یک اوقیه عسل مقشط که یکصد و
هشتاد درم باشند بکوبند با عسل بکدازند نه مدار و هاون پس بپزند و اندر ظرف آبگینه
یا نقره یا چینی کرده نگاه دارند شربتی مقدار یک باقلا است و ما لم العسل و سه مثقال وزن
شیر بخت بر وی چکانیده این ترکیب هشتم واست وزن آن هشتاد وقیه مزاج گرم است

معجون خیطانا

در دویم درجه خشک است در دوم درجه ولیکن معجون خیطانا نافع است صلابت و سدّه
و درد جگر و معده و سپرز و تبهای کهنه را اخزای آن خیطانا رومی فلفل از هر یک
ده درم سنبل الطیب ساذج هندی سنبل رومی چینی از هر کدام یک اوقیه اجزا را کوفته
و بیخته به عسل کف گرفته آن قدر که احتیاج باشد معجون سازند شربتی از آن یک درم
با آب سداب بیخته این نسخه شانزده واست وزن آن شصت و سه درم مزاج گرم است

عطیة الله

و خشک در اول درجه سیم معجون عطیة الله این نسخه شریفاست بنابر آن انرا
عطیة الله نامیده اند در خزانه یکی از پادشاهان ما تقدم یافته اند نافع است دو
اسیر و فساد معده و سرو بهارا و اشتهها و الطعام و جماع او ده و مددا است و حفظ
صحت مینماید در هر گاه که در زمان بهار و زمستان سه ماه در هر جمعه از هر ماه سبعه
اخلاط آن هلیله سیاه بلیله آمله زرا وند مدحرج زرا وند طویل بلوج منقا قل
هیل قاقله قرنفل حب بلوز زنجبیل کهنه پوست نارکنده از هر یک شش او قیه جوز
بوا سنبل تربد سفید موجود و فواساد ون تخم کرفس جبلی فرنفون از هر یک دو
اوقیه تا نخواه مغز گندم تخم کراث نود ریح سفید خشخاش زرنباد درونج
پنج زرنبد جاما عاقر قرحا طباشیر مثیسالیوس حلتیت منقی زیره کرمانی از هر یک
سه اوقیه شل نل بل دارچینی سنطرج هندی فارسی فلفلمون افسنتین سعد پنج
نانخواه فرخار فلفل قرنفه الطیب جندبیدستر از هر یک پنج اوقیه جاوشیر سکبینج از هر یک

چهار

چهار اوقیه پوست بیخ کبر هشت اوقیه خبث الحدید پاک کرده که سه هفته تربیت کرده باشند
یکهفته بسرکه و یکهفته بآب عسل و یکهفته بسرکه باز ابتدا کرده یکروز در سرکه بکوبند و روز دیگر
خشک و یکروز در آب عسل نحوی بسایند تا سه هفته بدین نحو عمل نمایند بعد از آن در سایه
خشک کرده چندان بسایند که چون سرمه نرم شود و با تمام دوا را نیز خوب کوفته و
بیخته باز اجزای هر سه خرجا از ادویه یک جزو او دو یک جزو از خبث الحدید اضافه نمایند
تر و غن گاو اجزا را خوب چرب کنند و معجون سازند بعسل خوش طعم بعد از آن بوزن
خبث الحدید فانید بکدازند تا بقوام عسل شود و داخل نمایند و خوب برهم زنند
تا یکبار بکرو مخلوط شود بعد از آن در ظرف پاکیزه چینی یا نقره کرده سر شرا به بندند
و در میان جو پنهان کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی مقدار مازوی یا نارسا
و بعد از آن تا سه ساعت طعام نخورند و بعد از سه ساعت طعامی که معتدل باشد در
گرمی و سردی میل نمایند و بعضی از اطبای دانا را اعتقاد آن است که این دوا با
شربتهم فانیدا وعود شود مجرب است باذن الله تعالی این ترکیب پنجاه و سه جزو است بعض فانید
وزن آن بغیر خبث الحدید و فانید دویست و نود و دو اوقیه است و خبث هفتاد و سه
اوقیه و فانید نیز مثل خبث مزاج گرم و خشک است در دوم درجه و نهم معجونی که
نافع است ضعف جگر و نفث دم را اخزای آن جلنار دم الاخوین دردی اللصف شب
یمانی اجزا مساوی یکدیگر اجزا را باید کوفت و خوب نرم کرده بیخت و آب آن را صاف کرده
و نیم گرم با بدا شا... این نسخه چهار جزو است مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک
است در آخر درجه دوم معجون بیوها طیب نافع است فساد مزاج و درد جگر و او
معوی معده است و ورنگ رو را صاف کند اخلاط آن هلیله مصطکی از هر یک
بیست و پنج درم زنجبیل دارچینی از هر یک ده درم فلفل سفید چهار ده درم
طالیسفر سه درم خولنجان ده درم تارمشک شش درم عصیر افسنتین پنج درم
بآب العسل بدل شراب خمیر کرده حب سازند مقدار بلغل شربتی از آن وزن
دو درم با آب نیم گرم این نسخه نه جزو است وزن آن یکصد و هشتاد درم مزاج گرم است
و خشک در اول درجه سیم معجون اسری نافع است گرفتگی بول را و درد پشت

معجون لوکی دوری

کاه فرشا

کوفتن

اقوا

ضعف کرده و مثانه را و سنگ بریزاند اجزای آن خشخاش تخم کوکنار تخم کشوث تخم کو صنوبر
تخم سوسن تخم کاهو تخم کاسنی تخم خرفه بهمن سفید بهمن سرخ لسان العصافیر تخم بید انجیر
کسیلا تخم شاهسفرم تخم مرو تخم کونس بونجخ کابلی بلیله سیاه بزر بند حب الزیتاد تخم مرزنجوش
اشق تفاح اذخر تخم خبغبد دکینا بزر البنج صمغ عربی زرنب فلنجه حب البلسان سنبل تنطاگور و تا
بزر قطونا ابهل لاعس لسان الثور تخم حماض سلیخه تخم کتان نمک هندی تخم سداب تخم خطمی
سرخ تخم خطمی سفید زنبق کوهی قرفه تخم فرنجمشک مغاث سناء مکی سورنجان
افتیمون انیسون تخم سمنه سرخس فلانه از هر یک سه درم قهوه سرخ قهوه سفید
تا تخواه زرنباد حب تخم زرباد دارچینی هلیله زرد هلیله کابلی تخم خرفه حب الآس
شهدانه کنجد مقشر حلبه تخم کرفس از هر یک پنج درم شقاقل زنجبیل از هر یک چهار درم
مصطکی بلیله سیاه سفید قرنفل سنبل شکوفه حنا عاقرقرحا از هر کدام یک درم
نیم ششم زرنباد و دانک تخم خربزه و دانه تخم خربزه کوه از هر یک ده درم روغن کنجد چهار درم
عسل دو رطل ادویه را کوفته و بیخته بعسل و روغن کنجد معجون سازند شربتی از آن
دو درم با آب نیم گرم این نسخه هشتاد و یکجز ولیکن بغیر عسل و روغن کنجد وزن آن
دو لیست و هفتاد و پنج درم و دو دانک گرم و خشک است در یک درجه و نیم معجونی
که صنوبری تعریف آن کرده فالج و لقوه و همه بیماریهای بلغمی را بغایت سودمند و بعضی مفلوج
که لاکنند سود دارد اجزای آن افیون بزرالبنج بیدستر فرفیون دارچینی دارفلفل
سنبل زنجبیل زعفران اجزاء السادات با یکدیگر بسایند شربتی از آن یکدم و احتمال
علیل و اگر عضوی مسترخی را با آن طلا نمایند نفع خواهد کرد و این ترکیب نرجی راست
مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در درجه دوم و نیم معجونی مسموع مجرب
صنعت شیخ الرئیس اخلاط آن مغاث جوز جندم بهمن زرنباد کثیرا کهربا اخضیض
از هر یک سه درم جمله بکوبند و بموم روغن گاو و بریان کرده مسک و دو من نبات کنند
با آن بیامیزند و بکن شکر قوالب و هر دو ز بیست درم از این معجون دو نیم من شیره
بیرند و حبوب سازند با مقدار یک درم روغن گاو و لیس از آن از حمام برایند مجرب است
این نسخه هفتجز است یعنی بست کنند و روغن گاو و شکر وزن آن بیست و یک درم

امّا در نسخه خوارزمشاهی بهمن سرخ و سفید هر دو ذکر کرده و تحقیقاً اجزا هفت با شد
وزن آن بیست و چهار درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در درجه دوم
اول ذکر مفرحات قرابادین قلانسی مفرح حار کهربا بسّد درم زعفران سه درم لسان
الثور ده درم قشر رده درم آمله شش درم بادرنجبویه هفت درم ساذج چهار درم
تخم بادرنجبویه پنج درم گل سرخ ده درم زرنباد سه درم عود سه درم مشک یکدرم
درونج دو درم عنبر اشهب دو مثقال اسطوخودوس دو درم دارچینی چهار درم حجر
ارمنی مغسول یکدرم یاقوت رمانی یکدرم کند دو درم و نیم تمام دو درم مروارید
بلیست درم سنبل سلیخه خیربوا قاقله از هر کدام یکدرم مرجان سه درم اجزا کوفته و بیخته
بعسل مصفا بقدر حاجت بسرشند این نسخه بلیست و پنج جز راست وزن ادویه یکصد و
دو درم و نیم مزاج گرم است در نیم درجه خشک است در یک درجه و نیم یاقوتی باورد
از بعضی متاخرین اجزای آن صندل مقاصری پنج درم طباشیر سه درم عصاره و ند مشک
سه درم خشب الکلب دو درم نیلوفر دو درم مروارید سه درم مرجان سه درم
یاقوت دو مثقال ابریشم دو درم حجر لاجورد مغسول حقیق کهربا کشنیز خشک پوست
ترنج ریوند چینی عود هندی از هر یک دو درم ابریشم مقرض یکمثقال گل سرخ سه درم
طین مختوم سه درم تخم کاسنی سه درم کافور ریاحی دو مثقال مغز تخم خیار
مغز تخم کدو و خشخاش تخم کاهو از هر یک سه درم رب نار رب سیب رب به
از هر یک سی درم شکر طبرزد صد درم اجزا کوفته و خوب نرم کرده بعسل بقدر
کفایت معجون سازند این نسخه بلیست و پنج جز راست یعنی بجوب وزن آن شصت
و پنج درم و نیم مزاج سرد است و خشک در اوایل درجه دوم ایضاً مفرح بارد نافع
است خفقان و ضعف دل را دفع میکند خمار را گاهی که با بعضی از عیوب بنوشند
اخلاط آن گل سرخ نیلوفر از هر یک ده درم مروارید نسبد کهربا الثانی الثور طباشیر
صندل سفید و سرخ خشب الکلب از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ تخم فر
نجمشک تخم شاهسفرم تخم خرفه تخم بادرنجبویه تخم کاهو تخم کاسنی
تخم خیار بادرنگ تخم خیار با درنگ از هر یک دو درم کافور نیم مثقال شکر طبرزد

چهل درم این بیست و دو جزو است بغیر شکر وزن آن شصت و شش درم و نیم مثقال مزاج
بارد است در یک درجه خشک است در آخر درجه اول مفرح معتدل نافع است توحش
وهواجس سوداوی را واین ترکیب از تالیف قوام الدین ساعد المهیمنی است اجزای آن گل سرخ
چهار درم نیلوفر ده درم لسان الثور کشنیز خشک بادرنجبویه تودری سفید تودری
سرخ بسفایج از هر یک سه درم طباشیر دو درم بهمن سفید بهمن سرخ صندل سفید و
سرخ فرنجمشک تخم فرنجمشک عود سعد خولنجان از هر یک ده درم حجر ارمنی مغسول
حجر لاجورد مغسول تخم کشوث تخم کاسنی مغز حب بزه یاقوت لعل نثر دو درم و پنج
بقاچه زدوار و بیاد از هر کدام یکمثقال ابریشم مروارید مرجان کهربا عنبر اشهب از هر یک
دو درم هلیله سیاه پنج درم قشر آمله بانوخه ده درم افتیمون چهار درم قرنفل سنبل الطیب
ساذج از هر کدام یکدرم کافور چهار دانگ مشک دو دانگ اجزا را کوفته با لعاب کدو
کاوزبان و رب سیب بقوام آورده باشند معجون سازند شربتی یکمثقال این ترکیب چهل
و پنج جزو است وزن آن هشتاد و چهار درم دوازده مثقال مزاج معتدل است قابل
بحرارت خشک است در اوایل درجه دوم مفرح معتدل مروارید پنج درم ابریشم سه
درم یاقوت رمانی عقیق لاجورد مغسول از هر کدام یکدرم کهربا صندل سفید
و سرخ بهمن سفید و سرخ ابریشم مقرض ساذج هندی زرنباد کشنیز خشک تخم
فرنجمشک تخم بادرنجبویه خشخاش سفید بنفشه گل ارمنی از هر یک ده درم لسان
الثور پنج درم قشر آمله پنج درم فرنجمشک گل سرخ طباشیر تخم کاسنی سنا مکی بسر الخ
بهمنی مرجان از هر یک سه درم دو درم و پنج یکدرم زعفران تخم خرفه چهار درم عنبر اشهب
چهار درم یا چهار دانگ کافور دو دانگ عود هندی دو مثقال مشک یکدانگ نبات
یکرطل رب سیب نیم رطل این نسخه سی و پنج جزو است بغیر نبات و رب سیب وزن
آن هشتاد و سه درم اگر عنبر چهار درم باشد و اگر چهار دانگ باشد هشتاد درم مزاج
معتدل است در حرارت و برودت خشک است در یک درجه و نیم مفرح معتدل
نافع است اسهال و اختلاط آن مروارید کهربا ابریشم از هر یک سه درم مرجان یکدرم
ونیم

ونیم عقیق دو درم لعل یکدرم بهمن سرخ بهمن سفید صندل سرخ و سفید طباشیر طین
مختوم تخم خرفه قشر آمله و رقاش حب الآس از هر یک پنج درم تخم حماض ریوند چینی عصاره
ابن بادرنج تخم کاهو بری سرطان نهری لک مغسول از هر یک ده درم عود یکدرم کشنیز
خشک یکدرم و نیم زعفران نیم درم پوست ترنج یکدرم زرنباد نیم درم تخم کاسنی سه
درم تخم گل سه درم ... معجون سازند این نسخه بیست و نه جزو است وزن آن هشتاد و
شش درم مزاج سرد است در نیم درجه اول خشک است در یک درجه و دو ثلث مفرح
معتدل طباشیر زرشک گل سرخ مروارید مرجان کهربا ابریشم از هر یک سه درم صندل
سرخ و سفید حجر ارمنی مغسول نیلوفر بنفشه بهمن سرخ و سفید بادرنجبویه فرنجمشک
عود هندی از هر یک ده درم لاجورد مغسول یکدرم و نیم عقیق یکدرم لسان الثور
چهار درم آمله پنج درم ابریشم یکدرم و نیم اشنه ساذج هندی قرنفل زرنب از هر کدام
یکدرم کافور نیم درم زعفران یکدرم عنبر اشهب چهار دانگ مشک یکدانگ شراب
انار شکر از هر یک ربع من این نسخه سی و یک جزو است بغیر شراب انار و شکر وزن آن
شصت و دو درم و دو دانگ مزاج معتدل است در گرمی و سردی خشک است در آخر
یک درجه مفرح معتدل خفیف لسان الثور ابریشم کشنیز خشک مروارید بهمن سفید پوست
ترنج کهربا ابریشم تخم خرفه اجزا مساوی یکی بعسل هلیله مربا معجون سازند
شربتی دو درم این نسخه نه جزو است مزاج معتدل است در حرارت و برودت خشک است
در آخر دو درجه مفرح بارد نافع است مر صفرا و اسهال را اجزای آن گل سرخ طباشیر
کهربا کشنیز خشک از هر یک سه درم مروارید یکدرم و نیم طین مختوم دو درم کافور
ربع درم اجزا را نرم کوفته با رب سیب ترش معجون سازند شربتی یکدرم و نیم با رب سیب
این نسخه هفت جزو است وزن آن پانزده درم و چهار دانگ و نیم مزاج سرد است در سه
ربع درجه خشک است در دو درجه مفرح بارد مروارید ده درم صندل سفید
و سرخ از هر یک دو درم ابریشم هشت درم قشر آمله چهار درم تخم کاسنی دو درم
کافور یکدرم طین مختوم یکدرم طباشیر سه درم گل سرخ چهار درم یاقوت رمانی و رق
آس حب الآس از هر کدام یکدرم قشر هلیله کابلی دو درم کشنیز خشک یکدرم طباشیر
سه درم گل سرخ هلیله سیاه دو درم حجر ارمنی مغسول چهار دانگ نیلوفر دو درم

اجزا کوفته و بیخته با رب سیب و نبات و گلاب بقوام آورده معجون سازند شربتی یک مثقال
این نسخه صحیح واست و وزن آن چهل و هشت درم و چهار دانگ مزاج سرد است در اول
درجه دوم خشک است در یک درجه و نیم ذکر بعضی از معاجین اختیارات بدیعی مفرح
یاقوتی
یاقوتی خفقان و وسواس سوداوی را سود دارد و دل را قوت دهد و لیکن اطبا آن را در خاصیت آن
بسیار است لیکن مختصر کردیم اخلاط آن مروارید ناسفته هشت درم بسد چهار درم
یاقوت رمانی دو درم طلای محلول نقره محلول از هر کدام یک مثقال الحجر لاجورد یک مثقال نیم
لعل عقیق بحر یشب از هر یک سه درم طباشیر سفید صندل مقاصری از هر یک پنج درم
کهربا گل نیلوفر زرشک بیدانه از هر یک سه درم صندل سرخ طین مختوم از هر یک
دو درم کشنیز خشک تخم کاهو از هر یک سه درم و در بعضی نسخها ابریشم نیز درج
میکنند و در بعضی نمیکنند سادج زرنباد درونج از هر یک یک درم و نیم عود هندی
پوست اترج گاوزبان بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک سه درم بادرنجبویه ریوند
چینی از هر یک دو درم تخم کاسنی کافور قیصوری عنبر اشهب از هر یک سه درم
مشک ترکی نیم مثقال ابریشم محرق سه درم شیر آمله بیست درم هلیله کابلی
بیست درم گلاب یک من نبات یک من شراب سیب انار شیرین از هر یک ده مثقال
شراب سیب و به و آب انار با آن بقوام آورند و دارو ها بدان بسرشند چهل
روز در میان جو نهند و بعد از آن استعمال نمایند این ترکیب سی و پنج جزو است
مفرح معتدل
و وزن آن صد و سی و سه درم مزاج سرد است در دو و ثلث درجه خشک
در اول درجه دوم مفرح معتدل خفقان و وسواس و ضعف دل را زایل کند و لیکن
آورد اخلاط آن مروارید ناسفته بسد از هر یک پنج درم کهربا دو درم صندل سرخ
و سفید آمله مقشر طباشیر از هر یک چهار درم گاوزبان پنج درم تخم کاسنی دو درم
درونج یک درم سادج دو درم افتیمون ورق گل سرخ از هر یک سه درم زرنباد
تخم بالنگو تخم فرنجمشک از هر یک دو درم و در بعضی نسخها سنا مکی سه درم میکنند
زعفران عنبر اشهب از هر کدام یک درم کافور و نیم مشک ترکی دانگی عود خام پنج درم
کشنیز خشک دو درم و نیم خشخاش سفید بنفشه گل ارمنی از هر یک دو درم
ورق

ورق نقره و ورق از هر کدام یکدرم اگر یک مثقال کنند شاید لعل نیم مثقال جمله اجزا را کوفته
و بیخته بشراب سیب خالص یا بشراب حماض بسرشند اگر بعضی بشراب سیب و نیم من شراب
حماض کنند بهتر باشد مجموع صد و هشتاد مثقال باید کرد شربتی از یکدرم تا یک مثقال
این ترکیب بیست و هشت جزواست و وزن آن شصت و نه درم و اگر اسناد داخل نمایند
بیست و نه جزو خواهد بود و وزن هفتاد و دو درم مزاج معتدل است در حرارت و برودت
مفرح بارد
خشک است در آخر درجه اول مفرح بارد خفقان گرم را سود مند بود و قوت دل
دهد اخلاط آن ورق گل سرخ طباشیر از هر یک ده درم کشنیز خشک بریان کرده
و صندل مقاصری از هر کدام یکدرم مغز تخم خیار مغز خیار بادرنگ و از هر یک چهار
درم تخم خرفه بریان بهمن سفید گاوزبان از هر یک دو درم زرشک بیدانه
شش درم مروارید ناسفته کهربا بسد از هر یک نیم درم و در بعضی نسخها کافور دو نیم درم
زعفران دانگی میکنند مجموع اجزا کوفته و بیخته و جواهر را صلایه کرده و نبات بعرق
بید مشک بقوام آورده و دارو ها بدان بسرشند شربتی یکدرم تا یک مثقال این ترکیب
چهارده جزواست بغیر کافور و زعفران و وزن آن بیست و نه درم نیم نبات دو وزن
دارو مزاج سرد است در نیم درجه بغیر کافور و زعفران و با کافور سرد است در آخر درجه
اول
خشک است در اول درجه دوم مفرح گرم خفقان سرد و ضعف دل را سود دارد
مفرح گرم
اخلاط آن گاوزبان بالنگو بهمن سرخ و سفید از هر یک هشت درم آمله مربی مثلث
خوب ساییده بریان کرده بیست درم تخم فرنجمشک هشت درم عود قماری ده درم
گل مختوم مروارید ناسفته از هر کدام یک مثقال زعفران یکدرم قرنفل بسد کهربا زرنب
کشنیز خشک از هر یک ده درم کبابه سه درم گل سرخ صندل مقاصری از هر یک پنج
درم عسل هلیله بلیله چهار یک شصت و چهار درم باشد یاقوت زر محلول نقره
محلول از هر یک پنج درم دارچینی دو درم زرنباد سه درم درونج یک درم و نیم
منقی نیم من که صد و بیست و نه درم باشد قند سفید یک من و نیم که صد و هشتاد
پنج درم باشد کهربا نسبها باید که سوخته باشد دارو ها کوفته و بیخته قند صافی

کنند و بقوام آورند و عسل هلیله دمشقی کوفته بر سر آن کنند و حل کنند و دارو ها بدان
بسرشند شربتی یکمثقال این ترکیب بیست و پنج جزو است بعنی متقی و قند وزن آن صد و
شصت و سه درم تخمینا مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در اول درجه دوم
مفرح سرد خفقان و ضعف دل که از گرمی باشد زایل کند اجزای آن طباشیر ده درم گل
زبان ده درم شیر آمله پانزده درم عصاره زرشک پنج درم صندل مقاصری ده درم بهمن
سرخ و سفید از هر یک ده درم ورق گل سرخ نخود درم ده درم تخم عقربی ده درم کشنیز
خشک پوست بیرون پسته مروارید ناسفته کهربا سوخته شبه سوخته ابریشم خام
از هر یک دو درم زعفران نیم درم یاقوت چهار دانگ زر ورق نقره ورق از هر کدام یکمثقال
آب سیب ترش چهل درم آب حماض چهل درم قند صافی کرده ده من بقوام آورده و دا
دو ها بدان بسرشند شربتی یکدرم این نسخه نوزده جزو است وزن آن شصت و دو درم
مزاج سرد است در ثلث درجه اول خشک است در آخر درجه اول مفرح گرم خفقان
و ضعف دل که از سردی بوده باشد زایل کند اجزای آن زرنباد درونج گاوزبان
هر یک شش درم بادرنجبویه سه درم کوفته و بیخته بشراب سیب مثلا دو وبر بسرشند
بعد از آن عسل کف گرفته دو وزن ادویه معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه چهار
جزو است وزن آن بیست و یکدرم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در
یکدرجه و نیم مفرح جواهر خواجه رشید خفقان و وسواس و ضعف دلرا سودمند
بود و جگر و گرده و مغز را قوت دهد و دل را بغایت صافی کند و نشاط تمام آورد و
بادهای سودا را دفع کند و بجهة قوت دل بغایت سودمند بود و خواص آن
بسیار است اینجا بهمین اختصار نموده شد اخلاط آن یاقوت سرخ دو مثقال یاقوت زرد
چهار مثقال یاقوت کبود و سفید از هر یک چهار مثقال لعل سه مثقال پیروزه سه
مثقال زمرد یکمثقال و نیم عقیق چهار مثقال حجر یشب سه مثقال مروارید ناسفته
چهار مثقال بسد دو مثقال کهربا دو مثقال لاجورد دو مثقال تخم فرنجمشک پنج
مثقال ابریشم محرق سه مثقال ورق قرنفل سه مثقال پوست بیرون پسته چهار
مثقال آمله مقشر ده مثقال پوست هلیله کابلی پانزده مثقال بادرنجبویه چهار
مثقال گل نیلوفر سه مثقال صندل سرخ صندل سفید تخم بادرنجبویه قرنفل
دارچینی کبابه از هر یک سه مثقال گاوزبان پنج مثقال عصاره زرشک پانزده مثقال
عود

مفرح بارد

مفرح گرم

مفرح جواهر رشیدی

عود قماری چهار بادروج دو مثقال درونج عقربی چهار مثقال طین ارمنی دو مثقال طین
مختوم چهار مثقال طباشیر سفید پنج مثقال عنبر اشهب چهار مثقال مشک ترکی یکمثقال زر ورق
نقره ورق گل دارچینی از هر یک چهار مثقال کافور قیصوری نیم مثقال قاقله کبار سه مثقال
سنبل الطیب سادج بهمن سرخ از هر یک دو مثقال بهمن سفید چهار مثقال آب سیب اصفهانی
یکمن آب به اصفهانی یکمن آب حماض نیم من گلاب یکمن عرق بید مشک دو من نبات مصری
ده من نبات با عرقها و آب سیب و به بقوام زیاده آورند و چون فرو گیرند آب حماض بر آن
بریزند و دارو ها بدان بسرشند شربتی نیم درم تا یکدرم این ترکیب چهل و شش جزو است وزن
آن صد و هفتاد مثقال مزاج معتدل است در حرارت و برودت خشک است در اول درجه دوم
مفرح دلگشای مستعمل ضعف دل و وسواس سودائی و خفقان زایل کند و دلرا قوت دهد
و نشاط تمام آورد اجزای آن مروارید ناسفته سه درم بسد یکدرم کهربا لعل یکمثقال یاقوت زرد
نیم مثقال قرنفل یکدرم بهمن سفید دو درم کبابه چینی بهمن سرخ از هر کدام یکدرم زرنباد
نیم درم تخم بادرنجبویه سه درم سادج هندی یکدرم درونج عقربی نیم مثقال پوست بیرون
پسته سه درم بوستافروز سه درم گاوزبان پنج درم صندل سرخ و سفید از هر یک سه درم
کشنیز خشک دو درم زر ورق نقره ورق از هر یک نیم مثقال ورق گل سرخ سه درم دارچینی
یکدرم آمله مقشر نخود درم عصاره زرشک ده درم طین ارمنی دو درم تخم فرنجمشک سه
درم طباشیر سفید دو درم عود خام یکمثقال کافور قیصوری نیم درم زعفران دانگی عنبر
اشهب نیم مثقال مشک ترکی دانگی و نیم شراب حماض نیم من شراب سیب اصفهانی چهل مثقال
شراب به اصفهانی بیست مثقال دارو ها کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی یکدرم این ترکیب
سی و چهار جزو است وزن آن شصت و هشت درم مزاج سرد است در دوم درجه اول خشک
در یک درجه و نیم مفرح یاقوتی خاص این نسخه مشهور است مفرح حسن این اخلاط آن مروارید
ناسفته یکدرم و نیم کهربا یکدرم و نیم بسد یکدرم یاقوت رمانی لعل آتشی حجر یشب زر ورق
نقره [illegible] زعفران از هر کدام یکمثقال بیوند چینی دو درم صندل سفید شش درم
صندل سرخ سه درم بهمنین شش درم تخم خرفه پنج درم تخم کاسنی نخود درم آمله مقشر کشنیز
خشک از هر یک پنج درم زرشک بیدانه هشت درم طباشیر سفید ورق گل سرخ از هر یک چهار
درم تخم خشخاش سفید پنج درم تخم کاهو سه درم پوست بیرون پسته نخود درم درونج عقربی

مفرح دلگشا

یاقوتی

یکمثقال مشک خالص دو درم عنبر اشهب پنج درم عود قماری پنج درم مصطکی یکمثقال پوست
ترنج سه درم آب به آب سیب از هریک بیست درم عرق بیدمشک پنجاه درم عرق گاوزبان
پنجاه درم گلاب پنج درم نبات سفید بکوبند نبات با عرقها بقوام آورند آب سیب و آب به اضافه
نمایند داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی یکدرم تا یکمثقال این ترکیب سی و یک
جز واست بغیر اشربه و نبات و عرق و گلاب وزن آن نود و هفت درم مزاج گرم است در دوم
درجه خشک است در اوایل درجه دوم یاقوتی خاصه نوعی دیگر مروارید ناسفته ده درم
کهربا یکدرم بسد یاقوت رمانی لعل بدخشی حجر لاجورد از هریک دو درم زر محلول نقره
محلول مافرفین زعفران ریوند چینی از هرکدام یکمثقال صندل سرخ صندل سفید بهمن سفید
تخم خرفه تخم کاسنی از هریک سه درم آمله مقشر کشنیز خشک از هریک پنج درم گاوزبان سه
درم زرشک بیدانه پنج مثقال طباشیر سفید چهار درم ورق گل سرخ چهار درم خشخاش
سفید سه درم تخم کاهو سه درم پوست بیخ بستنه پنج درم درونج عقربی مشک خالص
از هرکدام یکمثقال عنبر اشهب عود قماری از هریک پنج درم مصطکی یکمثقال پوست ترنج سه
درم عرق بیدمشک عرق گاوزبان گلاب از هریک پنجاه درم آب سیب آب به از هریک
بیست درم نبات بکوبند با عرقها بقوام آورند و به کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده بدان
بسرشند شربتی یکدرم این ترکیب سی و دو جز واست وزن آن نود و دو درم مزاج گرم
قریب بنصف درجه خشک است در اول درجه دوم ایضا مفرح یاقوتی خاصه مروارید
ناسفته کهربا بسد از هریک سه درم یاقوت رمانی لعل آتشی از هریک یکمثقال حجر یشب
عقیق از هرکدام یکدرم حجر لاجورد یکمثقال ورق گل سرخ طباشیر سفید گاوزبان صندل
سرخ و سفید زرشک بیدانه کشنیز خشک از هرکدام سه درم ابریشم مقرض دو درم
قاقله کبار درونج هندی از هرکدام یکدرم پوست ترنج سه درم مغز تخم خیار از هر
دو درم مصطکی یکدرم درونج عقربی یکمثقال پوست بیخ بستنه آمله مقشر از هریک
دو درم عود قماری سه درم دارچینی یکمثقال سعد یکمثقال سنبل یکدرم تخم خرفه زر
محلول نقره محلول از هرکدام یکمثقال حجر ارمنی یکدرم تخم کاسنی یکمثقال بهمن سرخ
بهمن سفید از هریک سه درم طین مختوم زعفران از هرکدام یکمثقال بادرنجبویه دو درم
مشک

مشک خالص نیم درم عنبر اشهب مشک از هرکدام یکدرم مافرفین یکمثقال آب به آب سیب از
هریک بیست درم عرق بیدمشک عرق گاوزبان از هریک پنجاه درم گلاب سی درم نبات و عسل
بکوبند عسل با عرقها بقوام آورده و آب سیب و آب به اضافه نمایند دارو به کوفته و بیخته و جواهر
صلایه کرده بدان بسرشند شربتی یکدرم این ترکیب چهل و چهار جز واست وزن آن هفتاد و دو درم هشتاد
مزاج گرم است قریب به نیم درجه خشک در یک درجه و ربع مفرح دلگشایی نوعی دیگر
پوست ترنج پنج درم بهمن سرخ و سفید از هریک دو درم و نیم هلیله سیاه دارچینی از هریک
سه درم ورق گل سرخ پنج درم قرنفل دو درم زعفران سه درم بادرنجبویه گاوزبان از
هریک پنج درم مغز بادام کهنه سفید خشخاش سفید از هریک سه درم مغز تخم خربزه مغز
تخم خیار بادرنگ از هریک پنج درم کشنیز یکدرم مشک ترکی یکمثقال روغن بادام پنجاه درم
نبات بکوبند ترنجبین سفید نیم من این نسخه بسیار خوب است وزن آن شصت و دو درم تخمینا
مزاج گرم است و خشک در اواخر درجه اول مفرح معتدل خفقان و ضعف دل زایل
کند و قوت هرچه تمامتر و نشاط بسیار آورد اخلاط آن بهمن سرخ بهمن سفید از هریک
پنج درم پوست هلیله کابلی دو درم گاوزبان شاهتره بادرنجبویه از هریک ده درم
کشنیز خشک طباشیر از هریک سه درم ابریشم مقرض پوست ترنج پوست بیخ بستنه
از هریک دو درم بسد کهربا از هرکدام یکدرم عود خام یکمثقال مروارید ناسفته دو درم
زرشک یکدرم درونج عقربی نیم مثقال مجموع کوفته و بیخته آب انار آب زرشک آب
به از هریک ده درم قند سفید صد مثقال شراب سیب ... مثقال قند صافی کنند و
با آنها بقوام آورند و نیم مثقال نقره محلول و نیم مثقال زر محلول در آن حل کنند و داروها
بدان بسرشند شربتی یکدرم این نسخه هفده جز است بغیر آب میوه و قند و طلا و نقره
وزن آن شصت و یکدرم مزاج معتدل است در حرارت و برودت و خشک است در
اواخر درجه اول مفرح ... خفقان و ضعف دل گرم را سودمند بود اجزای آن طباشیر
بهمن سفید و سرخ ورق گل سرخ گاوزبان از هریک چهار درم بهمن سرخ بسد
کهربا مروارید ناسفته از هرکدام یکدرم صندل سفید کشنیز خشک از هریک دو درم

تخم نیلوفر هشت درم زرشک بیدانه دوازده درم زر و ورق نقره از هر یک نیم درم پوست
بیرون پسته یکدرم قند سفید بگیرند عرق بید مشک نیم من قند با عرق بقوام آورده داروها
بدان بسرشند شربتی یکدرم تا یک مثقال این نسخه پانزده جز واست یعنی قند و عرق وزن
آن چهل و شش درم مزاج سرد است در نیم درجه خشک است در آخر یکدرجه ایضا مفرح

مفرح سرد

سرد مروارید ناسفته کهربا بسد سوخته گاوزبان گل ارمنی از هر یک دو درم طباشیر
یکدرم مشک ترکی نیم دانگ قند سفید ده درم اجزا کوفته و بیخته بگلاب بسرشند شربتی
یکدرم خفقان را سودا دارد این نسخه هفت جز واست با قند وزن آن بیست و یکدرم و نیم
دانگ مزاج سرد است در اوایل درجه اول خشک است در یکدرجه و نیم معجون الملوک
الاطبا این نسخه از املای اعظم مسیح الزمان شمس الملة والدین ابن هلال اردبیلی است نور الله
مرقده خاصیت این معجون بسیارست اما مخصوص است بچند چیز است اول آنکه باه را زیاده
کند و مجامعت و دل و دماغ را قوت دهد و نشاط زیاده کند و قضیب را محکم گرداند و
گونه نیکو کند استعمال کنند بعد از مجامعت تا از عرق النسا و نقرس و نقصان مجامعت و نقصان
منی و از جمله مرضهای عصبانی ایمن گردد شربتی از سه درم تا سه مثقال اجزای آن شقا
قولنجان خصیة الثعلب بهمن سرخ و سفید و [illegible] تودری سرخ و سفید لسان العصافیر
از هر یک سه درم [illegible] و سه مثقال [illegible] حب البلسان فلفل سفید مغز تخم
خربزه مغز تخم خیار بن تخم جرجیر [illegible] تخم شلغم تخم اسپست خشخاش سفید خسک
دانه تخم [illegible] تخم [illegible] که [illegible] انجره [illegible] تخم کند [illegible]
از هر یک دو درم [illegible] مغز بادام مغز پسته مغز حب الصنوبر کبار مغز حبة الخضرا مغز
حب القطن [illegible] از هر یک هفت درم دارچینی قرنفل سنبل الطیب اسارون
بسباسه کبابه چینی سعد کوفی [illegible] فلفل دراز [illegible] زنجبیل
بوزیدان [illegible] از هر یک دو درم ادویه را با هم بکوبند
و مغزها را با هم بکوبند و عنبر و مشک و زعفران با هم بسایند بعد از آن با سه چندان عسل
کف گرفته بسرشند و در ظرف چینی یا کاشی نگاه دارند و این معجون در [illegible] که
ذکر شد آزموده و مجرب است این ترکیب پنجاه و پنج جز واست وزن آن صد و چهل
وهفت

معجون بقراط

و هفت درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در سه ربع درجه معجون بقراط
حکیم این معجون را مفرح محرورین خوانند و این نسخه حنین بن اسحق از زبان یونانی بعربی نقل
کرده بجهت مامون خلیفه فرستاد و این معجون خاصیت بسیار دارد در امراض بلغمی و
سودائی و ضعف قلب و جنون و نسیان و وسواس و فکر و سعال قدیم و سل و دق
و صرع و بهق و برص و خفت دماغ و نقرس و مفاصل و درد معده و جراحات و د
ماميل و ذات الجنب و داء الفیل و داء الثعلب و [illegible]
بواسیر و زحیر و درد جگر و سپرز و تاریکی چشم را زایل کند و باه را زیادت کند و
خاصیت این معجون بسیار نوشته بود ما اختصار کردیم اخلاط آن [illegible]
[illegible] مشک تخم فرنجمشک حب الغار زراوند طویل از هر کدام یکدرم افیون
جند بیدستر حب بلسان اسارون سلیخه مصطکی از هر یک یکدرم و نیم مرمکی و
زرنباد و درونج عقربی تخم کرفس از هر یک دو درم زعفران جوز بوا قرنفل [illegible]
چینی قاقله کبار بسباسه اشنه دارچینی سنبل الطیب از هر یک سه درم بادرنجبویه
صبر سقوطری ده درم تربد مجوف سفید [illegible] بیست و پنج درم [illegible]
دوازده درم [illegible] از هر یک پنج درم سعد سفید حب محلب از هر یک
چهار درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک شش درم تخم جرجیر تخم [illegible] تخم کندنا
از هر یک دو درم [illegible] شیطرج هندی [illegible] از هر یک سه درم
مجموع کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کرده با سه چندان عسل کف گرفته بسرشند
و در ظرف چینی یا آبگینه کنند و شش ماه در میان جو نهند بعد از آن استعمال نمایند
و چندانکه کهنه تر گردد بهتر شود شربتی از دو درم تا هفت درم و با احتیاط باشند
این ترکیب چهل و پنج جز واست وزن آن صد و پنجاه و نه درم و نیم مزاج گرم است در آخر
درجه دوم خشک است در اوایل درجه سیم معجون لولوی این نسخه [illegible]
و این معجون را هفت خاصیت است قضیب محکم کند و [illegible] گشاده گرداند و اعصاب
دماغ را قوت دهد و شهوت را زیاده کند و در خون تغیر عظیم پیدا کند چنانکه
منی بلذت هر چه تمامتر بیرون آید و [illegible] بسیار شود و [illegible] مرده [illegible]

كند اگر خواهي آن مرواريد ناسفته بسايد از هر كدام يك مثقال انيسون بهمن سفيد از هر يك يك درم
كابلي اصل الذاب از هر يك نيم مثقال فقاح اذخر سعد كوفته ازك از هر يك نيم درم سليخه
دارچيني اسارون مصطكي از هر يك دانگي و نيم صمغ عربي كثيرا الزعفران دانگي با مثل ادويه
عسل كف گرفته بسرشند و در ظرف چيني يا آبگينه كنند و در وقت هنگام بجا صحت
يك مثقال با آب نيم گرم بخورد اين بغايت خوبست و در الجامع ذكر رفت مجربست اين نسخه يا تر
خوبست و وزن آن نه درم مزاج گرم است در ثلث درجه اول خشك است در يك درجه و ثلث
معجون انفع
معجون انفع اين معجون از جمله مفرحاتست و از معاجين كبارست و بعضي اطبا اين معجون را
از ترياق شمرده اند اخلاط آن قرنفل زنجبيل فوفل سنبل الطيب دارفلفل خيربوا جوز
بوا قاقله كبار شيطرج هندي دارچيني لسان العصافير درونج عقربي بادرنجبويه لسان
الثور مصطكي خولنجان فرنجمشك مرواريد ناسفته صندل زراوند مدحرج سليخه ياقوت
رماني ورق گل سرخ از هر يك دو درم بسباسه شش درم بوزيدان پنج سه درم زعفران
پوست بليله از هر كدام يك درم بهمن سرخ نيم درم عنبر اشهب مشك تركي از هر يك نيم دانك
مجموع ادويه را كوفته و بيخته و بغايت سحق كرده بعسل مصفا دو برابر ادويه بسرشند
شربتي يك مثقال اين تركيب نبي و مجربست و وزن آن پنجاه و نه درم و چهار دانك مزاج گرم
معجون بلادري
وخشك است در دو درجه معجون بلادري خاصيت اين تركيب بسيارست سود
مند بود تباهي مزاج سرد را و درد جگر و معده و سپرز و درد گرده و ريم و حيض كه
بسته باشد بگشايد و قولنج را نافع است و اين معجون مسهل است بمشقت و مرضهاي
كهن وامتلا كه از بلغم لزج غليظ بود دفع كند و نسيان و تاريكي چشم و عسر النفس را
زايل كند و خلطهاي فاسد پاك كند و بدن را قوت دهد و تقويت كند و تعديل در مزاج
بهم رساند و بادهاي بشكند و معده و جگر و سپرز بگشايد و درد سينه و ضعف نفس
و دل زايل كند و سودمند بود كسي را كه رنگ روي وي زرد شده باشد از نقصان
خون سودمند است در حبس خون در عرق چون از سردي بود و سودمند بود
در استسقائي كه از ضعف جگر بود و سردي آن سودمند بود جهت ربوا درد سر
وجع

جذام و برص و خلطهاي كه در گرده و مثانه بود بگدازد و خلطهاي سياه و سوخته و بلغم را بعد
عفن را پاك كند و قوت حرارت غريزي بدهد و زياده كند و اين معجون را خاصيت بسيارست جا
لينوس گويد كه اين معجون پيش از زمان ما تركيب كرده اند باسم ملكي كه در آن زمان بوده
از ملكان يوناني شربتي چهار مثقال در مطبوخ افتيمون و غاريقون استعمال نمايد اجزاي آن
صبر سقوطري بيست درم زعفران غاريقون دارچيني مصطكي روغن بلسان حب
بلسان فرفيون فلفل سياه دار فلفل مر خطيانا فقاح اذخر جماما از هر يك ده درم قسط
درونج افتيمون اقريطي از هر يك چهار درم اسارون سليخه سقمونيا از هر يك شش درم
سنبل الطيب سه درم اجزا را كوفته و بيخته با روغن زيت عسل كف گرفته بسرشند قوت
وي تا چهار سال باقي ماند اين تركيب بيست و دو جزوست و وزن آن نود و نه درم مزاج
گرم است در يك درجه و ربع خشك است در دو و ثلث برشعثا جهت درد دندان چون
بر وي نهند عظيم نافع بود و جهت قولنج نيم درم في و بدن اين تمام دارد و دردها ساكن
گرداند و قطع خون بكند و اين نسخه منسوب است بشيخ الرئيس و بعضي ملو بياد وي ذكر
كرده در قانون چنانكه پيش ازين اشاره رفت واقع شد اخلاط آن فلفل زنجبيل از هر يك
بيست مثقال افيون ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطيب عاقرقرحا فرفيون از هر كدام
يك مثقال با انگبين مصفي بقدر كفايت بسرشند اين نسخه هفت جزوست و وزن آن پنجاه و هشت
مزاج سرد است در يك درجه خشك است در آخر درجه سيم و اين نسخه بعينه نسخه برشعثا
مرفوذست كه صاحب جامع ذكر كرده و منسوب بشيخ ابو البركات بغدادي ساخته و
حكيم عماد الدين محمود نيز در رساله افيون ذكر كرده باين عبارت نزديكست كه شما
اين خبر رسيده باشد كه در زمين هند دو برابر كوچك متشابه در شكل متساوي
و در مقدار هستند يكي از ايشان بري حبشي و آن ديگر جوابست روي يكي از جوف
روي مقدار معلوم و وزني محدود از تخم سفيدان كاهي كه او را خداعة الرجال گويند
بعضي قريب ده عدد مرجان مقدار مساوي اول و از دموع جادي از و بيع سياها
مثل وزن دانه اول بعد از آنكه بپيدا نند و مقداري را كه اگر مقدار را اضافه كنند
تمثل آن مساوي اول شود در وزن و از شعر و صفا كه و اگر چه در نواحي بلاد ايشان

سفید

مثل زبد مقداری که نسبت مقدار ثانی از قبیل نسبت مقدار ثالث باشد باول انجو آنچه که در شکنبه گوسفند مینهند بجوشند وآن را حافظ الاطفال میخوانند وان پنج گوهری که کیفیت او گرم است و فعل او در زبان انسان ضد فعل است و در سایر اعضای بدن و آن پنجی که برآن حروف بسته اند وخوشبوی است از هریک ازین دو اها بگیرند مقداری که اگر اضافه کنند دو بار و در پنج ضرب کنند مساوی مقدار اول میشود که مفروض بود و از چیزی که نه جماد است و نه نبات و نه حیوان مشترک است میان نبات وحیوان در اتحاد مقدار طول شهر تا موضع داخل و بعد از آن بود نعیم جمله را در ظرفی که ضیق المسام باشد و باطن او املس باشد وسر او را نیک ببندند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو دانگ بعد از آن میگوید که مراد او در مرافق فلفل سفید و فلفل سیاه است و از خداعة الرجال مقصود پنج است چون تغیر عقل میدهد بخداع است لغة و دموع جاری از چشم سیاهان افیون است و شعر تصقالبه زعفران است و دوایی که در شکنبه گوسفند مینهند تا محفوظ بماند و متاکل نشود و فرفیون است و عرق حبلی عاقر قرحا است اصل مکه و ب علیه سنبل الطیب است و انچه نه جماد و نه نبات و نه حیوان است عسل است که با وجود غلیظ قوام از مسام تنگ بیرون می آید اما وزن اول که فلفل سفید است بلیت دوم که بنرالبنج است مثل اول سیم که افیون است ده است که دیگر با او اضافه میکنند بلیت میشود چهارم که زعفران است وزن آن پنج است که نسبت ثانی که افیون است از قبیل نسبت افیون است باول که فلفل سفید باشد و چون بنرالبنج بوزن فلفل است اعتبار نکرده و بنرالبنج را دوم خوانده و باقی را وزن بلیت که در تضعیف اول دو میشود و در تضعیف ثانی چهار و چون چهار را در پنج ضرب میکنند بیست میشود ذکر بعضی از معاجین متداوله که شیخ در قانون ذکر نکرده و در ذخیره و باقی کتب معتبر مثل منهاج و جوامع و غیر آن مذکور است معجون خیار شنبر قولنج بگشاید و خداوند مزاج گرم و خشک را موافق است اخلاط آن ترنجبین چهل درم بنفشه بیست درم نمک هندی رب سوس از هریک هفت درم تخم بادیان انیسون مصطکی از هریک پنج درم سقمونیا دوازده درم عسل خیار شنبر صد درم فانید

وعسل

چهارم معجون خیار شنبر

وعسل از هریک صد درم عسل و فانید بهم بگدازند و عسل خیار شنبر و پنج استار روغن گاو بآن بیامیزند و داروهای خشک کوفته و بیخته بآن بسرشند شربتی هفت درم اند لب بادیان صاحب جوامع میگوید که در کفایه سقمونیا پنج درم است و بنفشه چهل درم و بجای ده روغن گاو و قند دیگر روغن بادام ذکر کرده این نسخه نه مجرب است و وزن آن دیگر دیگر درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم و خشک است در آخر درجه اول معجون سکبینج سکبینج تخم کرفس از هریک جزوی سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در روغن بادام بسایند و سکبینج انزروت را بسرکه حل کنند و سقمونیا را سوده بآن بسایند و هاون تا همه یکی شود پس داروهای خشک بدان بسرشند شربتی از سه درم تا سه مثقال این نسخه مجرب است مزاج گرم است و خشک در آخر درجه سیم معجون حجر الیهود سنگ گرده را بریزاند و پاک کند اجزای آن مغز تخم خیار مغز تخم کدو مغز تخم خربزه کاکنج از هریک پنج درم حجر الیهود پنجاه درم با انگبین بسرشند شربتی دو درم این نسخه پنج جزو است وزن آن هفتاد درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم خشک است در یک درجه و سه ربع معجون عقرب سنگ مثانه بریزاند و پاک کند اخلاط آن عقرب سوخته سه درم حب الیانا یک درم و نیم زنجبیل یک درم فلفل دار فلفل از هریکی دو درم و نیم تخم کاکنج پنج درم و نیم حب بلسان چهار درم با انگبین بسرشند شربتی بالغ را دانگی اند رآب کرفس و بیخ تشمیز و نابالغ را نیم دانگ این نسخه هفت جزو است وزن آن بیست درم مزاج گرم است در نصف درجه اول خشک در اول درجه سیم معجون تعی خداوند بیماری کهن و درد سینه و حلق و سوسه و خداوند درد معده و اسود را که زحم را پاک کند و آواز صافی کند و باد را دور کند و خداوند درد سپرز را سود دارد اخلاط آن موبز منقی دانه بیرون کرده بیست و پنج درم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دار شیشعان از هرکدام یک درم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از ریق از هریک دو درم و نیم مر چهار درم انگبین مصفا شانزده درم مقل را بشراب صافی یا عصیر حل کنند و موبز دانه وار بیرون کنند و بشراب صافی نرم کنند بکوبند پس بهم بسرشند

معجون سکبینج

معجون حجر الیهود

معجون عقرب

معجون [illegible]

شربتی از جهت سینه و آلت دم زدن یکدرم با شراب زوفا و از جهت درد معده و حکّه و سپرز
با آب گرم و اندر بعضی نسخه‌ها اوار شیشعان نیست و علک البطم چهار درم است این نسخه دوازده
جز واست با انگبین وزن شصت درم مزاج گرم است در آخر دوم درجه خشک است در یکدرجه
و نیم معجون اصطمخیقون تباهی مزاج و درد معده ضعیفی دل و سوداء را اخلاط آن قسط
تلخ حاما سنبل الطیب سلیخه مصطکی از هریک دوازده درم زراوند طویل فلفل سیاه تخم
شبت تخم کرفس انیسون نانخواه زیره کرمانی دوقو فطراسالیون کاشم اسارون افسنتین
رومی تخم انجدان سیاه بوحنه دشتی نعناع از هریک چهار درم با انگبین کف گرفته بسرشند این ترکیب
بیست جز واست وزن آن بیست درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر
درجه سیم معجون مقل بادبواسیر را و بادی که اندر روده افتد بشکند و ...
مقعد را که خون آید سود دارد اجزای آن هلیله کابلی بلیله آمله تخم سنداب سعد تخم
کندنا تخم شاهسفرم از هریک پنج درم مقل پنجاه درم مقل را باب کنند تا حل کند و داروها
بدان بسرشند شربتی دو درم این نسخه هفت جز واست وزن آن هشتاد درم مزاج گرم است
در یکدرجه و نیم خشک است در آخر دوم درجه برشعثا نسخه ابوالبرکات بغدادی سود
مند بود مرضهای قلبی را از همه نوعی و درد معده که از باد گرم و سرد بود و مرار سوداء
داوی و وسواس و مالیخولیا و استسقا و بعضی دیگر سود مند بود و خاصیت این ترکیب
بسیار است صاحب منهاج ذکر آن کرده با آنجا رجوع نماید اخلاط آن فلفل سفید ناشر
فرفجستک خوبی زرنیخ ازرق از هریک ده درم زعفران زراوند طویل خبطیانا اصل
الغار مشوی جندبیدستر از هریک چهار درم حب الغار افیون مر از هریک هفت درم عاقرقرحا
سنبل الطیب ناردین از هریک دو درم جند بیدستر فرفیون از هرکدام یکدرم با انگبین
مصفا بقدر حاجت بسرشند این نسخه هجده جز واست وزن آن نود و نه درم مزاج گرم است
در سیم درجه خشک است در دوم درجه و نیم ذکر معاجین متداوله مستعمله که
در قرابادین قلانسی مذکور است معجون نسد نافع است انواع طبیعت را که از حدت دم
حادث شده باشد اجزای آن نسد مجهول شادنج عدسی مغسول کهربا حلنار طین
ارمنی طین مختوم دم الاخوین نشاسته اجزا مساوی یکدیگر برب به انقرد که کفایت
باشد

معجون اصطمخیقون

معجون مقل

برشعثا ابوالبرکات

معجون النسد از قرابادین

مفسق

باشد ممزوج سازند شربتی دو درم تا پنج درم با آب سماق یا عصاره لسان الحمل یا عصاره بقلة
الحمقا و در طبیخ اشیای قابضه تشنه و ضماداث و شیافات قابضه نفع میکند این ترکیب هشت
جز واست مزاج سرد است در سیم ربع درجه خشک است در آخر دوم درجه معجون بهق سیاه
هلیله کابلی هلیله سیاه بلیله افتیمون اجزا مساوی یکدیگر کوفته و بموبیز دانه بیرون کرده
مخلوط سازند شربتی مثل کرد کانی این نسخه چهار جز واست مزاج گرم است در نیم درجه
خشک است در دو درجه و نیم معجون ملین طبع را مزاج دارد و خلاو ند ... نفع کند اخلاط
آن تربد صمغ ده درم زنجبیل دو درم فانیذ دوازده درم اجزا را کوفته بفانیذ مخلوط
سازند و در وقت خواب یکدرم از آن بخورند این نسخه دو جز واست بغیر فانید وزن
آن دوازده درم است مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در سه ربع درجه
معجون محجه بویی دهن که از بلغم شود حادث شود اجزای آن ماذ و اطراف آس ...
آمله سعد سنبل پوست ترنج تفاح اذخر مصطکی اجزا مساوی یکدیگر مشک ...
جو ... هیل بوا زنجبیل از هریک نصف اجزای مذکور و موبیز دانه بیرون کرده
مثل جمیع ادویه شربتی از آن مثل کرد کانی بعد از آنکه قی کرده باشد و مسهل خورده
باشد مکرر و از غذاهای چرب و لزج احتراز نماید این نسخه یازده جز واست بغیر موبیز
مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در دو درجه و نیم معجونی که یحیی بن
خالد برمکی بجهت اوجاع مفاصل استعمال نموده و اثر آن را ظاهر شده اخلاط آن ده درم
اسارون زنجبیل زیره کرمانی دار فلفل از هریک دو درم بعسل مصفا بسرشند شربتی
دو مثقال با آب نیم گرم این ترکیب پنج جز واست وزن آن هجده درم مزاج گرم و خشک است
در یکدرجه و نیم معجونی که نافع است در معده را که از حرارت حادث شود اجزای
آن کهربا گل سرخ از هریک پنج درم عود خام سه درم زرشک پنج درم مصطکی زعفران
نانخواه از هریک سه درم سنبل زیره کرمانی از هریک دو درم تباشیر ده درم معجون
سازند شربتی دو درم بشراب سیب این نسخه نه جز واست وزن آن سی و یکدرم
مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در یکدرجه در ثلث معجون گل که انوا ...

جلنجبین عسل کو بیند اجزای آن گل سرخ خشک یک رطل ریزه ریزه کنند و باده رطل عسل در قاروره کرده چهل روز در آفتاب بگذارند و هر روز یکبار آن را حرکت دهند نافع است بتنهای بلغم را بعد
از آنکه ماده را نضج داده باشند در هفته یکبار از این معجون میشود مزاج این جلنجبین باید که
معتدل باشد لیکن گرم است در آخر درجه اول بواسطه آنکه کسب حرارت از آفتاب کرده
چنانکه در کتب طبی مذکور است خشک است در آخر درجه دوم معجونی که سنگ گرده و مثانه
بریزاند اخلاط آن عقرب سوخته سه درم و نیم خنطیانا و رومی نیم درم زنجبیل فلفل دارفلفل
فلفل از هریک دو درم و نیم پنج کاکنج پنج درم و نیم حندبیدستر چهار درم اجزا کوفته و بیخته
بعسل مصفا بقدر حاجت معجون سازند شربتی یکدانگ و نیم بعد از شش ماه استعمال
نمایند این نسخه هفتم است وزن آن بیست و یکدرم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث
خشک است در آخر درجه دوم معجونی که مسهل صفرا و بلغم است با هم کراهیتی ندارد
و نیکوست بجهت شخصی که ادویه کریهه را نتواند اشامید اجزای آن سقمونیا مشوی
تربد مقشر مشوی مغز بادام شیرین مقشر مغز فوطیم از هریک سه مثقال شکر طبرزد
بیست مثقال زعفران دو درم جمیع ادویه را کوفته و بیخته بعسل مصفا معجون سازند
شربتی از یکدرم تا یک مثقال این نسخه ششم است با شکر وزن آن سی و دو مثقال
و دو درم مزاج گرم است در دو درجه و ثلث خشک است در آخر دو درجه معجون
ماء اصفر هلیله زرد ده درم آمله چهار درم مازریون مدبر یک اوقیه فلفل
پنج درم زنجبیل چهار درم بعسل مصفا معجون سازند شربتی یک مثقال این نسخه پنج
جزو است وزن آن سی و سه درم بخش از هفت بخش یکدرم مزاج گرم است در دو درجه
و نیم خشک است در آخر سه درجه معجون حب صنوبر بجهت کوفتگی بول اخلاط آن دو فو
بیونه حینی حب بلسان اذخر انیسون سنبل سلیخه زعفران دارچینی اسارون فطرا
سالیون کمافیطوس سه درم نعناع خشک نیم صنوبر حب صنوبر الکبار سی درم
بعسل مصفی معجون سازند شربتی سه درم این ترکیب چهار جزو است و وزن
آن شصت و شش درم و نیم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث خشک است در آخر
درجه دو

درجه دوم معجون زوفا نافع است ربو و ضیق النفس را اجزای آن زوفای خشک رب
سوس بر سیاوشان از هریک ده درم قردمانا فلفل از هریک سه درم بادام تلخ زراوند
مدحرج از هریک پنج درم بعسل مصفا معجون سازند شربتی یک مثقال این نسخه هفت جز
واست وزن آن چهل و شش درم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث خشک
در یک درجه و ربع معجون حب الغار بادهای غلیظ را بتحلیل میبرد و نافع است
استسقای طبلی و قولنج ریحی و جمیع علل بادی را نافع میل هلهل درد پهلو را وقض
و نهد دیگر در شکم باشد اجزای آن حب الغار صد درم کاشم قطر اسالیون بادام تلخ
فلفل دارفلفل وج قونج از هریک سه درم جندبیدستر جاوشیر سکبینج از هریک دو درم
بعسل مصفا بسرشند شربتی یک مثقال تا سه درم با آب نیم گرم این معجون یازده جزو است
وزن آن یکصد و بیست هفت درم مزاج گرم است در آخر درجه سیم خشک است
در دو درجه و سه ربع معجونی که منع میکند مستی را اخلاط آن شاخ بز سوخته
مغز بادام تلخ کرنب نبطی فودنج جبلی ملح نفطی سداب خشک با مجموع اجزا یکدیگر
مساوی بعسل طبرزد معجون سازند این نسخه هفتم است مزاج گرم است در یک درجه
و نیم خشک است در دو درجه و ربع معجونی که پاک میسازد گرده را از سنگ
و می شکند سنگ را بی وزن مثانه را اجزای آن تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم
کدو تخم کاکنج از هریک پنج درم حجر الیهود پنجاه درم اجزا را کوفته نرم کرده بعسل
کف گرفته آن قدر که حاجت باشد معجون سازند دو درم تا سه درم این نسخه
پنج جز واست وزن آن هفتاد درم مزاج اگر حجر الیهود معتدل است مایل بیبوست
واکر بارد است در آخر درجه اول و بر هر تقدیر خشک است در آخر درجه اول معجون
برمکی نافع است بواسیر و ضیق النفس و درد بواسیر و درد حلق را و حب القرع را نیز دفع
میکند اخلاط آن ترنجبین سفید مقل سه درم هلیله کابلی آمله بلیلج کابلی مقشر

از هر یک درمی فانید و ... ادویه را نرم کوفته در آن ریزند و معجون سازند
شربتی از چهار درم تا ده درم با آب هویزانی ترکیب چهار جزو است وزن آن شش درم مزاج گرم
در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه معجون سنبل نافع است صلابت جگر و معده را
اجزای آن سنبل الطیب مصطکی تفاح اذخر حب الآس ریوند مویز طائفی فرکرده از هر یک
چهار درم زعفران مرهانی انیسون فلفل از هر کدام یکدرم از رق دو درم سلیخه پنج درم
ادویه را بالتمام کوفته و بیخته مقل و مویز را در مثلث بخیسانند و مجموع را در عسل
کف گرفته بقدر کفایت معجون سازند این نسخه پانزده جزو است وزن آن سی و
یکدرم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم معجون حلتیت نافع است تب ربع را
و نفخ سده میکند و بادها را تحلیل میبرد و نفع میکند لسع هوام را اخلاط آن
حلتیت فلفل مرسا بر اجزای این همه را نرم کوفته و بجز ... بیخته بعسل کف گرفته سه
وزن ادویه معجون سازند شربتی یکدرم این نسخه چهار جزو است مزاج گرم است
و خشک در آخر درجه سیم معجون افسنتین نافع است سده معده را و مفتح سده
و سیر ناست و ادرار بول مینماید اجزای آن انیسون تخم کرفس اسارون افسنتین
رومی مغز بادام مقشر اجزا مساوی یکی یکی مجموع ادویه را کوفته و بیخته بعسل
کف گرفته سه وزن ادویه معجون سازند این نسخه پنج جزو است مزاج گرم است
در سه ربع درجه خشک است در اول سه درجه معجونی که مسهل صفرا
و بلغم است ترید سفید محکوک نرم کوفته بیست درم سقمونیا پنج درم لباب
قرطم ده درم کثیرا مقشر مغز بادام شیرین مقشر از هر کدام سه درم شکر
سلیمانی ده درم اجزا را نرم کوفته بعسل کف گرفته معجون سازند و زعفران
دو دانگ در آن ریزند شربتی پنج درم تا شش درم وقت سحر با آب نیم گرم این
نسخه هفت جزو است با شکر وزن آن پنجاه یکدرم دو دانگ مزاج گرم است
در آخر دو درجه خشک است در اول درجه سیم معجونی که مسهل رطوبات است
از

از فاسد و بلغم از معده پاک میسازد و اعضا را از اخلاط آن اجزای آن ایارج فیقرا هلیله
از هر کدام ... سفید نیم اوقیه شحم حنظل یکدرم و نیم جمیع ادویه را کوفته بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی دو درم با آب نیم گرم این نسخه چهار جزو است وزن آن بیست و
هفت درم و نیم و پنج حبش و نیم از هفت حبش یکدرم مزاج گرم است در آخر درجه دوم
خشک است در اول درجه سیم معجون هندی منافع این ترکیب نزد ما بسیار است بمنافع
نوشدارو و نور چشم را زیاده میکند و معده را پاک میسازد و طبع را نرم میدارد و نفع
میکند اصحاب بواسیر را اخلاط آن فلفل دار فلفل هلیله سیاه قشر بلیله قشر
آمله قشر دیونه اجزا مساوی یکی یکی ادویه را کوفته و بروغن گاو چرب کرده بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی یک مثقال تا دو مثقال این نسخه ... است مزاج گرم
در آخر دو درجه خشک در اول درجه سیم معجون ریوند نافع است خناق ...
بلغمی و ضیق النفس را و پاکیزه میسازد معده و شش را از خلط غلیظ اجزای آن رب
السوس زوفا خشک ... از هر یک دو درم ... فلفل دار فلفل سفید
مغز بادام تلخ زراوند مدحرج تخم الجزر از هر یک پنج اجزا را کوفته بعسل مصفا معجون
سازند شربتی سه درم بطبیخ زوفا این نسخه نه جزو است وزن آن سی و شش درم
مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در اول درجه سیم معجون خیار
چنبر نافع است ... و موافق ... مزاج است اخلاط آن ترید سفید محکوک
چهل درم بنفشه پسته درم نمک هندی رب السوس از هر یک هفت درم تخم بادیان
مصطکی انیسون از هر یک پنج درم سقمونیا دوازده درم عسل خیار چنبر صد درم
فانید صد درم عسل صد درم اجزا را کوفته بروغن بادام چرب کنند و معجون
سازند شربتی هفت درم با آب ... این نسخه نه جزو است یعنی فانید و
عسل وزن آن دویست و یکدرم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه دو درجه و در
کفایه سقمونیا پنج درم است و بنفشه چهل درم ... مزاج گرم خواهد بود در
یک درجه و دو ثلث خشک است در یک درجه و ثلث معجون بنفشه مسهل صفرا
و بلغم است و نفع میکند ... اجزای آن بنفشه چهل درم سقمونیا ...

المتوس المقشر از هر یک بیست درم گل سرخ ده درم کثیرا صمغ و از یانه از هر یک پنج درم زعفران
دو درم و نیم شکر طبرزد صد درم عسل صد درم شکر را باید پخت تا بقوام آید بعد از آن
عسل در آن ریخته ادویه را کوفته با آن مخلوط ساخت شربتی چهار درم تا پنج درم این نسخه
هفت جز واست بغیر شکر و عسل وزن آن یکصد و دو درم و نیم مزاج گرم است و خشک در
آخر درجه ایضا معجون بنفشه قولنج را بگشاید و مسهل بلغم و صفرا بود اخلاط آن
تشکر ترنجبین منقی فلوس خیار چنبر از هر یک پنجاه درم بنفشه ده درم مصطکی پنج
درم تربد سفید بیست درم رب سوس پنج درم مغز بادام مقشر ده درم شکر و ترنجبین
صاف کرده باقی اجزا را با آن مخلوط سازند شربتی چهار مثقال تا ده مثقال این نسخه
هشت جز واست وزن آن دویست درم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است
در یک درجه و ربع ایضا معجون بنفشه مسهل صفرا و بلغم است و قولنج را نافع است اخلاط
آن تربد سفید چهار درم سقمونیا هفت درم بنفشه سی درم گل سرخ ده درم تخم رازیانه
کثیرا از هر یک پنج درم زعفران دو درم و نیم شکر طبرزد صد درم شکر را گداخته عسل
با آن مخلوط سازند و بعد از آن ادویه را کوفته بیخته با آن معجون سازند شربتی پنج
درم این نسخه هفت جز واست بغیر شکر و عسل وزن آن نود و نه درم و نیم مزاج گرم است
و خشک در یک درجه و نیم معجون مقوی شهوت رمیه را چون کالخی بدن و الکشت و
سیاه شدن بدن و مثل آن را نافع سازد اجزای آن ایارج فیقرا دوازده درم قشور
هلیله کابلی بلیله آمله فلفل دار فلفل از هر یک دو درم اجزا را کوفته و بیخته بعسل مصفا
معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم بطبیخ قولنج این نسخه پنج جز واست وزن
آن بیست درم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است در دو درجه و ثلث
معجونی که ملین طبیعت در هر وقت و حفظ صحت میکند اخلاط آن اسطوخودوس
هشت درم انیسون یک درم مغز بادام مقشر هشت درم اجزا را بکوبند و بعسل معجون
سازند این نسخه سه جز واست وزن آن هفده درم مزاج گرم است در آخر یک درجه
خشک است در یک درجه و نیم معجونی که دماغ را پاک کند منسوب است بیونس
ماهر

سا هر اجزای آن ایارج فیقرا شش درم شحم الحنظل مصطکی محموده انیسون غاریقون از هر کدام
یک درم اسطوخودوس دو درم ملح هندی نیم درم اجزا را کوفته بعسل کف گرفته معجون سازند
شربتی یک مثقال این نسخه دوازده جز واست وزن آن بیست و شش درم مزاج گرم است در آخر
درجه دوم خشک است در آخر درجه سیم معجونی که نافع است قولنج او معجون سناخلاط آن
سکبینج ده درم لب قرطم بنجاه درم بفایند معجون سازند شربتی پنج درم این نسخه دو جز واست
وزن آن شصت درم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه معجون مختصر نافع است زلق
امعا را اجزای آن نانخواه کندر جلنار پوست بیخ و زن بسته از هر یک سه درم اجزا را کوفته
که بادام کوفته باشد مخلوط سازند شربتی مثل گردکانی این نسخه چهار جز واست مزاج گرم است
در یک درجه و ربع خشک است در یک درجه و نیم مفرح کبیر که معمولا نافخر الدین طبیب مجتهد
سلطان یعقوب بدل شراب ترتیب داده اخلاط آن یاقوت زرد یاقوت رمانی از هر یک
شش درم تنبل کهربا باد رنجبویه از هر کدام یک درم گاو زبان پوست اترج از هر یک شش درم
بهمن سرخ و سفید سنبل الطیب قرنفل کبابه چینی از هر یک یک درم و نیم زرنباد چهار درم نارمشک
دو درم و نیم عقرقرحا از هر یک سه درم قاقله کبار یک درم زرنباد قاقله صغار از هر یک
یک درم و نیم ساذج سعد شقاقل از هر کدام چهار درم طباشیر شش درم صندل سرخ
و سفید از هر یک سه درم زرشک نیلوفر از هر یک چهار درم گل مختوم گلنار رومی از
هر کدام یک درم زعفران چهار درم ابریشم مقرض شش درم عنبر سه درم مشک دو درم
قاد زهر سه درم حب طار یک درم و نیم ورق طلا یک درم ورق نقره یک درم و نیم آب به آب
انار از هر یک صد و بیست درم گلاب عرق گاو زبان از هر یک سه درم نبات مصری شصت
درم نبات را در آبها و گلاب و عرق گداخته بقوام آورده اجزا را کوفته و بیخته در آن ریزند
و معجون سازند و در ظرف چینی یا آبگینه کرده بعد از شش ماه استعمال نمایند این ترکیب
سی و شش جز واست بغیر از گلاب و عرق و آبها وزن آن یکصد و چهار درم و نیم مزاج
گرم است در نیم درجه خشک است در اول درجه ثانی مفرح کبیر که حکیم افضل الملک
نواب خلد مکانی ابراهیم قطبشاه نور الله مرقده ترتیب داده اجزای آن یاقوت
سرخ مروارید ناسفته بسد ناسفته شقاقل طباشیر صندل سرخ صندل سفید
تخم کشنیز بیست هلیله کابلی آمله مقشر تخم کاسنی از هر یک دو مثقال ... مرخ

بهمن سفید سنبل قرفه کبابه چینی درونج عقربی قاقله کبار قاقله صغار بعبر کل مختوم کل
ارمنی یا زهر حیوانی مازریون خطائی از هر کدام یکمثقال زنجبیل زرنباد سادج هندی
سعد کوفی زرشک بیدانه نیلوفر مصطکی از هر یک سه مثقال گاوزبان پوست ترنج
باد رنجبویه عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال مشک نیم مثقال و دق ملا
ده مثقال و قنفره پنج مثقال آب به آب سیب ملا آبا نار گلاب عرقی بید مشک عرق
گاوزبان از هر یک چهار مثقال نبات بکوبند اجزا را نرم کوفته و بیخته بعسل نقد
کفایت معجون سازند این ترکیب جهل و بیخ واست نبات و عسل و گلاب و عرق
وآب فواکه وزن آن نود و چهار مثقال و نیم مزاج گرم است در اوایل ربع درجه دوم
اول خشک است در سه ربع درجه اول معجون قداد یقون منقول از اختیارات
اخلاط آن زعفران الخدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز حلغوزه از
هر یک شش درم مغز بادام تلخ کنند از هر یک دو درم فلفل هشت درم اجزا را کوفته
بعسل نقد را حتیاج معجون سازند این نسخه ده جزو است وزن آن پنجاه و چهار
درم مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است در آخر درجه ایضاً معجون
قداد یقون زعفران کاشم تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز حلغوزه از هر یک شش درم
قرفه فلفل قرنفل جوز الطیب دارچینی از هر یک سه درم تخم انیسون عود الصلیب
از هر یک پنج درم عسل سه وزن ادویه این ترکیب چهارده جزو است وزن آن
شصت و شش درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم مفرح معتدل عماد
الدین محمود ترتیب داده اجزای آن یاقوت رمانی مروارید ناسفته بسد کهربا از
هر کدام یکمثقال گاوزبان صندل سفید از هر یک سه مثقال صندل سرخ دو مثقال
گل سرخ چهار مثقال مصطکی فرنجمشک درونج عقربی تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک
دو مثقال سادج هندی یکمثقال زرنباد دو مثقال کشنیز خشک سه مثقال
قاقله دو مثقال گل مختوم گل ارمنی سنبل دارچینی قرنفل از هر کدام یکمثقال ابریشم
مقرض پوست ترنج از هر یک دو مثقال شیره زرشک پنج مثقال شیره آمله هشت
مثقال زعفران چهار مثقال کافور یکمثقال عنبر سه مثقال مشک طلا از هر یک
یکمثقال.

یکمثقال نقره دو مثقال عسل و قند سه برابر اجزا این ترکیب سی و پنج جزو است وزن آن هفتاد و شش
مثقال مزاج گرم است در اوایل درجه اول خشک در اواخر آن مفرح یاقوتی شیخ الرئیس که در رساله
قلبیه ذکر کرده و منقسم بسه قسم ساخته قسم اول که اصل و وسط است این است اخلاط آن مروارید
ناسفته کهربا بسد از هر کدام یک درم و نیم ابریشم مقرض سرطان نهری محرق از هر کدام یکمثقال و یکدانگ
لسان الثور پنج درم سحالة الذهب دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج تخم بادرنجبویه ورق
بادرنجبویه از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ عود هندی بحری رومی الاجود مصطکی
سلیخه دارچینی زعفران هیل بوا قاقله کبار کبابه بسباسه از هر کدام یکمثقال ابریشم خام ده درم
ونیم اسطوخودوس سه درم جدوار یکمثقال دو درج دو مثقال تخم کاسنی پنج درم بزر القثا
چهار درم ترنجبین ده درم گل سرخ چهار درم مشک دو مثقال کافور نیم مثقال عنبر
یکمثقال سنبل سادج از هر یک دو درم عسل دو وزن و نیم ادویه این نسخه سی و هفت جزو است
وزن آن هشتاد و پنج درم و یکدانگ مزاج گرم است در سه ربع درجه اول خشک است
در یک درجه و نیم قسم دوم که مجهول حار و رطب مزاج قرار داده این است اجزای آن مروارید
ناسفته کهربا بسد از هر کدام یک درم و نیم ابریشم سرطان نهری محرق از هر کدام یکمثقال و
یکدانگ لسان الثور پنج درم سحالة الذهب دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج تخم
بادرنجبویه ورق بادرنجبویه از هر یک سه درم بهمن سرخ و سفید عود هندی
بحری رومی الاجود مصطکی سلیخه دارچینی از هر کدام یکمثقال زعفران نیم درم هیل
بوا قاقله کبار کبابه بسباسه از هر کدام یکمثقال شاهتره پنج درم سنا مکی چهار
درم اسطوخودوس سه درم جدوار یکمثقال درونج دو مثقال تخم کاسنی پنج درم
بزر القثا چهار درم ترنجبین ده درم مشک نیم مثقال کافور نیم مثقال عنبر یکمثقال
سنبل دو درم سادج دو درم تخم بقله الحمقا هشت درم طباشیر پنج درم تخم کاهو ده درم
صندل سه درم عسل دو وزن و نیم ادویه این نسخه چهل و دو جزو است وزن آن
یکصد و دوازده درم و نیم تخمینا مزاج گرم است در نصف درجه اول خشک است در نصف
آخر درجه دوم قسم سیم که مجهول حار و یابس مزاج قرار داده این است اخلاط آن مروارید
ناسفته کهربا بسد از هر کدام یک درم و نیم ابریشم یکمثقال و یکدانگ سرطان یکمثقال و یکدانگ
لسان الثور پنج درم سحالة الذهب دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج تخم بادرنجبویه ورق

بادرنجبویه از هریک سه درم بهمن سرخ و سفید عود حجر ارمنی حجر لاجورد مصطکی سلیخه
دارچینی از هرکدام یکمثقال زعفران نیم درم هلیله بوا قاقله کابلی کبابه بسباسه
هرکدام یکمثقال افتیمون ده درم ونیم اسطوخودوس سه درم جدوار یکمثقال و نیم
دو مثقال بزرالهند بالنجد درم بزرالقثا چهار درم ترنجبین ده درم گل سرخ چهار
درم مشک دو مثقال کافور ربع مثقال عنبر یکمثقال سنبل ساذج از هریک دو درم
قشور جوز بوا قشور اترج عود بلسان زنجبیل قلقل از هریک سه درم جند بیدستر
دو مثقال عسل بقدر احتیاج این ترکیب چهل و سه جزو واقعست و وزن آن شصت
و نه درم و پنج دانگ و بیست و دو مثقال و سه دانگ و نیم که مجموع یکصد و ده درم
باشد تخمینا مزاج گرم است در یکدرجه خشک است در نصف آخر درجه دوم مفرح
یاقوتی مالیخولیا منقول از شرح سدیدی اخلاط آن لسان الثور بادرنجبویه
بزر فرنجمشک بهمن سرخ و سفید از هریک هفت درم دارچینی کشنیز خشک ابریشم
کهربا بسد عود هندی ابریشم خام مروارید ناسفته از هریک دو درم زعفران
یکمثقال قرنفل دو درم زرنباد درونج از هریک سه درم طلا نقره یاقوت سرخ
مشک از هریک نیم مثقال زرنب دو درم کبابه قاقله از هریک سه درم آمله کابلی
کرده در شراب خولیسا بخیسانند و در سایه خشک کرده بلیلج ده درم گل سرخ
پنج درم جاده صندل سفید سه درم ادویه را نرم کوفته و جواهر را جدا سحق
نرم کرده و شیر سماق و عسل هلیله کابلی مربی نیم رطل و جلابی که بقوام عسل
باشد یک من و نیم و باید که در جلاب آب سیب و گلاب داخل کنند و ادویه را با آن سرشته
و در ظرف چینی یا مثل آن نگاه دارند و بعد از آن شش ماه استعمال نمایند شربتی
یکمثقال تا دو مثقال این ترکیب بیست و هفت جزو واقعست و وزن آن نود و نه درم تخمینا
مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است قریب بیک درجه و نیم ایضا مفرح
یاقوتی اجزا اول ایضا منقول از سدیدی اجزای آن قرفه قرنفل دارچینی سنبل الطیب
فرنجمشک درونج از هریک ده درم زرنباد کبابه قاقله از هریک پنج درم نار مشک
عود هندی اسنز ساذج از هریک سه درم زعفران مصطکی از هرکدام یکمثقال
عنبر

عنبر اشهب یکمثقال مشک نیم مثقال ورق طلا ربع مثقال آمله مربی سرخ خولیسا بخیسانند و در سایه
خشک کرده ده درم ادویه را نرم کوفته بعسل هلیله مربا آنقدر که کفایت کند خمیر سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از یکمثقال تا دو درم این ترکیب ده جزو واقعست و وزن آن یکصد
و ده درم و یک دانگ و نیم مزاج گرم است در دو درجه خشک است در دو ربع مفرح بارد منقول
از شرح سدیدی اخلاط آن خشخاش سفید طباشیر گل سرخ از هریک ده درم بزرالقثا بزرالخس
کشنیز خشک عصاره زرشک طین ارمنی شیر آمله لسان الثور از هریک پنج درم نقره یکمثقال
صندل سفید مروارید ناسفته بسد کهربا از هریک سه درم بادرنجبویه بهمن سفید سرخ
دو درم ابریشم خام پوست بیرون پسته از هریک دو درم فرنجمشک عود هندی از هرکدام
یکمثقال یاقوت سرخ ربع مثقال کافور نصف مثقال زعفران نیم درم بشراب سیب خمیر
کنند شربتی یکمثقال این ترکیب بیست و هفت جزو واقعست و وزن آن یکصد درم مزاج سرد است در ثلث
درجه اول خشک است در یکدرجه و ثلث مفرح ضعیفی بارد منقول از شرح سدیدی
اخلاط آن کشنیز خشک دو درم گل سرخ طباشیر از هرکدام یک درم کافور دو قیراط بشراب
سیب سرشته شربتی یکمثقال بشراب سیب یا حماض این ترکیب چهار جزو واقعست و وزن آن
چهار درم و دو قیراط مزاج سرد است در دو درجه خشک است قریب بسه درجه مفرح معتدل
منقول از شرح سدیدی تقویت دل میکند و نشاط می‌آورد و نفع میکند خفقان را و
دل را نیکو کرداند و اشتهای طعام پیدا آورد و رنگ را درست کرداند و نفع میکند تب
و تشنگی را اخلاط آن مروارید ناسفته بسد از هریک ده درم کهربا پنج درم صندل سرخ
و سفید از هریک هشت درم لسان الثور گل لسان الثور از هریک هفت درم فرنجمشک
شش درم گل سرخ هفت درم زرنباد چهار درم طباشیر هشت درم تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه
از هریک چهار درم زعفران عنبر از هریک دو درم کافور ریحانی یکدرم مشک
تبتی نیم مثقال عود خام ده درم کشنیز خشک پنج درم خشخاش چهار درم بنفشه خشک
چهار درم طین ارمنی چهار درم اجزا را بالتمام نرم کوفته بحریر بیخته بشراب سیب شکری
معجون سازند این ترکیب بیست و سه جزو واقعست و وزن آن یکصد و سی و هفت درم و نیم مثقال
مزاج گرم است در اوایل درجه اول خشک است در یکدرجه و سه ربع مفرح افلاطون که
حکیم عماد الدین محمود ترکیب داده اجزای آن عود سه درم سنبل قرنفل هیل جوز زعفران

از هر یک پنج درم زرنباد ده درم درونج خصیة الثعلب از هر یک سه درم تخم شلغم تخم ترب از هر یک
پنج درم تودری سرخ و سفید خولنجان از هر یک ماهی سقنقور اعرابی شقاقل مکی از هر یک سه
درم حب الزلم نارجیل مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز تخم خیار مغز تخم خربزه از هر یک
پنج درم فلفل بن فلفل زنجبیل از هر یک ده درم افیون پانزده درم مصطکی سه درم جدوار دو
درم جوز بوا بسباسه از هر یک پنج درم مشک سه قیراط یاقوت سرخ پنج درم عنبر دو درم
سمکه صیدا سه درم الجوکاتبه حبنی دارچینی از هر یک پنج درم ورق طلا و ورق نقره از هر یک
دو درم عسل سه وزن ادویه این ترکیب سی و هشت جزو است و وزن آن یکصد و هشتاد و
چهار درم و سه دانگ مزاج گرم است در بدایه درجه اول خشک است در دوم درجه مفرح حار
منقول از قرابادین نجیبی نافع است خفقان و وحشت و مالیخولیا را اخلاط آن بادرنجبویه
ابریشم درونج فی نقل فرنجمشک زعفران مصطکی جوز بوا قاقله زرشک بهمن سفید زرنباد درونج
تخم بادرنجبویه تخم فرنجمشک اجزا مساوی یکی یکی مثقال عشر جزو بعسل هلیله و آمله مربا جمیع
سازند این نسخه هفده جز واست مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم مفرح معتدل
ایضا منقول از قرابادین نجیبی اجزای آن لسان الثور و گل گاوزبان مروارید کشنیز خشک بهمن سفید گل
سرخ پوست اترج ابریشم سفید تخم خرفه از هر یک دو درم بعسل هلیله مربا بسرشته این
نسخه نه جز واست و وزن آن هجده درم عسل هلیله دو وزن ادویه مزاج معتدل است
در گرمی و سردی خشک است قریب به نصف درجه مفرح بارد نافع است خفقان و ضعف
دل که حادث از حرارت باشد و از تب و از خمار و تشنگی را بنشاند اخلاط آن گل سرخ و رق
نیلوفر از هر یک ده درم مروارید ناسفته بسد کهربا لسان الثور صندل سرخ و سفید
طباشیر خشب الکندر کشنیز خشک پوست درخت کافور از هر یک سه درم بهمن سرخ
و سفید تخم فرنجمشک بزر شاهسفرم تخم بادرنجبویه تخم خرفه تخم کاهو تخم کاسنی
تخم قثا تخم قند از هر یک دو درم کافور یک مثقال شکر طبرزد که بکثیره سبب بقوام آورده
باشند معجون سازند این ترکیب سی و سه جزو است وزن آن هفتاد درم و یک مثقال
مزاج سرد است در سه ربع درجه خشک است در آخر یکم درجه معجون لبوب
منقول

منقول از قرابادین نجیبی کلیه را قوی کند و باه را زیاد کند اجزای آن مغز فندق و مغز پسته مغز حب
صنوبر کبار مغز بادام کنجد مقشر تخم خربزه خشخاش سفید از هر یک شش درم تخم قثا تخم قند از هر یک
سه درم شقاقل بوزیدان بهمن سرخ و سفید لسان العصافیر خولنجان دارچینی از هر یک دو
درم فانید ده استار عسل نصف فانید شربتی پنج درم مداومت نمایند این ترکیب شانزده
جز واست و وزن آن شصت و دو درم فانید شصت و پنج درم عسل سی و دو درم مزاج
گرم است در یک درجه و نیم خشک است در سه ربع درجه معجون لبوب کبیر منقول از اختیارات
بدیعی خاصیت این معجون آن است که دل و دماغ را قوت دهد و نشاط زیاده کند و منی بیفزاید
و گرده و لشتر اعضا محکم گرداند و نعوظ تمام آورد و درد رحم معدت قوت ... تمامتر دهد اخلاط
آن مغز بادام مغز فندق مغز پسته مغز حبة الخضرا مغز کردکان جوز هندی مغز انجدان
مغز جلغوزه مغز تخم خربزه مغز حب الزلم کنجد مقشر خشخاش سفید از هر یک ده درم کبابه
قرنفل خولنجان قرنفل شقاقل مصری از هر یک پنج درم مصطکی بسباسه لسان العصافیر
سنبل الطیب از هر یک سه درم بهمن سرخ و سفید تخم هلیون تودری زرد تودری
سرخ و سفید بوزیدان مغاث تخم جرجیر تخم شلغم تخم اسفست تخم پیاز تخم کندنا از هر یک
شش درم خصیة الثعلب قرفه ده مثقال تخم الجزر خشک مربا کشمش ... کاو خشک
کوهی و شوده از هر یک چهار درم مغز دماغ گنجشک نر که در وقت هیجان گرفته باشند
ده درم زعفران زنجبیل نارمشک فرنجمشک دارفلفل از هر یک سه درم عسل نقد در
حاجت شربتی دو مثقال غذا نخود آب باقلیه باز زرده تخم مرغ نیم برشت یا کباب یا بیان
خام با آب گوشت مناسب بود و از ماست و ترشی و سردی احتراز کنند این ترکیب چهل
و پنج جز واست و وزن آن دویست و نود درم و نیم تخمینا مزاج گرم است در یک درجه و نیم
خشک است در اوایل ربع آخر درجه اول معجون لبوب مستعمل خاصیت وی آن است
که منی بیفزاید و گرده را قوت دهد و نعوظ تمام آورد و سردی و ریگ از مثانه پاک
کند و هر دو یا ست اجزای آن مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز نارجیل مغز جلغوزه
مغز حبة الخضرا مغز حب الزلم مغز حب قلقل کنجد مقشر تودری زرد و سرخ تخم شلغم
تخم کزر تخم اسفست تخم پیاز لسان العصافیر تخم الجزر بهمن سفید زنجبیل دارفلفل
کبابه بهمن سرخ دارچینی خصیة الثعلب قرفه شقاقل مصری خولنجان هلیون از هر یک

سش درم عسل بقدر حاجت و بعضی از اطبا از انجره احتراز نمایند بسبب تشنجی که در وی هست
صاحب اختیارات بدیعی میگوید که من بسیار تجربه کرده ام در تقویت باه بعد از خصیة الثعلب
هیچ چیز با انجره نمیرسد خاصه اگر با شیر گاو تازه بخورند سه روز بیابی اگر چه صاحب
منهاج آورده که چون با مثلث خورند مقوی باه بود لیکن اکثر آن است که شیر اصلاح آن میکند
و دفع سمیت آن مینماید شربتی ازین معجون یکمثقال تا دو درم این ترکیب بیست و هفت جزو است
و وزن آن یکصد و شصت و هشت درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در آخر
یکدرجه معجون لبوب نوعی دیگر نسخه غریب خاصیتش آن است که منی بیفزاید و لعوظ تمام
آورد و گرده و لنیت را قوت دهد اجزای آن مغز پسته مغز فندق مغز چلغوزه نارجیل
از هر یک پنج درم مغز بادام کهنه مقشر از هر یک ده درم لسان العصافیر حب الرشاد تخم شلغم
از هر کدام یکدرم فانید ده درم زنجبیل کبابه دار فلفل دراز از هر یک دو درم بهمن سرخ
و سفید تودری سرخ و زرد از هر یک چهار درم خشخاش تخم کزر تخم شلغم تخم پیاز
تخم انجره از هر یک دو درم عسل بوزن ادویه شربتی یکمثقال تا دو مثقال این نسخه بیست و
سه جزو است با فانید وزن آن هشتاد و هفت درم مزاج گرم است در اول و آخر درجه دوم
خشک است در آخر یکدرجه نوعی دیگر معجون لبوب خاصیت وی آن است که گرده را قوت
دهد و لعوظ تمام آورد و منی بیفزاید اخلاط آن مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز چلغوزه
کهنه مقشر از هر یک پنج درم هلیون شقاقل از هر یک شش درم تودری سرخ و سفید
بهمن سرخ و سفید از هر یک سه درم تخم تره تیزک تخم پیاز تخم انجره تخم کزر تخم شلغم لسان
العصافیر از هر یک دو درم تخم اسپست قند سفید از هر یک بیست درم عسل سه وزن
ادویه شربتی یکمثقال تا دو مثقال این ترکیب نوزده جزو است با قند وزن آن یکصد و
یکدرم مزاج گرم است در یکدرجه و نیم معتدل است در یبوست و رطوبت نوعی دیگر
معجون لبوب خاصیت وی آن است که منی بیفزاید و لعوظ تمام آورد و هر دو وی مزاج را
بغایت سود دهد و مجرب است اجزای آن مغز بادام مغز فندق مغز چلغوزه مغز تخم
مغز نارجیل مغز حب الزلم مغز حب القلقل مغز پسته از هر یک ده درم زنجبیل دار
فلفل دار مشک از هر یک دو درم و نیم فانید که آن را کعب الغزال گویند سه وزن داروها
فانید

فانید را با قند و یا آب یکجا آرند و ادویه کوفته و بیخته بدان بسرشند و آن فانید که آورده اند
میباشد میباید که قطعا استعمال نکنند این نسخه یازده جزو است و وزن آن هشتاد و هفت
درم و نیم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در سه ربع درجه نوعی دیگر
معجون لبوب خاصیت وی آن است که عروق را بگشاید و قضیب را سخت کند و هم بجوهر وی
مزاج را شایسته بود اخلاط آن مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز بادام مغز حب الزلم مغز پسته
کهنه مقشر شقاقل مصری خشخاش سفید تودری زرد و سفید بهمن سرخ و سفید از هر یک
پنج درم ادویه که خشک باشد جدا کوفته و هر چه لبوب باشد جدا کوفته بوزن مجموع قند
کوفته اضافه کنند و با آب ترنجبین معجون سازند شربتی دو درم این نسخه سیزده جزو است
وزن آن شصت و پنج درم مزاج گرم است در یکدرجه و نیم خشک است در ربع سیم درجه
اول معجون بزر و الباء مستعمل صاحب اختیارات این معجون در امر مجامعت فعل عجیب میکند
و در این باب بغایت است اجزای آن تخم کزر تخم شلغم پیاز تخم کندنا تخم تره تیزه تخم اسپست
تخم جرجیر تخم هلیون مغز چلغوزه مغز حب القلقل مغز حب الزلم بوزیدان مسطیشری
تودری سرخ و سفید و زرد لسان العصافیر شقاقل بهمن سرخ و سفید دار فلفل
حب الرشاد حلتیت قرفه از هر یک شش درم اجزا را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته بسرشند
شربتی سه درم با شیر تازه بیاشامند این نسخه بیست و سه جزو است وزن آن یکصد و
سی و هشت درم مزاج گرم است در اوایل درجه سیم خشک است در اواخر درجه اول معجون
که باه را زیاده کند منقول از قرابادین خمسه تحفه باه را زیاده کند و دل را تقویت
دهد اخلاط آن گل سرخ سه درم لسان الثور پنج درم تخم شاهسفرم چهار درم
تخم خرفه سه درم بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم تودری زرد و سرخ از هر یک
دو درم و نیم تخم خرفه خربزه تخم کاهو کدو تخم خیار از هر یک سه درم بترنجبین
یا شکر معجون سازند این نسخه پانزده جزو است وزن آن سی و سه درم مزاج گرم است
و رطب قریب به نیم درجه قولنج بادی را [illegible] و طبیعت را نرم سازد و درد ها را
فرو نشاند و جواب آن دعا اخلاط آن فلفل نانخواه وج سداب [illegible]
[illegible] حب الغار افتیمون [illegible]
اجزا را کوفته و بیخته بعسل مصفا [illegible] معجون سازند شربتی یکمثقال این نسخه یازده

جزو است مزاج معتدل است در گرمی و سردی خشک است در آخر درجه [illegible] این ترکیب
مسهل نیست بلکه [illegible] و منقی [illegible] و بادهای غلیظ را میشکند اجزای آن فلفل نانخواه
شونیز حب الغار [illegible] بزرالبنج [illegible] از هر یک اوقیه بعسل مصفی سازند
این نسخه نه جزو است وزن آن نه اوقیه که [illegible] باشد عسل چهار اوقیه مزاج معتدل
است در گرمی و سردی خشک است در دوم درجه [illegible] ذکر نسخه جدید که سید الفضلا و علامة
العلما میر محمد باقر داماد بهند فرستاده اند [illegible] مخلصه [illegible] قرص
سفید از هر یک بیست و هشت مثقال [illegible] فلفل سیاه [illegible] فلفل دارچینی
سیلانی از هر یک بیست و چهار مثقال زعفران [illegible] مثقال آمله هلیله کابلی
[illegible] عود خام [illegible] مصطکی رومی روغن بلسان مصری [illegible]
زنجبیل از هر یک بیست مثقال افیون مصری [illegible] و هشت مثقال فلفل ابیض [illegible] عقربی
از هر یک دوازده مثقال زرنباد [illegible] چهارده مثقال تخم شلغم [illegible] پوست
اترج خصیة الثعلب شامی ریوند [illegible] غاریقون سفید [illegible] زنجبیل [illegible] بهمن سفید صندل
[illegible] گل سرخ از هر یک دوازده مثقال تخم باد رنجبویه شش مثقال ورق باد رنجبویه
لسان الثور [illegible] خراسانی از هر یک هجده مثقال [illegible] لسان الثور [illegible] مثقال اشنه سفید
[illegible] تخم [illegible] ترکی لسان العصافیر قاقله کبار قرنفل از هر یک ده مثقال
جدوار خطائی [illegible] چهارده مثقال جوز [illegible] بسباسه بهمن سرخ [illegible] از هر یک ده مثقال
[illegible] مکی دوازده مثقال حب الغار سلیخه [illegible] نعناع خشک [illegible] مصری
کندر ذکر از هر یک ده مثقال سعد کوفی از هر یک [illegible] مثقال انیسون ده مثقال نانخواه
رازیانه [illegible] اسطوخودوس [illegible] سوسن سفید آزادکی [illegible] هندی [illegible]
[illegible] غافث [illegible] هندی [illegible] مثقال [illegible] مصری [illegible]
[illegible] هندی [illegible] مشکطرامشیع [illegible] سفید [illegible]
[illegible] سفید [illegible] از هر یک شش مثقال [illegible]
هر یک ده مثقال [illegible] و چهار مثقال [illegible] دوازده مثقال
[illegible] و سفید [illegible]
[illegible] از هر یک شش مثقال [illegible]
ازهر

از هر یک هفت مثقال [illegible] از هر یک [illegible] مثقال تخم کرفس
حب بلسان مصری عود بلسان [illegible] طویل [illegible] بابلی [illegible]
[illegible] خشک [illegible] از هر یک چهار مثقال [illegible] از هر یک [illegible] مثقال
[illegible] مثقال [illegible] سرخ [illegible] عقیق از هر یک سه [illegible]
شفاف [illegible] مثقال [illegible] عنبر اشهب مشک خالص [illegible] از هر یک هفت مثقال [illegible]
[illegible] مثقال و ورق نقره پنج مثقال نبات سفید مصری سه چهار یک عرق [illegible] خطائی
عرق مخلصه [illegible] عرق [illegible] بمقدار حاجت [illegible] عرق [illegible] عرق [illegible]
عرق [illegible] عرق دارچینی از هر یک [illegible] مثقال گلاب مکی [illegible] از هر یک
[illegible] عسل بقوام آمده سه وزن مجموع ادویه روغن بادام تلخ [illegible] بمقدار حاجت
[illegible] الا مصطکی [illegible] عرق [illegible] حدوار [illegible] زرنباد [illegible]
عسلی در آن [illegible] وعنبر را [illegible] در عسل [illegible]
[illegible] در عسل [illegible] ادویه [illegible] روغن بلسان [illegible] روغن زنجبیل [illegible]
بادام چرب کنند و مشک را [illegible] زعفران و جدوار از هر یک [illegible]
بعد از آن [illegible] بکوبند و افیون را در عرق قرنفل و عرق دارچینی و عرق [illegible]
[illegible] و چون عسل بقوام آید از آتش بردارند و اول مجموع [illegible]
که خوب نرم کرده باشند بعد از آن [illegible] عنبر [illegible] و [illegible]
جدوار و افیون و زعفران با این ترکیب که مذکور شد بعد از آن ادویه [illegible] کرده [illegible]
مثل آنکه [illegible] ورق طلا و نقره بعد از آن جهد و مبالغه نمایند که اجزا خوب [illegible] مخلوط
شود و در [illegible] خوب بکوبند [illegible] ظرف چینی یا [illegible] کرده [illegible]
و پیش از شش ماه استعمال ننمایند [illegible] از آن [illegible] تا یک مثقال و دو مثقال
این ترکیب [illegible] و بیست و [illegible] سوای نبات و عرق و گلاب و [illegible]
و دو بیست [illegible] و هفت مثقال مزاج معتدل است مایل [illegible] حرارت خشک است در اول
درجه [illegible] معجون [illegible] فلفل سیاه بیست مثقال فلفل سفید [illegible] مثقال
زنجبیل یازده مثقال [illegible] ترنج هفت مثقال دارچینی [illegible] مثقال
پوست [illegible] پنج مثقال تخم [illegible] سنبل الطیب [illegible] از هر یک ده مثقال [illegible]

هندي لسان الثور بكلاني از هريك هفت مثقال كل لسان الثور دسوس اراد لشتاني قرمزدانا مادر طباشير
از هريك پنجمثقال ورق باد رنجبويه سشطرج هليله سياه از هريك هفت مثقال آمله منقي
هفده مثقال تخم شلغم بري نعناع خشك پوست بليله از هريك هفت مثقال خو زنجا بسباسه
كند رذكر از هريك ده مثقال بهمن سفيد هفت مثقال بهمن سرخ پنجمثقال كبابه چيني شش مثقال
پوست بيخ فرنبيه هفت مثقال وج تركي ده مثقال نقره دي سرخ هفت مثقال تودري زرد
خاشا مغاث تخم بري نار مشك از هريك پنجمثقال مصطكي رومي سي مثقال سعد كوفي
حب الغار نانخواه از هريك هفت مثقال زرنب قصب الذريره تخم شجشك قرمله كبابه كاد
نفس كاسطوس از هريك پنجمثقال زرنباد سرنجين خصيه الثعلب از هريك دوازده مثقال
حب بلسان عود بلسان افثيمون غاريقون از هريك پنج مثقال لسان العصافير اسارون
از هريك هفت مثقال زراوند طويل زراوند مدحرج از هريك پنج مثقال لك مغسول هفت
مثقال سكنبج پنجمثقال ربّ السوس ده مثقال صمغ عربي ده مثقال دوقو از هريك پنج مثقال
كل سرخ افسنتين سطوخودوس از هريك هفت مثقال قرمز سليخه السودا از هريك پنجمثقال
قسط سفيد بحري هفت مثقال دو وجع عقرقرحا برسياوشان مكي از هريك ده مثقال فودنج
انيسون از هريك پنج مثقال پوست هليله زرد هفت مثقال دار فلفل دوازده مثقال
هيل بوا تي نفل از هريك ده مثقال عاقرقرحا پنجمثقال هليله كابلي هفت مثقال حب بلسان
مصري مشكطرامشيع از هريك پنج مثقال شقاقل مصري هفت مثقال ريوند چيني ده مثقال
خبطيا تاي رومي پنج مثقال تخم كرفس بيست مثقال بوزيدان سفيد شيرين ده مثقال عود
هندي خام جدوار عقرب خطائي از هريك دوازده مثقال زعفران دويران شهرستي
و شش مثقال ابريشم مقرض طين ارمني از هريك دوازده مثقال صندل سفيد هفت
مثقال صندل سرخ موميائي قفر اليهود مرواريد ناسفته از پنجمثقال بسد كهربا از هريك
چهار مثقال طباشير سفيد زرشك منقي باد زهر حيواني از هريك پنج مثقال ياقوت
سرخ سه مثقال زبرجد شفاف ده مثقال لاجورد مغسول عنبر اشهب از هريك پنج
مثقال كشنيز عنبر بو هفت مثقال عنبر پنجمثقال زمرد عقيق سه مثقال مشك خالص تبتي
شش مثقال ورق طلا چهار مثقال ورق نقره پنجمثقال روغن بلسان سي و دو مثقال
ميعه سائله روغن نارجيل از هريك بيست مثقال افيون مصري يكصد و پنجاه و پنج مثقال
عرق

عرق بهار نارنج يك عرق بيد مشك گلاب از هريك دويست و پنجاه درم عرق فتنه يكصد و بيست
درم عرق نعنا و زبان يكصد و پنجاه درم عرق قرنفل پنجاه درم عرق دارچيني هفتاد و پنج درم
نبات مصري يكصد و پنجاه ده درم عسل مصفا بقوام آمده چهار وزن ادويه بطريق
ساختن معجونات كه در ترياق در ضمن مذكور شد مفصلا اين تركيب يكصد و سيزده
جزء داشته بغير عرق و گلاب و نبات و عسل وزن آن يكهزار و نود و يك مثقال مزاج گرم است
در اول درجه اول خشك است در اول درجه سيم معجون دبيد المسك هليله سياه
آمله منقي پوست بليله از هريك شصت و پنج مثقال فلفل سياه فلفل سفيد از
هريك ده مثقال زنجبيل چيني دار فلفل مصطكي مكي از هريك پانزده مثقال زوفا
مصري كندر ذكر دارچيني سليخي قرنفل زرنباد سرنجين ريوند چيني حب الغار
از هريك دوازده مثقال سعد كوفي وج تركي اسارون سشطرج هندي راز يانه
پوست هليله زرد شونيز از هريك ده مثقال مصطكي زعفران ديران شهرستي از
هريك بيست مثقال لاجورد مغسول مشك خالص تبتي عنبر اشهب زرشك منقي
از هريك پنج مثقال روغن بلسان ميعه سائله از هريك دوازده مثقال عسل
بلادر دوازده مثقال و نيم روغن جوز روغن بادام شيرين روغن بادام تلخ
آن قدر كه جميع اجزا را بآن خوب چرب نمايند بعد از آن عسل مصفي را بقوام آورده
چهار وزن ادويه جميع ادويه را در آن ريخته خوب مخلوط سازند و در ظرف
چيني يا آبگينه كرده بعد از شش ماه استعمال نمايند اين تركيب سي و يك جزء است
وزن آن چهار صد و چهل و هفت مثقال و نيم مزاج گرم است در يكم درجه و نيم
خشك است در دوم درجه و سدس حب النعيم فلفل سياه بيست مثقال فلفل
سفيد پنج مثقال دارچيني زرنباد از هريك دوازده مثقال سنبل نه مثقال
دار فلفل هشت مثقال دواله نه مثقال سعد كوفي دوازده مثقال درونج

مغربی نه مثقال زنجبیل چینی مصطکی از هر یک پانزده مثقال زعفران میوان شهری
سی مثقال عود قماری فوفل هیل بوا از هر یک نه مثقال ساذج تخم کرفس بیست دو مثقال
جوز بوا بسباسه از هر یک هفت مثقال کبابه چینی اسارون جوز الغار مر صافی از هر یک
شش مثقال جدوار خطائی پنج مثقال صمغ سایله دوازده مثقال مشک خالص ... مثقال
ورق طلا یکمثقال و ورق نقره دو مثقال عنبر اشهب زرشک منقی از هر یک سه مثقال روغن
بلسان هفت مثقال افیون خالص مصری سی و دو مثقال جمع و کلاب بقدر احتیاج
این نسخه سی و دو جزو است و وزن آن سیصد و هفده مثقال مزاج گرم است در اوایل درجه
دوم خشک است در درجه دوم و همچنین جوارشات جوارش زیره نسخه عیسویه
نافع است اوجاع احشا را که از برودت حادث شده باشد و دفع بلغم کند از معده و هاضم طعام است و شهوت کلبی و جشاء حامض را زایل کند و نافع است
سرد و سودا و بلغمی را شربتی از آن مقدار نیم مثقال با آب گرم اجزای آن زیره مدبر
بکمون سداب خشک فلفل زنجبیل از هر یک چهار استار و نوره ارمنی بیست درم با انگبین
مصفا بسرشتند این نسخه پنج جزو است وزن آن چهارصد و شصت و هفت درم مزاج گرم
و خشک است در درجه دوم و نیم جوارش زیره جالینوس نافع است بادهای سرد
و محلل آن است و نفع میدهد کسی را که طعامش هضم نشود اخلاط آن بوره نصف جزو
زیره کرمانی مدبر کرده فلفل سفید و سیاه دارفلفل از هر یک جزو و عسل بقدر حاجت
این نسخه پنج جزو است مزاج گرم است در آخر درجه سیم خشک است در درجه دوم
جوارش کمونی دیگر مصلح سردی معده و جشای حامض کلبی و فواقی است که از تقل
کیموسات غلیظه و بلغمیه باشد و نافع است سستیهای کهنه را که از سردی و بدی هضم
باشد اجزای آن زیره کرمانی مدبر پانزده استار فلفل زنجبیل سداب خشک از هر یک
از هر یک بیست درم عسل بقدر کفایت این نسخه پنج جزو است وزن آن یکصد و هفتاد
پنج درم مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است در دو درجه و نیم جوارش
زیره منقول از ذخیره خوارزمشاهی اخلاط آن زیره مدبر بکمون فلفل زنجبیل از
هر یک نیم من بوره ده استار با انگبین مصفا بسرشتند این نسخه چهار جزو است وزن
آن

آن بوده است که یکصد و هفتاد درم باشد مزاج گرم است و خشک در دوم درجه و نیم ایضا
نسخه دیگر زیره مدبر صد درم فلفل زنجبیل بوره از هر یک ده استار سداب خشک
چهار درم با انگبین مصفا بسرشتند این نسخه پنج جزو است وزن آن دویست و نود و چهار
درم مزاج گرم است و خشک در درجه دوم و نیم ایضا نسخه دیگر معده را گرم کند و بادها
بشکند و آروغ ترش را ببرد و سده بگشاید و اگر کسی را از قولنج رنج باشد بسی سود
از معجون رابکار دارد و از قولنج ایمن شود اجزای آن زیره مدبر صد درم زنجبیل بیست درم
فلفل ده درم افتیمون سی درم بوره نان هشت درم با انگبین مصفا بسرشتند این نسخه
پنج جزو است و وزن آن یکصد و شصت و هشت درم مزاج گرم است و خشک است در دو
درجه و نیم جوارش فوتنج نسخه جالینوس اخلاط آن فوتنج نهری فوتنج بری فطرا
سالیون از هر یک دوازده درخمی زنجبیل شش درخمی تخم کرفس انماغ حاشا از هر یک
چهار درخمی کاشم شانزده درخمی فلفل چهل و هشت درخمی سکبینج ...
پنج درخمی عسل نقل و کفایت این ترکیب نه جزو است وزن آن یکصد و نوزده درخمی
نزد بعضی درخمی درم است نزد بعضی مثقال مزاج گرم است و خشک در دو درجه
و نیم جوارش حب الآس نافع است نرمی طبیعت را و قذفی که از بلغم و رطوبت باشد
و سوء هضمی که از معده باشد و معده را قوی کند و اسهال و قی بلغمی باز دارد
اجزای آن حب الآس خشک بکوب هلیله سیاه بلیله آمله طالیسفر از هر یک هفت
درم فلفل دار فلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی قرد مانا اسطوخودوس انیسون زیره
کرمانی سنبل سلیخه قاقله از هر یک شش درم جوز بوا تخم کرفس نانخواه از هر یک پنج درم
ساذج هندی حماما از هر یک چهار درم عسل بقدر حاجت شربتی یک درم این ترکیب
بیست و دو جزو است وزن آن چهارصد و چهل و چهار درم و بود طبعش مزاج گرم است
در نیم درجه خشک است در اول درجه سیم جوارش جوزی حب الآس کابلیه و نیم
سنبل سه اوقیه جوز بوا با پوست نیم رطل فوفل قاقله انیسون بوداده از هر
یک دو اوقیه و نیم سلیخه چهار اوقیه هلیله کابلی بلیله آمله از هر یک سه اوقیه

اجزا اسماء العسل بیل الشراب ریحانی جوش دهند بعد از آن خشک کنند و دیگر باره با آب جوش
دهند و خشک کنند پس از آن کوفته و بیخته بعسل سرشته کنند وزن آن هزار و هشتاد و دو درم
مزاج معجون در ربع درجه خشک است در اول درجه سیم جوارش متوکل که مشهور است
بسلطانی نافع است بدی هضم را و مقوی جگر است و اسراف تمام دارد متوکل همیشه از این تناول کردی
زیرا که نفع آن بتجربه معلوم شده اجزای آن سنبل قرنفل دارچینی جوز بوا قاقله سلیخه
هر یک یک مثقال فلفل سفید زنجبیل هر یک دو درم جمیع لسان ذکی سفیده ها
دو درم نیم شکر طبرزد مثل تمام ادویه اجزا را کوفته و بیخته با شکر مخلوط ساخته بعسل
کف گرفته معجون سازند شربتی سه مثقال این نسخه با زده جزو است با شکر وزن
آن بعینه شکر هشت مثقال و ده درم یک درم باشد ده درمی هفت مثقال باشد پس
وزن ادویه سیزده مثقال باشد و اگر درمی یک مثقال باشد وزن آن شانزده مثقال
باشد و بهر تقدیر شکر مثل ادویه مزاج گرم است در دوم درجه و در ربع خشک است
در آخر دوم درجه جوارش کمونی نافع است درد شکم را که از برودت باشد و تب ربع
و شهوت کلب و تبهای بلغمی و سوداوی را و از بلغم بسیار که بیمار را عارض شود
و شدت تب و درد معده و خشکی حامض و آب از دهن رفتن که از کثرت فضول
بلغمی باشد اجزای آن زیره کرمانی مدبر شده از خشک زنجبیل فلفل از هر یک ده
استار بورق ارمنی ده درم عسل بقدر کفایت شربتی مثقالی قند با آب گرم این نسخه
یک جزو است و وزن آن دویست و شصت و هفت درم و یک دانگ مزاج گرم و خشک است
در دوم درجه و نیم جوارش کمونی دیگر زیره تازه هفت اوقیه یک شبانروز در سرکه
خیسانند بعد از آن خشک کرده با آتش نرم اندک بریان باید کرد فلفل سه اوقیه زنجبیل
چهار درم بورق ارمنی دو درم عسل بقدر حاجت این نسخه چهار جزو است وزن آن
یکصد و سیزده درم و یک دانگ مزاج گرم است در دوم درجه و نیم خشک است در دوم درجه
و سه ربع جوارشات تلاوفلی نافع است سردی معده و جگر و نسیان و بلغم و رطوبت را
که در بدن غالب باشد و بدی هضم که از سردی بادهای غلیظ هم رسیده باشد
و سه ربع و بلغم را و ادرار بول کند اخلاط آن فلفل سیاه و سفید دارفلفل از هر یک سه
اوقیه قرنفل نیم اوقیه عود بلسان یک اوقیه سنبل الطیب چهار از هر یک چهار
درم

درم زنجبیل تخم کرفس سیساليوس رومی سلیخه اسارون راسن از هر کدام یک درم عسل سه وزن
ادویه شربتی یک درم با آب نیم گرم بیاشامند این نسخه دوازده جزو است وزن آن یکصد و بیست
و یک درم و یک دانگ مزاج گرم است در آخر درجه سیم خشک است در دوم درجه و نیم جوارش
فلافلی یعقوبی نافع است ضعف جگر و درد پشت و معده را و ضعف معده را که از سردی که مولد
ریاح است بهم رسیده باشد اجزای آن زنجبیل فلفل خشک سنبل الطیب از هر یک شش درم مصطکی
ناخنواه از هر یک چهار درم تخم کرفس نعناع از هر یک پنج درم زیره کرمانی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا
از هر یک دو درم سادج یک درم عسل کف گرفته سه وزن ادویه شربتی نیم مثقال این نسخه دوازده
جزو است وزن آن چهل و پنج درم مزاج گرم است در دوم درجه و نیم خشک است در دوم
و نیم جوارش خوزی نافع است تنقیه شکم و بدی هضم و ضعف معده و سردی آن را اخلاط آن
قسط قرنفل سنبل الطیب حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم جوز بوا پنج عدد قاقله قرنفل
اهلیلج کابلی هشت درم باقلا
الملک شیطرج هندی از هر یک چهار درم نیاسه سه درم ترنجبین
چهار درم زراوند طویل بیونه حب آس از هر یک دو درم سعد زنجبیل از هر یک ده استار قصب
الزریره فلفل دارفلفل از هر یک پنج درم هلیله سیاه و استار بلیله تره عدد حب الآس نیم نقی
شکر طبرزد بقدر کفایت کنند بعد از آنکه معجون سازند در ظرف چینی یا آبگینه کرده مکان
ناپدید و بعد از دو ماه استعمال نمایند این ترکیب بیست و پنج جزو است وزن آن یعنی جوز بوا است
و بلیله بجز آن و نیم صد و سی درم و یک دانگ جوز بوا دو بلیله سه عدد مزاج معتدل
در گرمی و سردی خشک است در یک درجه و ثلث ایضا جوارش خوزی نافع است ضعف
جگر و معده و سردی آنها را و قبض شکم و بدی هضم را و نفع میدهد کسانی را که مزاجشان سرد
باشد و ادرار بول میکند اجزای آن قسط قرنفل سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم جوز
بوا پنج عدد قاقله قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج هندی دار فلفل از هر یک چهار درم
ترنجبین کابلی هشت درم ریوند زراوند طویل اشنه از هر یک پنج درم هلیله سیاه کابلی زنجبیل
الزنجی و استار بلیله ده عدد حب الآس وزن جمیع ادویه اجزا را نرم کوفته بعسل
طبرزد بقدر که کافی باشد بسرشند شربتی مقدار دانگی با آب سرد و این نسخه مکی
زنجبیل ده استار اضافه نموده اند این نسخه بیست جزو است وزن آن یعنی جوز بوا و بلیله
و حب الآس یکصد و سیزده درم حب الآس مثل آن جوز بوا پنج عدد بلیله ده عدد مزاج گرم است
در آخر یک درجه خشک است در یک درجه و نیم جوارش خسروی و آن را جوارش عنبری
گویند ملوک عجم همیشه استعمال میکرده اند نفع میکند امراض باردی را خصوصا کلیتین را

و باه را زیاده کند و نفع میدهد فالج و لقوه و رعشه و خفقان را و حفظ و ذهن را زیاده میکند
و نشف رطوبت معده میکند و هضم را نیکو میگرداند و بغایت موافق مزاج بلغمی است اخلاط
آن قاقله کبار قاقله صغار بسباسه دارچینی از هر یک چهار درم زنجبیل دار فلفل از هر یک
دوازده درم اشنه ده درم قرنفه یک درم قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوز بوا پنج درم
سنبل الطیب مصطکی عنبر از هر یک دو درم مشک تبتی بزر البنج سفید افیون از هر کدام یک درم
دهن بلسان شش درم افیون بگلاب بخیسانند و حل کنند و عنبر را در دهن بلسان بگدا
زند و دارو ها کوفته و بیخته بر دهن بلسان چرب کنند و بعسل کف گرفته بسرشند و افیون
حل کرده در آن ریزند و نیک یکدیگر مخلوط سازند و در ظرف چینی یا آبگینه کنند و بعد از دو
شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یک مثقال این نسخه هم جید خواست وزن آن همتا
سه درم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه دوم نسخه دیگر که صاحب ذخیره خوارزمشاهی
ذکر کرده و گفته که در شهر بلخ شخصی را دیدم که درد معده داشت بسیار علاج کرد فائده هیچ
نداد و شفا یافت باین جوارش شفا یافت اجزای آن پوست ترنج عود هندی قرنفل قاقله
قاقله جوزبوا از هر یکی پنج درم نار مشک انیسون تخم کرفس خیند بیدستر افیون بزر البنج سفید
از هر یکی سه درم دهن بلسان دو درم برگ بادرنجبویه تخم مرزنگوش زعفران از هر یک سه
درم عنبر اشهب یک مثقال عنبر را با دهن بلسان بگدازند و افیون را بگلاب حل کنند و همه دارو
با انگبین بسرشند دو ماه بنهند تا برسد و گروهی شش ماه بنهند شربتی دو درم خفقان را
و درد معده و بیماریهای رحم را سود دارد و بیمار را نسخه موافق بود این نسخه هم جید خواست
وزن آن شصت درم و نیم تخمینا مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه
و ثلث جوارش شهریاران معده و جگر سرد را و کسیر که بیم استسقا باشد سود دارد و
اسهال کند اجزای آن شیطرج هندی زنجبیل فلفل دار فلفل قرنفه قاقله کبار دارچینی سنبل
سلیخه نانخواه تخم کرفس بادیان انیسون از هر یکی شش درم افتیمون تربد از هر یکی دوازده
درم سقمونیا ده درم شکر طبرزد پنجاه درم با انگبین مصفا بسرشند این نسخه نیست و
سه جوارش باشد و وزن آن یکصد و شصت و هشت درم مزاج گرم است و خشک در
درجه و نیم جوارش شهریاران نسخه که در کتاب منهاج الادویه مذکور است نفع میدهد
سردی معده و جگر را و باه را و صفرا و مره سودا را و نفع میدهد قولنج را اخلاط آن
زنجبیل

زنجبیل قرنفه دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا قاقله مصطکی قاقله حب بلسان زعفران از هر یکی
چهار درم و نیم سقمونیا سه درم تربد هشت درم حب النیل هشت درم شکر سلیمانی مثل جمیع ادویه
قند اجزا را کوفته و بیخته با انگبین کف گرفته بسرشند شربتی چهار درم این نسخه با این جمله جید خواست با شکر
وزن ادویه یعنی شکر شصت و هشت درم و نیم شکر مثل آن مزاج گرم است و خشک در اول
درجه سیم جوارش تمر هندی جوارش نعنع مخصوص است بقولنج و جمیع سرد بیماریها و عسر البول
نیز نافع است اجزای آن بوره ارمنی نیم درم کرمانی قطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هر یک دو درم
و نیم سقمونیا پنج درم خرمای هندی وزن ادویه دانه پاک کرده بادام شیرین مقشر و رب سداب از هر یک
ده درم خرما را بکشانند در ساعتی در سرکه انگوری بخیسانند بعد از آن خوب بکوبند و ادویه را
کوفته و بیخته با یکدیگر مخلوط سازند و بعد وزن آن و نیم عسل کف گرفته معجون سازند شربتی
چهار درم تا شش درم این نسخه نه جید خواست و وزن آن چهل و هفت درم و نیم مزاج گرم و خشک است
در دو درجه و نیم جوارش تمر هندی دیگر تمر هندی وزن آن بی دانه کرده صد درم بکشانند در
در سرکه انگوری بخیسانند بعد از آن بدست مالیده صاف کنند سداب خشک زنجبیل از
هر یک سه درم فلفل سفید سه درم بوره ارمنی پنج درم بادام تلخ مقشر پنجاه عدد
سقمونیا با فرنجه درم تربد بنیسه درم با انگبین مصفا بسرشند این ترکیب ... وزن آن
شصت و سه درم مغز تمر و بادام مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است در اول درجه سیم
جوارش تمر هندی دیگر نافع است تبهای کهنه را و درد پستان و زمستان دوازده روز در این ترکیب
مسهل مسهلیست یعنی مستفرغ اخلاط آن زنجبیل فلفل سفید از هر کدام یک اوقیه سقمونیا
دو اوقیه و نیم خرمای هندی وزن منقا دو اوقیه بادام شیرین مقشر و رب سداب از هر یک چهار
اوقیه ادویه را علیحده بکوبند و خرما را در سرکه انگوری بخیسانند و دانها را جدا بکوبند و
بعد از آن جمیع ادویه را باهم مخلوط سازند و بعسل کف گرفته بسرشند چنانکه رسم است
شربتی دو درم این نسخه هشت خواست وزن آن چهار ده اوقیه و نیم که یکصد و پنجاه و پنج درم
و دو دانگ میشود مزاج گرم و خشک است در دو درجه و نیم جوارش ... و نوش نافع است
بادهای غلیظ و بواسیر را و مقوی معده است و تقویت باه و رنگ روی را صاف میسازد
و کلیه را گرم میگرداند و نافع است بادهای رحم را و ترشح دمی که از بواسیر باشد اجزای آن
هلیله کابلی هلیله زرد شیطرج تخم کرفس از هر یک شش درم بلیله آمله نانخواه ... تربد
سفید دار فلفل ... مقشر از هر یک چهار درم قرنفه سنبل جوز بوا زنجبیل قاقله

از هر یک هشت درم جوزبوا سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان ناردمشک از هر یک شش درم سعد
ده درم مشک دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید مربا مثل جمیع ادویه روغن گاو ده استار یا انگبین
کف گرفته بسرشند شربتی دو درم به ماء حار و کسانی که مزاج ایشان گرم باشد و مسکه اش گرم
باشد با انیسون خورند ده هفته بخورد و این نسخه بیست و شش جزو است یعنی خبث الحدید
وزن آن یکصد و چهل و هشت درم و نیم تخمیناً خبث الحدید مثل آن مزاج گرم و خشک است در
دو درجه و سه ربع جوارش کند و این جوارش را عیسی صاحب بخت جوارش شونیز ترتیب داده
معده را گرم کند و طعام بگوارد و اسهال بلغمی باز دارد اخلاط آن کندر شصت درم فلفل دار
فلفل از هر یکی ده درم شکر شصت درم زنجبیل خولنجان از هر یکی ده و انده درم جوزبوا
قرنفل جوزبوا از هر یکی پنج درم مشک نیم درم بانگبین مصفا بسرشند شربتی سه درم
این نسخه ده جزو است وزن آن صد و هفتاد و نه درم و نیم مزاج گرم است در اول درجه
و نیم خشک است در یک درجه و نیم جوارش طالیسفر نافع است سردی معده و بادهای
غلیظ را اخلاط آن طالیسفر پنج درم زنجبیل بیست درم فلفل دوازده درم قرنفل از هر یک شش درم
شکر طبرزد پنج رطل این نسخه پنجاه جزو است یعنی شکر وزن آن چهل و نه درم شکر وزن آن چهار
نه درم شکر پنج رطل که ششصد و چهل درم و نیم باشد مزاج گرم است در آخر درجه و در درجه خشک
است در سه ربع درجه جوارش اسقف قولنج بگشاید و تحلیل باد دهد و باه زیاده کند و بادها
و بواسیر را سود دارد و اسقف که این معجون ساخته سوگند خورده که از دین و ایمان خویش
بیزار باشیم که عمل او تمام دوائی دیگر که انفع از این ترکیب باشد اجزای آن سقمونیای انطاکی تربد
سفید مجوف از هر یکی پنج مثقال فلفل قاقله از هر یک سه مثقال زنجبیل دارچینی آمله قرنفل
بسفایج جوزبوا از هر یک دو مثقال و نیم و در نسخه دیگر سقمونیا و تربد از هر یک سه مثقال
کوفته این اجزا را کوفته و بیخته یک رطل شکر نرم کرده در آن ریزند و بعسل کف گرفته معجون
سازند شربتی تمام از آن چهار مثقال و در قرابادین قلانسی مذکور است که شربتی از آن
بجهت هضم دو درم و بجهت اسهال شش درم این ترکیب ده جزو است یعنی شکر و وزن
آن سی و یک مثقال شکر یک رطل که یکصد و بیست و هشت درم و نیم است مزاج گرم و خشک
است در اول درجه سیم جوارش بلادر خفقان و نفخ معده سرد را سود دارد و درد فراموشی
کند و رنگ روی سرخ گرداند و ذهن و تفکر را لطیف کند این جوارش حکما گویند و بعضی

گویند که این جوارش سلیمان پیغمبر علیه السلام است اجزای آن فلفل دار فلفل هلیله سیاه بلیله آمله
جند بیدستر از هر یکی چهار درم قسط بلادر بزر الکتان شکر طبرزد حب الغار از هر یکی دو دانگ ده
درم سعد هشت درم داروهای خشک را بکوبند و بیزند و با روغن گاو چرب کنند و بعسل در دارو
بگدازند و بیامیزند و بهم بسرشند عسل دو وزن جمله داروها شربتی دو درم پس از شش ماه
از دهنج کی فسخ نیابد یان و بیشتری که این جوارش را بکار دارد خود را از رنج سخت و ریاضت و
غم نگاه دارد و از مباشرت بسیار و شراب بسیار پرهیز کند و طعام چیزی اسفیدباج باشد این ترکیب
دوازده جزو است وزن آن نود و دو درم مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است
در اول درجه سیم جوارش فنجنوش معده ضعیف را و خفقان و بواسیر را سود دارد و کوفته روی
صاف کند و قوت باه زیاده کند اخلاط آن هلیله کابلی بلیله شیر آمله فلفل دار فلفل زنجبیل سعد
سنبل الطیب هندی سنبل از هر یک ده درم تخم اسپست تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید
سوده و چهار ده درم سرکه بر غال کرده و خشک کرده بریان نموده صد درم با انگبین و روغن
گاو بسرشند و در منهاج بدل او روغن بادام شیرین آورده و دو درم مشک زیادت کرده
تا پانزده ماه استعمال نمایند شربتی دو درم این ترکیب دوازده جزو است وزن آن یکصد و
نود و هشت درم مزاج گرم است در دو درجه و سه ربع خشک است در آخر درجه سیم
معجون فنجنوش دیگر عسلی تقویت معده و تسخین آن است و نفع میدهد بواسیر را و باه را زیاد
میکند و مجرب است اجزای آن هلیله کابلی بلیله آمله فلفل دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی
تخم شبت تخم کرفس تخم گندنا تخم خرچین تخم شلغم تخم کزوانلیخه گل سرخ سلیخه سعد دارچینی
قرنفل جوزبوا از هر کدام یک درم بسباسه هیل قاقله سنبل عود خام مشک تیتی از هر یک دو
درم حب الرشاد سفید سه اوقیه جمیع ادویه بعسل کف گرفته بسرشند شربتی دو درم این
نسخه بیست و هفت جزو است یعنی خبث الحدید مثل آن مزاج گرم و خشک است در آخر درجه
سیم جوارش فنجنوش دیگر منقول از قرابادین قلانسی بجهت صاحب معده گرم موافق است
اخلاط آن هلیله کابلی بلیله آمله اصل السوس پوست کنده گل سرخ از هر یک دو درم
خبث الحدید مدبر مثل جمیع ادویه شکر طبرزد به اندازه یکه ادویه بریان کنند شربتی
دو درم بشراب سیب این نسخه شش جزو است یعنی خبث الحدید مثل آن مزاج گرم و خشک است

جوارش خبث الحدید

دو دو درجه و نیم جوارش خبث الحدید منقول از جامع الادویه زنجانی نافع است تخمه صاحب
معده سرد و بواسیر و سپرزها را و رنگ روی را اصلاح کند و اشتهای طعام بیارد و اجزای آن هلیله
کابلی بلیله آمله پنج شونیز زنجبیل عود خام جوز بوا سک کماشیر سنبل اذخر مصطکی از هر یک
ده درم خبث الحدید مصری هفت شبانروز در سرکه خیسانیده و بعد از آن خشک کرده
و نوباره مثل جمیع ادویه بستانند و بعد از آن بسرشند شربتی دو درم این ترکیب دوازده جزو است
بغیر خبث الحدید وزن آن یکصد و بیست درم خبث الحدید مثل آن مزاج گرم است و خشک
در دو درجه و دو ثلث جوارش سفرجل مسهل نفع میدهد قولنج را و خشک میکند فضول

سفرجل مسهل

بدن را اخلاط آن به نوبت کنند انار و زن تخم پاک کرده بکوبد طلا عسل کف گرفته دو رطل
زنجبیل دار فلفل از هر یک چهار درم دارچینی ده درم هیل قاقله زعفران از هر یک سه درم
مصطکی پنج درم سقمونیا ده درم تربد سفید مجوف هفده درم اجزا را کوفته و بیخته و به را
بسرکه انگوری خوب بپزند بعد از آن از آتش فرو گرفته یک ساعت بگذارند که رطوبت الکیه
برود بعد از آن به را خوب بکوبند و عسل را با آتش آهسته طبخ نمایند و اندک اندک حرکت
دهند تا نزدیک بانعقاد شود بعد از آن بکوفته را در آن بریزند و برهم زنند تا عسل
بجمیع اجزا برسد و رطوبت آتش برطرف شود پس از آن از آتش فرو گرفته ادویه را در آن بریزند
و برهم زنند تا خوب بیکدیگر مخلوط شود پس ظرف چینی را به روغن بادام یا روغن پسته
چرب کنند و آن معجون را در سطح آن بریزند و بدست هموار کنند و دو سه روز بگذارند
تا خشک شود و بسته گردد بعد از آن بکارد ببرند و پارچه پارچه نمایند هر پارچه چهار
مثقال در ظرفی کرده سر آن را ببندند و در وقت حاجت بکار برند و بعضی از
اطبا مشک دو درم داخل این ترکیب مینمایند این نسخه ده جزو است بغیر عسل و وزن آن
یکصد و نود و دو درم عسل دویست و پنجاه و شش درم مزاج گرم است در یک درجه و

نوع دیگر

سه ربع خشک است در اول درجه سیم ایضا جوارش سفرجلی مسهل سفرجل خوب
چهار درم فلفل زنجبیل از هر یک دو دانگ سقمونیا یک درم با شکر مصفا بسرشند شربتی
یک درم این نسخه چهار جزو است و وزن آن پنج درم و چهار دانگ مزاج گرم است در دو درجه

سفرجل ممسک

و ربع خشک است در دو درجه و نیم جوارش سفرجلی ممسک طبیعت را ببندد و نفع
دهد

دهد ضعف معده و قی و بدی هضم را و رنگ روی را نیکو کند اجزای آن سفرجل مقشر
کف گرفته از هر یک دو رطل فلفل دار فلفل زنجبیل از هر یک پنج درم هیل هشت درم قاقله
قرنفل سنبل الطیب دارچینی زعفران از هر یک دو درم بطریقی که در جوارش سفرجلی
مسهل مذکور شد مستعمل نمایند این نسخه ده جزو است بغیر عسل و وزن آن دویست و
نود درم عسل دو رطل که دویست و پنجاه و هفت درم باشد مزاج گرم است در [illegible]
اول خشک است در یک درجه و سه ربع معجون سفرجلی معمول بعصاره سفرجل نافع است

سفرجلی

غثیان شهوت را و کسی را که جگر ضعیف باشد و دفع [illegible] خلای معده نماید اخلاط آن سفرجل
[illegible] دانه آن را پاک کرده بکوبند و شیره آن بگیرند و قسط رومی که چهار صد درم
باشد عسل کف گرفته مثل آن سرکه انگوری یک قسط و نیم که سیصد درم باشد برهم [illegible]
بر سر آتش نرم طبخ نمایند و کف بگیرند بعد از آن زنجبیل سه اوقیه فلفل سفید دو اوقیه بکوبند
و بیزند و در آن ریزند و استعمال [illegible] این نسخه با عسل [illegible] جزو است وزن آن یکهزار و صد و

سفرجل

پنجاه و سه درم و نیم مزاج گرم است قریب بسه ربع درجه خشک است در سه درجه و ربع
ایضا جوارش سفرجلی نسخه دیگر مشهی طعام و مقوی معده است اجزای آن عصاره سفرجل
سه رطل عسل سه رطل سرکه انگوری دو رطل زنجبیل هشت درم فلفل سفید و سیاه دار
فلفل از هر یک سه درم دارچینی دو درم عود خام سه درم شربتی مثل فندقی پیش از
طعام بنوشند و بعد از آن ساعتی طعام بخورند این نسخه [illegible] با عسل و وزن آن هزار و

جوارش هندی

چهل و هفت درم مزاج گرم است در ثلث درجه اول خشک است در آخر درجه
جوارش هندی نافع است قولنج و درد مفاصل و نقرس و درد پشت را اخلاط آن سقمونیا
ده مثقال خیربوا قاقله زنجبیل دارچینی قرفه نارمشک قرنفل فلفل از هر یک پنج مثقال
تربد صد مثقال شکر صد مثقال عسل بقدر حاجت و این جوارش را جوارش تربد
مینامند شربتی از پنج درم تا ده درم این ترکیب پانزده جزو است و وزن آن بغیر شکر

نوع دیگر

یکصد و پنجاه مثقال شکر صد مثقال مزاج گرم است در دو درجه و ربع خشک است
در اول درجه سیم ایضا جوارش هندی صاحب ذخیره خوارزمشاهی میفرماید که
این جوارش خداوند قولنج و وجع مفاصل و نقرس را و خداوند ضعف معده را سود
دارد اجزای آن سطوخ هندی ساذج هندی از هر یک چهار درم جوزبوا نانخواه زعفران

و ماشا و فلفل دار فلفل از هر یک پنج استار هلیله سیاه سی استار نارمشک و ماشا و عین ...
بسباسه چهار درم فانیذ ده استار شربتی دو درم با نبیذ کهنه این نسخه ده جز واست و وزن آن سی و
هشت درم و دو دانگ مزاج گرم است در اول درجه سیم خشک است در دو درجه و ربع جوارش
الملوک این ترکیب را دواء السنه نیز گویند یکسال تمام هر روز بایدخورد و باقی عمر هر گاه
که اخذ نماید مفید است و کسی که بآن مداومت نماید باقی نماند در بدنش دردی الا که
این ترکیب برطرف میسازد آن را و نمیگذارد که موی سفید شود و این ترکیب را پادشاهان
ما تقدم استعمال مینمودند نافع است سودا سیاه و سرخ و سفید را و جمیع سردیها را و
سرمای مفاصل را و جلای باصره میدهد و رنگ را صاف میکند و قوت جماع میدهد و
مطلقا آن را ضرر و زیان نیست و کسی را که آن را تناول نماید باید که گرسنه نماند اخلاط آن هلیله
سیاه بلیله آمله از هر یک سی و شش مثقال شونیز بیست و چهار مثقال فلفل اشق
دار فلفل زنجبیل فلفلمویه از هر یک دوازده مثقال نارمشک قاقله سعدان هر یک
دو مثقال کابلی بالجمله از هر یک شش مثقال فانید سفید ششصد مثقال اجزا را بنرم کوفته
و بیخته بقانید معجون سازند و آن را حب کنند هر یک مقدار دو مثقال و ربع وهر
یکی از آن حب را با آب سرد فرو برند و در وقت حب کردن بشراب و عسل یا روغن
کاو چرب باید کرد و صاحب منهاج الادویه و جوامع زنجانی گویند که هو سید الادویه
یعنی این ترکیب بهترین ترکیبهاست در نفع این ترکیب چهارده جز واست نعنی فانید
و وزن آن دویست و ده مثقال مزاج گرم است در آخر دو درجه خشک است در آخر
دو درجه و نیم جوارش مسهل بنا منسوب مسهل است و نفع میدهد نقرس و درد پشت
و جمیع امراض بارده را اخلاط آن سقمونیا دارچینی شیطرج زنجبیل از هر یک هشت درم
فلفل شش درم تربد ده درم دار فلفل شش درم قاقله قرنفل تخم کرفس نانخواه
از هر یک چهار درم نوشادر نمک هندی از هر یک دو درم فانید شکر از هر یک
بیست درم حلتیت دو درم و نیم سقمونیا سه درم عسل بقدر حاجت
شربتی دو درم تا چهار درم نیم گرم این ترکیب هفده جز واست وزن آن یکصد و
نود و نه درم و نیم مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه و نیم

جوارش کمون مقشر زیره کرمانی زنجبیل از هر یک ده درم دار فلفل فلفل از هر یک پنج درم
دارچینی دو درم قاقله هیل از هر یک سه درم شکر طبرزد فانید از هر یک شصت درم
این نسخه هشت جز واست وزن آن چهارصد و هشت درم مزاج گرم است در آخر دو درجه و نیم
خشک است در دو درجه و ربع ایضا جوارش کمون نجویه که صاحب منهاج الادویه
ذکر کرده و آن را سفوف حامل نیز گویند نفع میدهد زنان آبستن را وا ز ایشان شهوت
بر خوردن گل و انگشت و غیره آن دور مینماید و تقویت معده میکند و اشتهای
طعام میآورد و رنگ روی را نیکو گرداند اخلاط آن زیره تخم کرفس نانخواه از هر یک
دو درم کندر ذکر سه درم زیره کرمانی دو درم کمون مقشر ده درم زنجبیل فلفل
دار فلفل هیل قاقله دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد یک رطل ادویه را خوب
کوفته و بیخته بشکر معجون سازند این ترکیب دوازده جز واست وزن آن سی و نه درم
شکر طبرزد یک رطل که یکصد و بیست و هشت درم و نیم است مزاج گرم است در آخر
دو درجه خشک است در یک درجه و نیم جوارش حب الخضرا نافع است بواسیر و برد
معده و بدی هضم و نرمی طبیعت اخلاط آن حب الخضرا عسل بلادر کمون مقشر از
هر یک شش استار شکر طبرزد بیست و چهار استار هلیله کابلی بلیله آمله مویز
النوبی زنجبیل دار فلفل پنج کابلی ساذج هندی شیطرج از هر یک چهار درم مرزنگوش
بسباسه از هر یک دو درم عسل و روغن گاو بقدر احتیاج معجون سازند و بعد
از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم بروغن گاو غذای وی مادام که این ترکیب
میخورده باشد شیر برنج این ترکیب پانزده جز واست وزن آن سیصد و چهار درم مزاج
گرم است در دو درجه و نیم خشک است در اول درجه سیم جوارش انجدان نافع است
نفخ شکم و معده و بادهای غلیظ را اخلاط آن فلفل تخم کرفس از هر یک دوازده
درم انجدان سیاه چهار درم فطراسالیون مامیران فو تخم جاشا سیسالیوس از هر یک
هشت درم انجدان سفید بیزده درم عسل کف گرفته بسرشند این نسخه نه جز واست
وزن آن نود و یک درم مزاج گرم است و خشک در دو درجه و ربع نسخه دیگر
نافع است معده و جگر سرد را و کسی را که جگر صلب شده باشد و گرده سرد را سود

دایم و استسقا و سودا را با اخلاط آن انجدان سیاه ده درم تخم خرچینی تخم کندنا از هر یک
هشت درم زنجبیل بلیله آمله از هر یک هفت درم نانخواه تخم کرفس انیسون قاقله صغار
زیره کرمانی دارچینی از هر یک پنج درم هلیله سیاه هفت درم قرفه هفت درم فلفل
دار فلفل از هر یک چهار درم سنبل دو درم قرنفل یک درم با انگبین مصفا بسرشند
شربتی دو درم اندر طبیخ بادیان و انیسون و سنبل و مصطکی این نسخه هجده جزو است وزن
آن یکصد و دو درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در درجه دوم و ربع
جوارش کافوری نافع است ضعف معده و جگر را و دفع بادهای غلیظ کند و یاری دهد
هضم را اجزای آن کافور زعفران عود قاقله خیربوا کبابه کاشم قرفه قرنفل اشنه سنبل
بسباسه صندل سفید قاقله دار فلفل دارچینی شیطرج نارمشک شقاقل خولنجان
جوزبوا زنجبیل سعد فلفلمویه اجزا مساوی شکر به وزن جمیع ادویه این نسخه
بیست و چهار جزو است مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در درجه دوم
و ربع نسخه دیگر نافع است بدی هضم و ضعف معده و بلغم غلیظ را اخلاط آن فلفل جوز
بوا زنجبیل قرنفل بسباسه دارچینی قرفه باغست فلفلمویه از هر عنبر قرنفل بستانی کافور
زعفرانی از هر یک دو درم بعسل کف گرفته بسرشند این نسخه سیزده جزو است وزن
آن بیست و شش درم مزاج گرم است در آخر درجه اول خشک است در دو درجه و نیم
ایضا نسخه دیگر اقوی از اول اجزای آن زنجبیل فلفل دار فلفل دارچینی قرفه ساذج هندی
سنبل الطیب شیطرج جوزبوا صندل حب بلسان قاقله بسباسه قرنفل نارمشک طالیسفر
سعد طباشیر عود هندی از هر یک نیم اوقیه کافور ریاحی مشک تبتی از هر یک دو درم
نیم شکر طبرزد ده اوقیه نیم بعسل کف گرفته آن قدر که حاجت باشد بسرشند این نسخه
بیست و یک جزو است وزن ادویه یکصد و هفت درم تخمینا شکر ده اوقیه و نیم که
یکصد و دوازده درم باشد مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در دو
درجه و ربع جوارش عود مقوی معده و منفخ آن است بغیر افراط و هضم طعام کند
و نشف رطوبت از معده می نماید اخلاط آن سنبل الطیب سنبل رومی تخم کرفس انیسون
مصطکی از هر کدام یک درم عود سه درم قرنفل دو درم بسباسه دو درم و نیم قرفه
از هر

از هر یک دو درم هلیله کابلی قرنفل تخمشک از هر یک دو درم و نیم جوزبوا یک درم و نیم مرباحی نیمه
درم گل سرخ قصب الذریره از هر یک دو درم عسل منزوع چندانکه بسرشند شربتی دو مثقال این ترکیب شانزده
جزو است و وزن آن سی درم مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در آخر درجه ایضا
جوارش عود صنعت شیخ الرئیس اجزای آن عود سه درم کافور ربع درم مشک ثلث درم
بسباسه نارمشک سعد قرنفل تخمشک زرنب زرنباد از هر کدام یک مثقال دارچینی مصطکی زنجبیل
فلفل قرنفل از هر یک دو درم لسان الثور زنجبیل درم تخم رازیانه تخم کرفس و حب سنبل از هر یک
سه درم بعسل مصفا بسرشند این نسخه بیست جزو است وزن آن سی و نه درم و نیم
دانگ مزاج گرم و خشک است در آخر درجه ایضا جوارش عود صنعت شیخ الرئیس
اخلاط آن هیل زنجبیل دارچینی سلیخه زعفران فلفل قرنفل تخمشک زرنباد از هر یک پنج
درم سعد زرنباد ساذج هندی قرنفل از هر یک سه درم عود خام هفت درم عنبر
نیم مثقال لاجورد نیم مثقال کافور دو دانگ ترنجبین نمک هندی یک درم عسل مصفا
با شکر یا مویز این نسخه هجده جزو است وزن آن شصت و هفت درم مزاج گرم و خشک
است در آخر درجه دوم جوارش جالینوسی منقول از ذخیره ابن جبار مؤمن را خاصیت
بسیار است همه اندامها را قوت دهد و بوی دهن خوش کند و بادها بشکند و بسیاری
بول که از سردی مثانه باشد باز دارد و سرفه بلغمی را ببرد و باه را قوت دهد و لونها
صافی کند و بادهای ناصور و دیوانگی ببرد و درد سر که از سردی باشد و نقرس
و عرق النسا و بهق را سودمند بود و بواسیر و ریاح گرده را دفع کند و سیاهی موی را نگاه
دارد و هر کس که بلیت و یکی و استعمال نماید این بیماریها که ذکر کرده آمد ایمن گردد و بعد
از ده روز که ساخته باشند استعمال توان کرد اجزای آن سنبل قرنفل سلیخه دارچینی
خولنجان زنجبیل زعفران فلفل سعد قسط بحری دار فلفل سعد بلسان حب الآس
اسارون قصب الذریره از هر یکی جزوی مصطکی پنج جزو شکر مثل جمیع اجزا عسل
کف گرفته بسرشند و هفته نگاه دارند شربتی دو مثقال بناشتا و اگر از پس طعام
بساعتی خورند روا باشد هر چند کهنه تر شود بهتر باشد این نسخه هجده جزو است

باشکر مزاج گرم وخشک است در آخر درجه دوم جوارشن دارچینی نافع است ضعف جگر
و معده و کلیه را واخلاط غلیظ را پاک میسازد و بادهای غلیظ را دور کند اخلاط آن دارچینی
عود خام از هر یک شش درم قرنفل فلفل سیاه دار فلفل سنبل الطیب از هر یک پنج درم
زنجبیل بالنکوفیه نعناع هشت درم خیربوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی انیسون تخم
رازیانه سلیخه از هر یک سه درم بعسل کف گرفته بسرشند این نسخه شانزده جزو است
وزن آن هفتاد و هفت درم و نیم مزاج گرم وخشک است در دوم درجه و نیم جوارشن
هندی نافع است قولنج و سردی معده و درد مفاصل و نقرس را اجزای آن اشطوج
سادج از هر یک چهار درم خیربوا الخولنجان از هر یک دو استار فلفل دار فلفل از هر یک
پنج استار زنجبیل پنج استار هلیله سیاه سی استار نانخواه ده استار قرنفل پنج درم
خیربوا ده استار نیسان چهار درم فانید ده استار شربتی دو درم این ترکیب سیزده
جزو است وزن آن چهار صد و شانزده درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک
در درجه دوم و نیم جوارشن زنجبیل نافع است بادهای غلیظ را و طعام بگوارد
و اسهال بازگیرد و خداوند هیضه را سود دارد اخلاط آن زنجبیل بیست درم صمغ
عربی خیربوا از هر یکی ده درم قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم خولنجان یک درم
زعفران یک درم نشاسته کندر چهل درم شکر طبرزد یک رطل این نسخه
هشت جزو است وزن آن نود و سه درم شکر یک رطل که صد و بیست و هشت درم چهار
سبع یک درم باشد مزاج گرم است در یکم درجه و نیم خشک است در یکم درجه و سه ربع
جوارشن مشک ضعیف معده و بادهای که اندر معده و روده ها بود بگشاید و باد
ناسور و خفقان را سود دارد اجزای آن مشک تبتی نیم مثقال خیربوا قاقله قرنفل
زنجبیل دار فلفل از هر یکی ده درم دارچینی سه درم عود هندی وقیه زعفران
دو درم شکر وزن جمیع ادویه بانگبین بسرشند شربتی دو درم این نسخه نه جزو است
وزن آن شصت و شش درم و نیم شکر مثل آن مزاج گرم است و خشک در دوم درجه
و نیم جوارشن اترج بادها را بشکند و طعام بگوارد و بوی دهان خوش کند اخلاط
آن پوست ترنج خشک ده درم قرنفل جوزبوا دار فلفل فلفل جوزبوا دارچینی
خو

خولنجان زنجبیل از هر یک یک درم مشک تبتی یک دانگ نیم بانگبین مصفا بسرشند چنانکه
رسم است شربتی دو درم این نسخه ده جزو است وزن آن سی و هشت درم و یک دانگ
مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم جوارشن قیصر نافع است قولنج و سردیها را
و اخراج فضلات غلیظ لزج نماید و نفع دهد نقرس را اخلاط آن دار فلفل زنجبیل هلیله
سقمونیا تربد از هر یک دوازده درم تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا نمک هندی نخود از هر یک
شش درم شکر پنجاه درم بعسل کف گرفته بسرشند این نسخه ده جزو است وزن آن
یکصد درم مزاج گرم وخشک است در دوم درجه و نیم جوارشن اسقنقور باه را
اجزای آن تخم هلیون تخم پیاز تخم شلغم تخم رطبه تخم کندنا تخم گزر تخم جرجیر تخم الجزر
هسفرم حبة الخضرا لسان العصافیر بیخ قشر تخم توت ... بهمن سرخ و سفید حب الصنوبر
حب القلقل از هر یک سه درم زنجبیل شقاقل خولنجان دار فلفل از هر یک پنج درم دارچینی
جوز بوا بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم سرو سقنقور پنج درم اسقیل مشوی سه درم
فانید وزن جمیع ادویه بعسل کف گرفته بسرشند شربتی دو درم مثلث یا ماء العسل
ناشتا این ترکیب بیست و هفت جزو است یعنی فانید وزن آن هشتاد و هفت درم فانید مثل
آن مزاج گرم است در دوم درجه و ربع خشک است در یکم درجه و نیم جوارشن دیگر خفقان را
و مقوی معده و هاضم طعام است و شکم براند اخلاط آن هلیله کابلی پانزده درم
بسفایج ده درم زنجبیل ده درم سلیخه از هر یک سه درم تربد ... سقمونیا سه
درم فانید نه درم بعسل کف گرفته بسرشند شربتی یک درم این نسخه هشت جزو است
با فانید وزن آن هفتاد و دو درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در
دوم درجه و ربع ذکر بعضی از جوارشنات که در قرابادین ملا نفیس مذکور است جوارشن
نافع است اوجاع معده را اخلاط آن کمونی ... سرخ از هر یک پنج درم عود خام سه درم
زرنشک پنج درم مصطکی زعفران ... از هر یک سه درم سنبل دو درم شکر ...
معجون سازند شربتی دو درم شراب سیب این نسخه هشت جزو است وزن آن بیست و
نه درم مزاج گرم است در یکم درجه خشک است در یکم درجه و سه ربع جوارشن مشمش
مغز بادام مغز فندق مغز پسته حبة الخضرا جلغوزه تخم خشخاش اجزا مساوی بکوبند

بعسل کف گرفته معجون سازند و معجون را حب سازند هر یک بمقدار نخودی شربتی پنج حب تا ده
حب بنا شتا و آب گرم فرو بلعند بی نزاع نفخ میکند و رنگ روی را صاف میسازد و باه را زیاده
میکند این نسخه ششم واست مزاج گرم و خشک است در یکدرجه و نیم جوارش شکی مستعمل
در قولنج کاهی که غشیان اشتداد یابد و آنچه صاحب قولنج خورده بقی دفع کند اخلاط آن
سقمونیا مصطکی قرنفل شکوفه فلفل زنجبیل قرفه جوز بوا دار فلفل همه مساوی بکوبند و شکر
برابر همه و عسل مساوی هر دو را با هم تمام جمع ساخته طبخ نمایند چندانکه بقوام آید بعد از آن
بو بدهند و بعد از آن اجزا را با آن بسرشند شربتی از یک تا دو درم و نیم این نسخه چهارم واست
مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در درجه دوم و نیم جوارش که مسهل بلغم
و صفرا است مسقط اجزای آن عود صاف بیخ مصطکی بیخ دم ترنج سفید بلیت درم سقمونیا
انطاکی درم و نیم اجزا را کوفته بیخته و بعسل طبرزد یا عسل کف گرفته معجون سازند
شربتی بیخ درم این نسخه چهار جزوست وزن آن سی و دو درم و نیم مزاج گرم است و خشک
در اول درجه سیم جوارش مسهل آب به چهار درم آب سیب چهار درم عسل نیشکر ده درم
شکر پنجاه درم مجموع را طبخ نمایند تا بقوام آید بعد از آن ادویه را که مذکور میشود نرم
کوفته بیخته در آن ریزند و خوب مخلوط سازند اجزای آن مصطکی عود دارچینی انیسون
چهار درم ترنجبیل سفید تراشیده پانزده درم مجموع دو درم شربتی چهار مثقال این نسخه
بیخ جزوست و ... چهار دانگ تلیث ... درم مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک
در سه ربع درجه ایضا جوارش مسهل مناسب است کسانی را که محرور المزاج باشند
اجزای آن ترنجبیل سفید ده درم سقمونیا یک درم طباشیر زعفران گل سرخ از هریک یک درم
و نیم عسل طبرزد شانزده درم چنانکه رسم است معجون سازند شربتی دو مثقال
این نسخه هفت جزوست و وزن آن پانزده درم و نیم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث
خشک است در اول درجه ایضا جوارش مسهل تقویت معده میکند و طبیعت را نرم
میسازد و اطلاق با سانی میشود اخلاط آن ترنجبیل سفید ده درم مجموع ده مثقال
درم مصطکی چهار درم عود هندی سه درم اجزا را کوفته و بیخته در ... درم
... سیب خمیر سازند شربتی پنج درم این نسخه چهار جزوست و وزن آن نوزده
درم

جوارش خوزی

درم مزاج گرم است در اول درجه سیم خشک است در آخر درجه دوم جوارش خوزی محمد بن زکریا
رازی نفع میکند و هلاست معده ها و معاونت و امعا را و قراقری که در آن باشد اخلاط آن دانه
مویز که در سرکه خیسانیده باشند ده درم نیم خوب شرخه کوفته ده درم حب الآس ششت درم
خرنوب نبطی جلنار کزمازو از هریک ده درم کندر ناخواه مصطکی سعد سنبل از هریکی پنج
درم همه بشکر بقوام آورده باشد بعسل مصفا بسرشند شربتی سه درم تا چهار درم این نسخه
ده جزوست و وزن آن یکصد و چهل و پنج درم مزاج سرد است در ربع درجه خشک است
در آخر درجه دوم جوارش خرنوب خرنوب نبطی بلوط جلنار از هریک جزو و حب الآس
دو جزو و دانه انگور که از سرکه برآورده باشد یک جزو سوق حب الرمان بکجزو و نیم
به جمع نمایند این نسخه ششم واست مزاج سرد است در یک درجه و ثلث خشک است در آخر
درجه دوم جوارش خوزی نافع است ضعیف ماسکه معده را اخلاط آن هلیله سیاه مقل
از هریک ده درم حب ... داده پنج درم ناخواه صعتر فارسی از هریک سه درم حب الحدید
... سرکه ده درم بعسل کف گرفته معجون سازند این نسخه ششم واست وزن آن چهل و
یک درم مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه و دو ثلث جوارش
شهریاران نافع است معده و جگر سرد را و قولنج را بگشاید و سودا و بلغم برون آرد اجزای
آن سنبل قرفه فلفل دار فلفل انیسون قاقله جوز بوا از هریک دو درم زنجبیل مصطکی ناد
مشک دارچینی شیطرج هندی از هریک سه درم سقمونیا ده درم مغز حب النیل چهار
درم بسفایج پنج درم نمک هندی سه درم ترنجبیل سفید بلیت درم افتیمون دو درم فانید
بلیت درم ... اجزا را کوفته و بیخته بعسل کف گرفته معجون سازند شربتی
... هفت درم ضماد این پنج درم این نسخه بیست جزوست وزن آن یکصد و سه درم
مزاج گرم است در دو درجه و پنج خشک است در یک درجه و ثلث جوارش استسقا
تالیف محمد بن زکریا رازی اخلاط آن سنبل مصطکی گل سرخ ... ریوند چینی از هریک
یکجزو ... در سرکه انگوری خیسانیده و خوب ... سرکه و عسل معجون
سازند شربتی بکمثقال این نسخه هفت جزوست مزاج گرم است در درجه سیم خشک است
در دو درجه و نیم جوارشی که نافع است رطوبت معده را اجزای آن بسد کهربا شکر

مرواريد و بجمشان مشق را آمله قسق و امنج از هر يك شش درم ابريشم خام با درنجبويه لسان
الثور از هر يك ده درم سنبل رومي سه درم كشنيز خشك دو درم بادرنجبويه دو درم بهمن
سفيد از هر يك پنج درم مسك يك درم عنبر اشهب يك درم مصطكي سه درم بعسل كف
گرفته معجون سازند شربتي يك مثقال اين نسخه هجده جزو است وزن آن نود و چهار درم
مزاج گرم است در آخر درجه اول خشك است در يك درجه و نيم جوارش [illegible] مقوي معده
و هضم طعام ميكند و دفع بادهاي غليظ مينمايد اخلاط آن تخم كرفس ناخواه از هر يك ده
درم مصطكي خولنجان قرنفل از هر يك سه درم حب البان [illegible] بيست درم [illegible]
پنج درم بعسل مصفا بسرشته شربتي سه درم اين نسخه هشت جزو است وزن آن چهل و
يك درم مزاج گرم است در ثلث اول درجه سيم خشك است در يك درجه و نيم جوارش [illegible]
مسهل بلغم ميكند صفرا و بلغم را و مناسب است گرم مزاجان را اخلاط آن تربد يك مثقال سقمونيا
يك دانك گل سرخ [illegible] زعفران از هر كدام يك دانك نيم عسل [illegible] سه درم مجموع
يك شربت است اجزاي اين نسخه بغير عسل پنج است وزن آن يك مثقال و پنج دانك و نيم
مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشك است در اول درجه سيم جوارش مقل نافع است [illegible]
معده و جالينوس [illegible] معده را اجزاي آن هليله كابلي بليله آمله [illegible]
مصطكي از هر يك ده درم ناخواه [illegible] درم اجزا را كوفته [illegible] روغن [illegible] چرب كنند
درم مقل در آب [illegible] بسايند [illegible] بسرشته شربتي سه مثقال با آب گرم اين نسخه
هفت جزو است وزن آن هفتاد و پنج درم مزاج گرم است در اوايل درجه دوم خشك است
در يك درجه و نيم جوارش [illegible] كسي كه بول ميكند [illegible] اخلاط آن هليله
زرد بليله آمله [illegible] بلوط [illegible] گل سرخ اجزا مساوي [illegible] را كوفته اجزا را
بروغن گاو چرب كنند و بعسل [illegible] معجون سازند شربتي دو درم با آب [illegible] اين نسخه
شش جزو است مزاج سرد است در اول درجه خشك است در آخر آن جوارش [illegible] كسي
كه بول ميكند [illegible] هليله كابلي از هر يك
ده درم پنج خطمي هفت درم اقاقيا [illegible] از هر يك دو درم [illegible]
سه درم بعسل كف گرفته معجون سازند شربتي دو درم اين نسخه [illegible] است وزن آن
چهل و هشت درم مزاج گرم است در اول درجه اول خشك است در يك درجه و نيم جوارش
سماق

كعك
سماق نافع است اسهال صفرا را اخلاط آن سماق سي درم سويق جو سويق كاورس سيب
بغدادي حب نوب شامي از هر يك ده درم شراب سيب با شكر طبرزد سرشته شربتي پنج درم اين
نسخه هفت جزو است وزن آن هشتاد درم مزاج سرد است در آخر يك درجه خشك است در آخر
درجه جوارش زرعوني منقول از قرابادين نجيبي تقويت باه ميكند اجزاي آن تخم هليون
شقاقل بهمن سرخ و سفيد تودري سرخ تودري [illegible] سقنقور لسان العصافير از
هر يك پنج درم زنجبيل بزر اللفت بزر الرطبه بزر الفجل [illegible] بزر العصل بزر [illegible]
الجزر بزر الكراث خولنجان جوزبوا دارچيني دار فلفل [illegible] اسفيل مشوي از هر يك سه
درم بزر الجزر ده درم فانيد بوزن جميع اجزا همه را كوفته بعسل كف گرفته معجون سازند
اين نسخه بيست و چهار جزو است وزن آن هشتاد و دو درم فانيد مثل آن مزاج گرم است
در اول درجه سيم خشك است در يك درجه [illegible] اطريفل [illegible] معده و [illegible]
[illegible] دهد و گرم كند و طعام بگوارد و مثانه را قوي كند و قوت باه [illegible] اخلاط
آن هليله كابلي بليله آمله [illegible] سبستان [illegible] شقاقل از هر يك [illegible]
سرخ و سفيد و بهمن سرخ و سفيد لسان العصافير از هر يك نيم جزو اجزا را كوفته و بيخته [illegible]
گاو چرب كرده با انگبين [illegible] اين تركيب دوازده جزو است مزاج گرم است و خشك در يك درجه
و نيم اطريفل كبير نافع است سوء هضم و درد معده را خصوصا [illegible] معده و مثانه [illegible]
زياده كند اخلاط آن هليله سياه مقشر [illegible] درم بليله آمله تخم كرفس جبلي [illegible] هندي
ناخواه [illegible] فارسي از هر كدام يك اوقيه سنبل [illegible] از هر يك سه درم دارچيني
چهار درم فلفل سفيد و سياه [illegible] نمك هندي از هر يك نيم اوقيه خبث الحديد [illegible] اوقيه
خردل [illegible] از هر كدام يك اوقيه و نيم [illegible] اجزا را كوفته و بيخته بروغن بادام چرب
كرده بعسل كف گرفته [illegible] معجون سازند [illegible] اين نسخه [illegible] جزو است
وزن آن [illegible] و هفتاد و [illegible] درم و نيم مزاج گرم است در [illegible] درجه و نيم خشك است در آخر
درجه سيم اطريفل ديگر كه [illegible] صفرا [illegible] اخلاط آن هليله
زرد هليله كابلي بليله آمله از هر يك ده درم اصل السوس [illegible] تربد سفيد بيست درم

زنجبیل شیطرج از هریک سه درم شاهترج ده درم گل سرخ پنج درم با انگبین مصفا بسرشند
شربتی از چهار درم تا پنج درم این ترکیب ده جز واست وزن آن هفتاد و هفت درم مزاج گرم است
در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم اطریفل غیاثی هلیله زرد چهل درم
هلیله کابلی سی درم بلیله آمله بیست درم شاهترج پانزده درم سنا مکی ده درم گل
سرخ بسفایج انیسون مصطکی از هریک پنج درم اجزا را با روغن بادام چرب کنند و با انگبین بسرشند
اگر رطوبتی باشد شش درم ترید با آن یار کنند و اگر سقمونیا [illegible] حاجت با آن یار کنند اسهال
بیشتر کند این نسخه نه جز واست وزن آن یکصد و پنجاه و یک درم [illegible] مزاج گرم است
در اول درجه اول خشک است در آخر درجه دوم نسخه دیگر مختصر هلیله سیاه هلیله
کابلی بلیله آمله زنجبیل [illegible] اجزا مساوی [illegible] با روغن گاو چرب کنند
و با انگبین مصفا بسرشند این نسخه هفت جز واست مزاج گرم است و خشک در آخر درجه
اول اطریفل افتیمون هلیله کابلی بیست درم بلیله آمله از هریک ده درم سنا مکی
افتیمون ترید از هریک پنج درم شیطرج سه درم بسفایج یک درم انیسون نمک نفطی از
هریک دو درم با انگبین مصفا بسرشند شربتی چهار درم این ترکیب ده جز واست وزن
آن شصت و سه درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در اول آخر درجه دوم
اطریفل [illegible] هلیله سیاه پانزده درم بلیله آمله ترید از هریک هفت درم ایرسا
ده درم بسفایج اسطوخودوس سنا مکی از هریک پنج درم شیطرج زرباد غاریقون از
هریک سه درم انیسون مصطکی [illegible] قرنفل قرفه سنبل [illegible] از هریک دو درم نوشادر
سه درم [illegible] خشک کرده [illegible] باشد پنج درم با انگبین بسرشند شربتی پنج درم
این بیست جز واست وزن آن نود و دو درم مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است
در اول درجه سیم اطریفل مقل هلیله کابلی بلیله آمله اجزا مساوی مقل مساوی همه
داروها مقل را در آب کنند تا حل کنند و با انگبین مصفا بسرشند شربتی چهار درم این نسخه چهار
جز واست مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم اطریفل [illegible]
[illegible] هلیله کابلی بیست درم بلیله آمله از هریک ده درم [illegible] پانزده درم شیطرج سعد
زنجبیل

زنجبیل از هریک سه درم ساذج هندی [illegible] درم بسفایج اسطوخودوس از هریک هفت درم [illegible]
غاریقون شش درم قسط سه درم کندر مصطکی [illegible] انیسون از هریک دو درم
فلفل دار فلفل [illegible] از هریک چهار درم با انگبین مصفا بسرشند شربتی سه درم تا چهار
درم این ترکیب بیست جز واست وزن آن یکصد و چهارده درم مزاج گرم است در یک درجه
و سه ربع خشک است در اول درجه سیم اطریفل کشنیزی [illegible] کرم [illegible]
[illegible] آن هلیله کابلی بلیله آمله کشنیز خشک از هریک جز وی
همه را بکوبند و به روغن بادام چرب کنند و بکشمش بسرشند و بعضی کشنیز مساوی همه [illegible]
کنند شربتی یک مثقال [illegible] مثقال صاحب اختیارات میگوید که باشد وزن ادویه عسل
بسرشند [illegible] خواهد بود در آخر درجه و اگر با کشمش بسرشند [illegible]
[illegible] در یک درجه و خشک در اول درجه سیم اطریفل دیگر [illegible]
[illegible] کابلی ده درم ترید حب النیل قسط تلخ از هریکی پنج درم [illegible]
[illegible] افتیمون [illegible] ملح هندی [illegible] سفید [illegible] حنظل سعد [illegible]
از هریک نیم استار با انگبین مصفا بسرشند شربتی از [illegible] درم تا چهار درم این نسخه چهارده
جز واست وزن آن [illegible] و شش درم و چهار دانگ مزاج گرم است و خشک در اول درجه
سیم اطریفل دیگر [illegible] اجزای آن هلیله کابلی بلیله
آمله ترید زنجبیل [illegible] اجزا مساوی [illegible]
بسرشند [illegible] این نسخه شش جز واست مزاج گرم است در اول
درجه دوم خشک است در آخر آن اطریفل خبث الحدید نافع است [illegible] بواسیر [illegible]
[illegible] و معده را [illegible] آن هلیله سیاه بلیله
آمله [illegible] شیطرج هندی [illegible] از هرکدام یک
[illegible] الطیب [illegible] از هریک نیم اوقیه [illegible] اوقیه و نیم نوشادر
نیم درم خبث الحدید سه درم عسل [illegible] روغن گاو [illegible] کفایت باشد این نسخه [illegible]
جز واست وزن آن [illegible] درم مزاج گرم است در اول درجه سیم خشک است
[illegible] درجه [illegible] اطریفل [illegible] نافع است [illegible] معده و رطوبت آن را و ریاح
بواسیر را [illegible] اطریفل آن هلیله کابلی بلیله آمله بلیله [illegible]

الموی شیطرج هندی تخم کرفس انخواه صعتر فارسی از هر کدام یک اوقیه سنبل الطیب
حماما هیل و ج از هر یک سه درم دارچینی چهار درم فلفل دار فلفل نانخواه نمک هندی
از هر یک نیم اوقیه خردل یک اوقیه و نیم نوشادر و نیم درم خبث الحدید سه درم عسل
کافی تعتریه که کفایت باشد این نسخه نوزده جزو است و زنه آن صد و سی و دو درم مزاج گرم
در اول درجه سیم خشک است در دو درجه و نیم اطریفل دیگر نافع است سترخای
معده و رطوبات آن را و دفع ریاح بواسیر را و ... و برای نکو کردن اخلاط آن هلیله
کابلی شیر آمله بلیله مقشر و تخم الموی اجزا مساوی بکوبند و بروغن گاو چرب کنند بعسل
مصفا بسرشند این نسخه سه جزو است مزاج سرد است در دوم درجه خشک است
در آخر دوم درجه اطریفل مقل مثل این پوست هلیله سیاه و هلیله زرد آمله مقشر
اسطوخودوس افتیمون بسفایج از هر یک ده درم مقل نلو پس خیار شنبر از هر یک سی درم
بانکبین مصفا بسرشند مقل و خیار شنبر در آب حل کرده و عسل کف گرفته بر سر آن کنند
و باقی ادویه بهم بسرشند این ترکیب هشت جزو است و زن آن یکصد و بیست درم مزاج گرم است
در یک درجه و نیم خشک است در اول درجه شیم اطریفل شاهتره منقول از ... باد من
... آن هلیله زرد چهل درم هلیله کابلی سی درم بلیله آمله از هر یک ده درم
شاهتره مکی ده درم شاهتره سی درم توبد چینی حب کدر از هر یک دو درم مجموع اجزا
کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده و بعد آن ادویه کشمش بسرشند شربتی از یک مثقال
تا چهار درم این نسخه هشت جزو است و زن آن صد و سی و چهار درم مزاج گرم است
در یک درجه و نیم خشک است در آخر دوم درجه اطریفل اکبر نافع است سترخای معده
و باد بواسیر که در دو دوف باشد و با هر اقت نهد اخلاط آن هلیله سیاه بلیله
آمله دار فلفل فلفل از هر یک سه جزو و زنجبیل بوزیدان شیر آمله شیطرج هندی
شقاقل و در نسخه دیگر یافت شده بسباسه از هر یک یک جزو وقد دیگر شیرخشت و سفید
لسان العصافیر تخم انار و بزی که آن را حب القلقل گویند کنجد مقشر شکر طبرزد
از هر یک دو جزو و بهمن سرخ و سفید از هر یک نیم جزو بعسل کف گرفته بسرشند
این ترکیب نوزده جزو است مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در یکدرجه
و نیم

و نیم ایارجات صاحب ذخیره میگوید که اهل یونان ایارج دارویی مسهل را گفته اند و تفسیر
ایارج دارویی الهی است و این نام دارویی مسهل را از بهر آن نهاده اند که اسهال دارویی
مسهل بجرم او نیست بلکه بقوت آن است و آن قوت الهی است از بهر آنکه طبیعت و اخلاط
مسخر قوت دارو شوند تا اثر و فعل وی پیدا آید و نخستین مسهل معروف ایارج روفس
بوده است پس بروزگار مسهلهای دیگر ساخته اند و ایارج نام نهاده اند و
ایارج از بهر آن ساخته اند که از داروهای مسهل چون خربق و شحم حنظل میترسیدند
هر وقت خواستند که استفراغی کنند داروهای مسهل را با داروهای دیگر که بعضی
مصلح آن است و بعضی باد زهر آن و بعضی بدرقه ترکیب کردند پس شد نیچ دارویی
مسهل بخشند و طبخ آن دادند با دارویی که مصلح آن باشد و ... شدند
و جها ساختند و از ساختن ایارج و بسیاری داروهای آن مستغنی شدند اما
شربت ایارجات چهار مثقال داده اند و نمکی که آن را ملح العجین گویند با آن ترکیب
میکنند و با طبیخ افتیمون میدهند صفت طبیخ افتیمون افتیمون چهار درم موبز
دانه بیرون کرده ده درم هلیله سیاه هفت درم اسطوخودوس سه درم اند در
یکمن و نیم آب بپزند تا دو بهره برود و یک بهره بماند بعد از آن بپالایند و با ایارج اندر
وی بگدازند و بدهند و سه روز از پس استفراغ زیرباج فرموده اند و شراب ...
و ایارجات بدین ترتیب داده اند این نسخه چهار جزو است و زن آن بیست و چهار
درم مزاج گرم است در آخر دوم درجه اول خشک است در آخر دوم درجه ایارج ذوقس
همه بیماریهای بلغمی و سودائی و داء الثعلب ... اخلاط آن شحم حنظل بیست
مثقال کمادریوس ده مثقال غاریقون ده مثقال سکبینج جاوشیر از هر یک هشت
مثقال فطراسالیون فلفل سفید و سیاه زراوند مدحرج از هر یک پنج مثقال
دارچینی سلیخه اسطوخودوس زعفران جعده مر از هر یکی چهار مثقال صمغها
حل کنند و همه را بانگبین مصفا بسرشند شربتی چهار مثقال با طبیخ افتیمون و در
بعضی نسخه سلیخه و اسطوخودوس از هر یک هشت مثقال کرده اند این نسخه یازده
جزو است و زن آن یکصد مثقال مزاج گرم است در دوم درجه و نیم خشک است
در دوم درجه و ربع نسخه دیگر از شابور بن سهل اجزای آن شحم الحنظل بیست درم

صبر پنج درم خولنجان ده درم کمادریوس پلیبق درم سکبینج جاوشیر از هر یک هشت درم
زراوند مدحرج فطراساليون فلفل سیاه و سفید از هر یک پنج درم سنبل سلیخه دارچینی
زعفران زنجبیل از هر یک دو درم بانگبین مصفا بسرشند و در نسخه سیاه تخم
این سه جز اضافه است کمافیطوس غاریقون فراسیون از هر یک چهار درم این نسخه هفده
جز است وزن آن یکصد و پنج درم مزاج گرم و خشک است در درجه دوم و نیم ایارج لو
غاذیا نسخه معروف و فواید داروی است مبارک و منفعت آن بسیار است مادتهای بد
از قعر تن بکشد و اسهال او بی رنج باشد همه بیماریهای سرد و دیوانگی و صرع و
کزاز و فالج و استرخا و سکته را ببرد و معده را پاک کند و سده جگر بگشاید و حیض و
آورد و تنگی نفس را ببرد و همه بیماریهای بلغمی که از بلغم خام تولد کند ببرد و تبهای
مختلف را و بیماریهای سوداوی را و اوجاع مفاصل را و نقرس و عرق النسا را و
داء الثعلب را و ریشهای کهنه که بوسیر باشد و بهق و برص و حق با و تقشر و جذام
و خنازیر و همه اماسهای سرد را و سرطان را ببرد اخلاط آن شحم حنظل پنج درم بصل
الفار مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه اشق اسقوردیون از هر یکی چهار
درم افثیمون کمادریوس مقل صبر از هر یکی سه درم حاشا هیوفاریقون سادج هندی
فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید و سیاه دار فلفل دارچینی زعفران بسفایج
جندبیدستر فطراساليون مر زراوند طویل عصاره افسنتین فربیون سنبل حاما
زنجبیل از هر یکی دو درم خطیانا اسطوخودوس از هر یکی یک درم و نیم بانگبین مصفا
بسرشند چنانکه رسم است شربتی چهار مثقال با یک درم ملح الجبین پس از شش ماه
[illegible] افثیمون این نسخه سی و شش جز واست وزن آن نود درم مزاج گرم و خشک است
در درجه دوم نسخه دیگر این نسخه [illegible] است که استاد احمد فرج کرده و
نکوست اجزای آن شحم حنظل پانزده درم بصل الفار مشوی هشت درم غاریقون
ده درم سقمونیا پانزده درم خربق سیاه اشق ده درم اسقوردیون پنج درم کما
دریوس هفت درم مقل هشت درم صبر پانزده درم حاشا دو درم هیوفاریقون
هفت درم فلفل سیاه و سفید دار فلفل زعفران از هر یکی چهار درم دارچینی
مر فطراساليون از هر یکی چهار درم جاوشیر عصاره افسنتین از هر یک پنج درم اسفایج
هشت

هشت درم جندبیدستر زراوند طویل سنبل زنجبیل خطیانا از هر یکی سه درم فربیون دو درم
حاما دو درم اسطوخودوس پنج درم بانگبین مصفا بسرشند چنانکه رسم است این نسخه
سی و پنج جز واست وزن آن دویست ده درم مزاج گرم است در درجه دوم و نیم خشک است
در درجه اول ایارج ارکاغانیس این نسخه معروف و همه بیماریهای بلغمی و سوداوی را
و خلطهای غلیظ و خام را سود دارد و ابتداء آب فرو آمدن چشم را سود دارد و درد
گلو و تنگی نفس و کوفتگی و آواز ببرد خناق و درد معده و درد [illegible] و رحمه الله
سداب سود دارد خاصه اگر بسه قیراط جندبیدستر بوی زیادت کنند و خداوند درد
پشت و کلیه و خصیه را و طبیخ کرفس سود دارد و خداوند عرق النسا را در طبیخ قنطوریون
سود دارد خاصه اگر چهار قیراط عصاره قثاء الحمار در وی ترکیب کنند و اندر آب قیصوم
هم سود دارد و کسی را که سگ دیوانه گزیده باشد با یک درم سرطان بحری محرق بدهند
سود دارد و خداوند جرب و حکه را اندر طبیخ شاهتره سود دارد اجزای آن شحم حنظل
دو درم فراسیون اسطوخودوس خربق سیاه کمادریوس سقمونیا فلفل سفید دار فلفل
از هر یکی حلوقیه بصل الفار مشوی فربیون صبر زعفران خطیانا فطراساليون اشق
جاوشیر از هر یکی یک اوقیه جعده دارچینی سکبینج مر سنبل اذخر جوزبوا زراوند مدحرج
از هر یکی دو درم بانگبین بسرشند چنانکه رسم است شربتی چهار مثقال و در نسخه چهار
مثقال کمادریوس نیست این نسخه بیست و چهار جز واست وزن آن دویست و هفتاد و
سه درم و چهار دانگ مزاج گرم و خشک است در آخر درجه سیم ایارج جالینوس منافع
این ترکیب از منافع لوغاذیا و پیکرا و ارکاغانیس تمام تر است و لطیف تر و خداوند لقوه و فالج و
تشنج و خدر و بواسیر و خداوند جای مثانه را سود دارد و بول آمدن دشوار را سود دارد و خلطهای
غلیظ و لزج از تن پاک کند اخلاط آن شحم حنظل غاریقون بصل الفار مشوی اشق سقمونیا
خربق سیاه هیوفاریقون فربیون از هر یکی شانزده درم بسفایج افثیمون مقل کمادریوس
سلیخه از هر یک هفت درم مر سکبینج زراوند طویل زراوند مدحرج فلفل سفید و سیاه
دارچینی جاوشیر جندبیدستر فطراساليون از هر یکی چهار درم و بعضی طبیبان زعفران
و صبر از هر یکی چهار درم اضافه کردند اجزا را بکوبند و بانگبین مصفا بسرشند شربتی
از شش ماه چهار درم و اندر بعضی نسخها فراسیون آورده اند و در لسفایج و افثیمون

ومعقل و کمادریوس و سلیخه و فراسیون نه درم کوده اندازین نسخه بلیت و چهار جزو وزن
آن دو بیست و هفت درم مزاج گرم و خشک است در دوم درجه و نیم ایارج شادر نطوس بود
نام این ترکیب نام ملکی است که این ترکیب در عهد وی ساختند و از داروهای شریف
و قدیم است پیش از عهد جالینوس ساخته اند همه انواع سوء المزاج را که از سردی و تری
بود سود دارد و قولنج بگشاید و اسهال برنج کند و حیض و بول و ادرار کند و فراموشکاری
زایل کند و برص و جذام و استسقای که از سردی و ضعف جگر باشد باز دارد و درد
جگر و سپرز و کلیه و رحم را سود دارد و خداوند صرع را چنانکه گفته شد باب شفا توجمل
کنند و اندر بلی حکایت و خداوند لقوه را همچنین سود دارد شربتی چهار مثقال از این
طبخ افتیمون و غاریقون بسبایج نیش ماء الجبن آن صبر سقوطری یازده درم غاریقون
بلیت درم زعفران دارچینی مصطکی دوغن بلسان از هر یک سه درم دیوی اذخر
یک درم و نیم عود بلسان حب بلسان فرفیون فلفل سفید و سیاه دار فلفل خولنجان
رومی نقاح اذخر از هر یکی دو درم سنبل الطیب کمادریوس افتیمون از هر یک چهار درم
اساروس سلیخه سقمونیا از هر یک شش درم سنبل سه درم و نیم حماما از هر یک یک درم
با انگبین بسرشند این ترکیب جلیت و مجرب است وزن آن یکصد و سه درم مزاج گرم
و خشک در اول درجه سیم ایارج شیخ ابو علی حب نقاسیا یک درم شحم حنظل یک مثقال
صبر پنج مثقال ملح هندی یک درم غاریقون دو مثقال حجر ارمنی نیم مثقال شربتی یک درم
فلفل سفید یک مثقال زنجبیل دو مثقال و حماما اسارون حب بلسان حاما صعتر
بوزیدان و تخم کرفس از هر یک سه درم لسان الثور ده درم شاهسفرم تخم خشک
تخم بادرنجبویه از هر یک دو درم تخم اترج چهار درم نعناع خشک دو درم افتیمون
یک درم و نیم با انگبین مصفا بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند این ترکیب بلیت و مجرب
و وزن آن هفتاد درم مزاج گرم و خشک است در آخر یکم درجه ایارج فیقرا فیقرا بلغت
یونان تلخ است چون اصل این ایارج صبر است فیقرا ایشان مسمی گشته و آن نوع از
اخلاط آن سنبل سلیخه مصطکی دارچینی اساروس حب بلسان عود بلسان زعفران
از هر یک جزوی صبر اسقوطری دو چندان همه را کوفته بعضی صبر مثل دارو ها
کنند شربتی دو درم نسخه معروف این است و مجرب و است چنانکه مذکور شد مزاج
گرم

گرم و خشک است در اول درجه سیم و اطبا از بهر بیماری معده فیکرا کنند و حب ایارج در افعی و در نار بعضی
داروهای اسباد اله کرم اقسا دارچینی از لطافت نافع احشا است و مصطکی از بهر نفع معده است
سلیخه و زعفران از جهت بر انیدن اخلاط است و از جهت قوت دل و بعضی اطبا خداوند صداع گرم را
زعفران کم کنند و بعوض آن گل سرخ کنند و همچنین از جهت خداوند غشیان و قی زعفران را
نشاید که بعوض آن گل کنند و اساروس با اسهال یاری دهد و رطوبتها را دفع کند و احشا را
سود دارد و گاه باشد که بعوض اساروس کبابه کنند از جهت لطافت آن حب بلسان عود
بلسان معده را قوت دهد و تحلیل کند و بعضی طبیبان فقاح اذخر اندر افزایند تا سیح
که از صبر افتد باز دارد و بعضی مردمان ایارج خشک نگاه دارند و بعضی به مقدار
دار و ها انگبین بسرشند و ایارجه با انگبین سرشته باشد اسهال زود تر کند و شیخ ابو
علی می فرماید که من صواب آن بینم که مقل حل کنم و از آب مقل بسرشم و افراط کنم
و بعضی صبر مغسول کنند از جهت عمر و طران لیکن اسهال کمتر کند و کسی را که تب سخت
گرم نباشد شاید داد شیخ می فرماید که ایارج حنفرا صبر آن مغسول تا گرد و کسانی که تب
سو دارند عذری ترسانند و اسهال ایارج اندک باشد و دیر بود و باشد که اسهال
زود دوم و ماده را از اعضا و غذا کند چون معده فرود و ها و از حکما گفته اند که جذب
کند و رطوبتها از دماغ بیرون آورد و خداوند لقوه و گرانی زبان و استرخای اندامها و
خداوند اوجاع مفاصل و خداوند تخم اسود را سود دارد نسخه دیگر از نسخه یحیی بن ماسویه
از جهت خداوند بواسیر و خداوند بتهای کهن ساخته اند و صداع ملتوی و ستی دانی
بر اجزای آن مرانیسون حنظیا ناقسط قصب الذریره سلیخه عصاره افسنتین شاهسفرم
زعفران جعده از هر کدام یک درم حضض عصاره غافث از هر یک سه درم شربتی یک درم
و نیم این نسخه دوازده جزو است وزن آن شانزده درم مزاج گرم است در یکم درجه
و نیم خشک است در یکم درجه و سه ربع نسخه دیگر بتهای کهن را زایل کند و حکمی
سپرز را پاک کند اخلاط آن اسطوخودوس پنج درم مصطکی سه درم نقاح اذخر
عصاره افسنتین عصاره غافث از هر یکی دو درم و نیم جعده سه درم سنبل دارچینی
اساروس سلیخه عود بلسان حب بلسان زعفران از هر یکی دو درم صبر مثال

هم دارو ها این نسخه چهارده جزواست و وزن آن شصت و پنج درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه
درجه درم ایارج هو فیقرا طیس وهو بقراط الحکیم اجزای آن خربقا ناسیلی سنا دانه مدحرج سلیخه
دارچینی نطل اسالیون کمادریوس اسطوخودوس بلفلموس مصطکی از هر کدام یکدرم و چهار درم
حب البان زعفران از هر کدام یکدرم و نیم صبر هجده درم شحم حنظل شش درم با انگبین مصفا السرشتند
این نسخه پانزده جزواست و وزن آن چهل و یکدرم مزاج گرم و خشک است در دوم درجه و ربع
ایارج دیگر از بقراط حکیم اجزای آن قثاء الحمار فلفل سفید و سیاه دارفلفل کادیوس از هر یک
پنج مثقال زعفران مر سقمونیا از هر یک ده درم اسق یکدرم با انگبین مصفا بسرشتند این نسخه
نه جزواست و وزن آن چهل ده درم و نیم مزاج گرم است در دوم درجه و سه ربع خشک است
در دوم درجه و نیم ... حب الذهب خداوند درد سر و درد چشم اسود دارچینی اجزای
آن بلیلج درم هلیله زرد ده درم مصطکی کثیرا سقمونیا زعفران از هر یک سه درم گل
سرخ پنج درم جمله بکوبند و بپزند و بکلاب بسرشتند و حب کنند شربتی دو درم
این نسخه هفت جزواست و وزن آن چهل هفت درم مزاج گرم است در یکم درجه و نیم خشک است
در آخر درجه دوم حب اصطمحیقون تن را از بلغم غلیظ و سودا و عادتها پاک کند اخلاط
آن هلیله کابلی شش درم ملح هندی افسنتین دو درم غاریقون سقمونیا از هر یک سه درم
اسارون ایلیفون تخم کرفس از هر یکی دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنج درم ایارج
فیقرا هفت درم حنظل یکدرم تا بنهند چهار درم را بپزند در آب یکدانه ... بقوام آرند و دارو
کوفته و بیخته بدان بسرشتند و حب سازند هر یک چون فلفل شربتی دو مثقال این نسخه
دوازده جزواست ... و وزن آن چهل و چهار درم مزاج گرم است در اول درجه و نیم
خشک است در دوم درجه و ربع حب قوقایا ... جالینوس خداوند درد سر و درد چشم را
سودا دارد و تن از فضول پاک کند اخلاط آن مصطکی عصاره افسنتین اگر عصاره نیابند
افسنتین صبر سقمونیا شحم حنظل اجزا مساوی یکدیگر بکوبند و بپزند و بآب کرفس خمیر سازند
و صافی کنند و داروها بدان بسرشتند و حب سازند شربتی از یک مثقال تا یکدرم این نسخه
پنج جزواست مزاج گرم است و خشک در دوم درجه و نیم حب سورنجان ... از مفاصل
... نافع است اوجاع مفاصل و نقرس را اخلاط آن فنطوریون ... پنج درم تربد
سفید هفت درم سورنجان ... درم سکبینج چهار درم عاقرقرحا دو درم صبر
اسق

سقمونیا شش درم شحم حنظل غاریقون فوه از هر یک سه درم حب نیل سه درم یکدرم اجزا را
کوفته و بیخته بآب کرفس حب سازند شربتی از دو درم تا سه درم این نسخه ده جزواست
و وزن آن یکصد و سی درم مزاج گرم است و خشک در یک درجه و ثلث حب منتن اخلاط
غلیظ را کم کند و سده میگشاید و نفع میکند وجع مفاصل و خاصره را و بهق و جذام
و داء الفیل را سود میدارد و این حب معروف است مجرب ما هانی اخلاط آن اشق
سکبینج جاوشیر مقل صبر هلیلج شحم حنظل از هر یک هشت درم بزرم افتیمون فربیون
شیطرج سورنجان از هر یک چهار درم تربد ده درم حب نیل ستر درم سقمونیا سه
درم غاریقون دو درم زعفران سنبل قاقله بیخ خطمی سفید مصطکی دارچینی خولنجان
از هر کدام یکدرم صمغها در آب بجوشانند تا حل شود باقی اجزا را کوفته بآب صمغ حب
سازند این ترکیب بیست و چهار جزواست وزن آن یکصد و هشت درم مزاج گرم است
در دوم درجه و ربع خشک است در دوم درجه و نیم حب منتن اکبر نافع است
وجع و قولنج و نقرس و درد پشت و زانو را پاک کند بدن را از خلط غلیظ لزج اجزای
آن مقل سکبینج جاوشیر بزرجمل شحم حنظل صبر افتیمون از هر یک ده درم سقمونیا
شش درم دارچینی سنبل زعفران خربق سیاه از هر یک دو درم فربیون یکدرم
صمغها را بآب کنند تا حل کنند و باقی اجزا را با آن بسرشتند شربتی دو درم این نسخه سیزده
جزواست و وزن آن هشتاد و پنج درم مزاج گرم است در دوم درجه و سه ربع خشک است
در دوم درجه و نیم حب منتن اصغر پاک میسازد خلط غلیظ لزج را از پشت و زانو
اخلاط آن سکبینج اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم
شحم حنظل دوازده درم صمغها حل ساخته آنگه اجزا کوفته و بیخته بآن خمیر سازند
شربتی دو درم بآب نیم گرم این نسخه هفت جزواست و وزن آن هشتاد درم مزاج گرم است
در دوم درجه و نیم خشک است در دوم درجه و ربع حب منتن نسخه ...
نفع میکند وجع مفاصل و نقرس را و هر دردی که از بلغم خام و صفرا و سودا
باشد و نافع است فاما اجزای آن صبر هلیله زرد ... چهل ...

لباب تربد اشق جاوشیر سکبینج مقل الیهود از هر یک چهار درم شحم حنظل سه درم سقمونیا
دو درم فربیون جند بیدستر دارچینی زعفران از هر کدام یک درم صمغ عربی را با آب کنند تا با آب
کوبیده یکروز ویکشب بخیسانند بعد از انکه فی الجمله حل شود بکوبند چندانکه هموغ
چون مرهم شود پس از آن ادویه را کوفته و بیخته با آن حب سازند هر کدام فلفلی و در سایه
خشک کنند شربتی دو درم در اول با آب نیم گرم [illegible] این نسخه را نوزده جزو است و وزن
آن چهل و پنج درم مزاج گرم و خشک است در دو درجه و نیم حب شطرج اکبر [illegible]
درد سرین و عرق النسا را و درد پشت و گردن را سود دارد و خلط لزج را دفع کند
اخلاط آن سکبینج اشق مقل جاوشیر فربیون از هر کدام یک درم صبر افتیمون غاریقون
از هر کدام یک درم و نیم زراوند مدحرج قنطوریون باریک جند بیدستر از هر یکی دو درم
دار فلفل زنجبیل نانخواه زیره کرمانی انیسون تخم کرفس مر زعفران از هر یک چهار
دانک هلیله زرد سورنجان بیخ ماهیزهره از هر یک دو درم و نیم خردل شطرج
شحم حنظل [illegible] ملح هندی از هر یک چهار دانک با آب کاکنج حل کنند و حب سازند
شربتی دو درم این نسخه بیست و هفت جزو است و وزن آن سی و یک درم و چهار
دانک مزاج گرم و خشک است در آخر درجه دوم حب شطرج اصغر هلیله زرد
ده درم صبر بیست درم زنجبیل دو درم فلفل دار فلفل از هر کدام یک درم خردل
سه درم شطرج ملح هندی شحم حنظل از هر یک دو درم فانید چهار درم با آب کوبیده
حب سازند این نسخه ده جزو است و وزن آن چهل و هفت درم مزاج گرم است در
آخر درجه دوم خشک است در اول درجه سیم نسخه دیگر صبر سورنجان تربد
از هر یک ده درم شطرج ملح نفطی شحم حنظل غاریقون هزار اسفند سکبینج مقل
از هر یک دو درم زنجبیل دار فلفل مصطکی فلفل خولنجان قسط نانخواه آب
هر کدام یک درم افتیمون هلیله سیاه از هر یک پنج درم با آب کوبیده و کاکنج حب سازند
شربتی دو درم این نسخه بیست و یک جزو است و وزن آن هشتاد و چهار درم مزاج
گرم است و خشک در آخر درجه دوم حب غافت خداوند درد جگر و یرقان را
سود دارد اخلاط آن صبر عصاره غافت هلیله زرد اجزا مساوی بکوبند با آب
کوبیتن

است خشک
کوبیتن حب سازند شربتی دو درم این نسخه سه جزو است مزاج گرم است در نیم درجه
در آخر درجه حب جاثلیق این حب [illegible] است حاد بلغم و سودا ببرد [illegible] و بادها
که موجب ضعف هضم باشد بشکند و در زمستان و تابستان میتوان خورد اخلاط آن
دارچینی زعفران قسط سنبل حماما کاد دوقو حب البلسان محلب قرنفل غاریقون از هر یک
دو درم مرمکی از هر یک سه درم صبر سقوطری سیزده درم در تابستان بگلاب حب سازند
و در زمستان بشیره کرفس شربتی دو درم پیش از طعام و بعد از یکساعت غذا بخورد
[illegible] این نسخه سیزده جزو است و وزن آن چهل و دو درم مزاج گرم است در اول درجه
سیم خشک است در آخر درجه دوم حب برمکی سر را و اطراف را پاک کند و نافع است
اورام [illegible] بعد باید که بخوابد تا مواد را از همه اعضا منجذب تمام ببرد اخلاط آن صبر
سقوطری شحم حنظل از هر یک هفت مثقال زعفران سنبل دارچینی حب بلسان انیسون
مصطکی افسنتین [illegible] از هر کدام یک مثقال سلیخه نیم مثقال اجزا کوفته و بیخته
با آب نیم گرم حب سازند و در [illegible] ساختن [illegible]
و استعمال [illegible] و خشکی طبیعت [illegible] اقل آن سه حبه است و اکثر آن یازده
و شربت تام دو درم است در وقت خواب این ترکیب دوازده جزو است و وزن آن
بیست و سه مثقال و نیم مزاج گرم است و خشک در دو درجه و نیم حب ابن الحارث
بثهای بلغمی و جمله دردهای بلغمی را ببرد و [illegible] شربت [illegible] بهق سیاه و سفید [illegible]
اخلاط آن هلیله سیاه هلیله زرد افربیون مقل سکبینج شحم حنظل از هر یکی پنج [illegible]
خردل سفید صعتر فارسی شونیز زیره کرمانی نمک طبرزد علک رومی از هر یک
[illegible] صمغ عربی را با آب حل کنند و داروها را بآن بسرشند و حب کنند مقدار فلفلی
هر بامداد مثقالی از آن بخورند و طعام دیرتر خورند این نسخه سیزده جزو است مزاج گرم است
و خشک در آخر درجه دوم حب ابن هبیره ظاهر النفع است در دفع ریاح و سعال و باد
بواسیر و بلغم خام و بهق و جرب و در زمستان و تابستان توان خورد اخلاط آن هلیله
زرد و سیاه بلیله [illegible] از هر یک دوازده مثقال آمله شش مثقال شطرج
هندی دار فلفل از هر یک پنج مثقال [illegible] از هر کدام یک مثقال [illegible] صبر از هر یک

سه مثقال مجموع اجزا را کوفته و بیخته بروغن بنفشه حب سازند و در سایه خشک کنند
شربتی شش مثقال ضعیف شب با آب گرم بنوشند نفع عجیبی بر آن مترتب خواهد شد این ترکیب
ده جزو است وزن آن شصت مثقال مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است در آخر
درجه حب جامع بزرجمهر نفع میدهد بیماران بلغم و مره صفرا و مره سودا و همچنین سرطان
نفع میدهد هرگاه که در سر یکی از این خلطها باشد و میگشاید [illegible] و بادی که از این خلطها
بهم رسیده باشد و نفع میدهد معده را [illegible] و نفع میدهد جگر را و تقویت آن
میکند و نفع میدهد تحلیل [illegible] را و بیماریهای کهنه را و ساکن میکند جمیع اخلاط را و نفع میدهد
انواع [illegible] که بواسیر داشته باشند و محتاج بخوردن این حب شود باید
که ابهام [illegible] بروغن بادام شیرین چرب سازد و حبوب را با آن دو انگشت چرب کند
و بخورد چون چنین کنند نخواهد [illegible] اجزای آن ایارج فیقرا بیست و چهار درم هلیله
سیاه و زرد از هر یک شش درم مصطکی افسنتین عصاره غافت عصاره افسنتین از هر یک
دو درم گل سرخ چهار درم اجزا را کوفته و بیخته و با آب حب سازند مقدار فلفلی شربتی دو درم
و نیم چون دو ساعت از اول شب بگذرد پیش از خوابیدن بخورد و بخوابد در شب [illegible]
مرتبه اطلاق واقع میشود و باقی عمل در روز نخواهد بود این نسخه هشت جزو است و وزن آن
چهل و هشت درم مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در دو درجه و ثلث حب
سکبینج خداوند درد زانو و درد سرین و تهیگاه را سود دارد اخلاط آن تخم کرفس هزار
اسفند از هر کدام یک درم سکبینج مقل از هر یک دو درم ایارج فیقرا دو درم شحم حنظل
غاریقون از هر کدام یک درم تربد شش درم شربتی دو درم با آب نیم گرم این نسخه هشت جزو است
وزن آن شانزده درم مزاج گرم است و خشک در آخر درجه دوم نسخه دیگر خداوند
قولنج و بیماریهای کهن را نافع بود خاصه غلیظ سود دارد و حیض بگشاید [illegible]
اجزای آن سکبینج صبر تخم کرفس انیسون [illegible] هلیله زرد از هر یکی پنج درم تربد بیست
درم شحم حنظل سه درم سقمونیا دو درم شربتی از دو درم تا سه درم این نسخه هفت
جزو است وزن آن پنجاه درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم نسخه دیگر
قولنج را سود کند بگشاید اخلاط آن سکبینج حنظل از هر یک ده درم سقمونیا سه درم و [illegible] دانگ

باب

باب [illegible] حب کنند شربتی از یک درم تا یک مثقال این نسخه سه جزو است وزن آن بیست و سه درم
و دو دانگ مزاج گرم است و خشک در آخر سه درجه نسخه دیگر بیماریهای بلغمی را و
فالج و لقوه را و وجع مفاصل [illegible] اجزای آن سکبینج اشق مقل جاوشیر شحم حنظل از هر یک
ده درم زنجبیل فلفل دارفلفل [illegible] از هر یکی دو درم هلیله کابلی
بلیله آمله از هر یک سه درم تربد پنج درم زعفران دو درم سورنجان سه درم صبر
بیست درم با آب گندنا حب کنند شربتی از دو درم تا سه درم این ترکیب نوزده جزو است
وزن آن صد و شش درم مزاج گرم است در آخر دو درجه خشک است در اول درجه
سیم حبی که کرمان [illegible] و حب القرع [illegible] کبیل دارو فلفل سفید برنگ کابلی
[illegible] از هر یکی پنج درم ترمس هفت درم شیح ده درم [illegible] سفید
نوزده درم قسط مر از هر یک هفت درم شربتی [illegible] درم با آب [illegible] این نسخه ده جزو است
وزن آن هفتاد و یک درم مزاج گرم است و خشک در اول درجه سیم حبی دیگر [illegible]
[illegible] خشک برنگ کابلی کبیل دارو از هر یک ده درم تربد [illegible] ده درم
[illegible] هشت درم شربتی سه درم تا [illegible] درم با طبیخ شیح یا با سرکه [illegible] این نسخه [illegible] جزو است
وزن آن شصت و هشت درم مزاج گرم است و خشک در آخر دو درجه حب صبر
خداوند گر و خارش را سود دارد اخلاط آن صبر یک درم هلیله زرد یک درم سقمونیا
یک دانگ و نیم گل سرخ یک دانگ و نیم کثیرا نیم دانگ با آب کاسنی یا با آب شاهتره حب کنند
و این یک شربت است این نسخه پنج جزو است وزن آن دو درم و سه دانگ و نیم مزاج گرم است
در یک درجه و نیم خشک است در آخر دو درجه حب فرفیون خداوند استسقاء زردآب را
سود دارد اجزای آن مازریون مدبر نیم درم [illegible] فرفیون دانگی و نیم
سکبینج یک درم ملح هندی دانگی سرگین کبوتر دانگی این یک شربت قوی باشد این نسخه
شش جزو است وزن آن دو درم و دو دانگ و نیم مزاج گرم است در دو درجه و خشک
است در دو درجه و نیم حب مازریون خداوند استسقای زردآب را سود
دارد اخلاط آن ریوند عصاره غافت تخم کاسنی از هر یک سه درم غاریقون پنج درم
مازریون مدبر ده درم حب کنند چنانکه رسم است شربتی دو درم و نیم این نسخه

تخم واست و وزن آن بیست و چهار درم مزاج گرم است در آخر درجه دوم خشک است در درجه دوم و نیم
حب السعال خداوند سل و دق را سود دارد اجزای آن صمغ عربی کثیرا مغز دانه آبی تخم خطمی
پاک کرده از هر یکی سه درم مغز بادام شیرین سفید کرده باقلای خشک مغز تخم خیار از هر یکی
پنج درم رب سوس سه درم تخم کدوی شیرین مغز تخم نشاسته سه درم تخم کاهو تخم
خرفه از هر یک سه درم شکر سه درم جمله را بکوبند و بلعاب اسبغول بسرشند و حب کنند
بهی و بوسته در دهان میدارند ابن التلمیذ دوازده جز واست بغیر شکر و وزن آن چهل و
چهار درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم رطبست در نیم درجه حبی دیگر که حرارت بنشاند
و سینه نرم کند و تشنگی را ببرد اخلاط آن رب سوس ده درم تخم خرفه ده درم تخم کاهو چهار درم
صمغ کثیرا از هر یک هفت درم مغز بادام شیرین ده درم نشاسته و آرد جو از هر یک
از هر یک هفت تخم خیار پاک کرده پانزده درم تخم خربزه پوست باز کرده ده درم تخم
خشخاش سفید پنج درم مغز دانه آبی هشت درم شکر طبرزد ده درم بلعاب اسبغول بسرشند
و حب کنند ابن التلمیذ دوازده جز واست بغیر شکر و وزن آن یکصد و یک درم مزاج سرد
است در یک درجه و ثلث و رطب است در دو ثلث درجه اول حب اللوبیا بدل ...
تبهای گرم و مانند آن سود دارد در دهان گیرند تشنگی بنشاند خاصه اگر با تبلغمی و ...
و رب انار و مانند آن بسرشند اخلاط آن تخم خیار هفت تخم کدو ده هفت تخم خرفه
پاک کرده از هر یکی خوی تخم کاهو نیم جزو و رب السوس نیم جزو همه را بکوبند و بلعاب
اسبغول بسرشند و بآب برگ خرفه و حب کنند و در سایه خشک کنند و باد... بکار برند
و رب ... بسرشند ابن التلمیذ تخم واست مزاج سرد است در دو درجه و ربع
رطب است در دو درجه حب السعال شرفه که ثقیل سینه را ببرد و سینه را از خلط
غلیظ پاک کند اجزای آن صمغ ... یک درم کندر ... درم رب سوس یک درم افیون
یک دانک و نیم حب کنند هر یکی دانکی نیم ... در دهان نهند ابن التلمیذ چهار جز واست
وزن آن چهار درم و یک دانک و نیم مزاج گرم است در آخر یک درجه خشک است
در یک درجه و ربع ... دیگر از ... که شب سرفه را سود دارد و ... را در اخلاط
آن رب سوس پنج درم فلفل ... مغز بادام تلخ از هر یک دو درم ... ماء العسل
بسرشند و حب کنند ابن التلمیذ شش جز واست وزن آن ... دو درم مزاج گرم
خشک است در آخر دو درجه حبی که اسهال بلغمی باز دارد ... حب بید سلن
افیون

افیون را ستا را حب کنند هم فلفل شربتی هفت حب آب سرد ... حب ناصر تاریخ حب بقوت
باز نگاه کنند و سال ... ابن التلمیذ سه جز واست مزاج گرم است در سه ... درجه خشک است در دو درجه
و نیم حبی که اسهال خون باز دارد و ثمرة الطرفا افیون را ستا را است جمله بکوبند و بآب صمغ
بسرشند و حب کنند شربتی دو دانک ابن التلمیذ سه جز واست مزاج سرد است در دو درجه و ثلث
خشک است در دو درجه و ثلث حبی دیگر افیون جزوی اقاقیا جزو و ثمرة الطرفا
سماق حب الآس از هر یکی چهار جزو جمله را بکوبند و بآب بسرشند شربتی یک درم ابن التلمیذ
پنج جز واست مزاج سرد است در آخر دو درجه خشک است در یک درجه و نیم حبی که بوی دهان
خوش کند جوز بوا قاقله قرنفل دار چینی خولنجان از هر کدام یک درم کافور نیم درم مشک
دو دانک جمله را چون نخود و اندکی بزرگتر ... و ... نگاه دارند ... در
حب فربه مشک ... و ... و ... بیفزایند صواب باشد و اگر ... بلیسو ...
و نیم درم نمک هندی در افزایند رطوبتها الکترکنند اصل ابن التلمیذ هشت جز واست و وزن آن
شش درم و پنج دانک مزاج گرم است در سه ربع درجه خشک است در دو درجه و سه
ربع و در منهاج الادویه ابن التلمیذ را با این طریق ذکر کرده جوزبوا قاقله قرنفل کافور
دار چینی خولنجان قرنفل از هر کدام یک درم مشک دو دانک پوست ترنج کبابه بسباسه
از هر یک یک مثقال سعد دو درم اجزا را کوفته و بیخته و مشک را علیحده کوفته بعد از آن
داخل اجزا نموده بگلاب یا آب سیب یا آب به حب بسازند و در دهن گیرند ابن التلمیذ سیزده جز واست
و وزن آن چهار ده درم مزاج گرم است در ثلث درجه اول خشک است
در دو درجه و نیم حب نفط خداوند فالج و لقوه و نقرس و قولنج و بیماریهای عصبانی را
سود دارد و بادهای غلیظ را بشکند اخلاط آن هلیله زرد پیخ صبر سقمونیا حنظل
هر یک ... حبه بید ... دو ... فلفل ... شیر صمغ سداب
نفط سفید از هر یک پنج درم صمغ را بنفط حل کنند و داروهای کوفته را بدان بسرشند
و حب کنند شربتی ... و نیم با آب گرم ابن التلمیذ ... جز واست و وزن آن سی و
پنج درم مزاج گرم است در اول درجه دوم خشک است در آخر درجه دوم
اقراص قرص کوکب این دارو نیست که طبیبان ما تقدم ... و منافع آن

قرص ورد

قرص دیگر

بیمار است معده ضعیف را که فضلها میپذیرد و از دیگر اندامها بدو میآید قوت دهد تا آن
فضله را دفع کند و از دماغ تر شرها را باطل کند و خوردن و بر پیشانی طلا کردن با سرکه
درد سر را بنشاند و تبهای بلغمی را نافع بود و باد رحم را و بخاری بسر رسیده و بد دندان که خورده
شده باشد اندر دهند سود دارد و بگوش اندر چکانند با آب مرزنگوش درد
گوش بنشاند و سرفه کهن را و خون بر آمدن را که سرفه بر آید سود دارد و
خداوند تبهای کهن را با آب مرزنگوش بدهند تب زایل کند و کسی را که جانوری
زهرناک گزیده باشد یا زهری داده باشند با شراب آبی بدهند یا آب سداب
واگر با شراب آبی بدهند اسهال خون باز دارد و ریش و زخمها را که از بلغم
شور بود و ریش مثانه را سود دارد واگر با میفختج غرغره کنند خناق بلغمی
باز دارد اجزای آن مرصافی جند بیدستر سنبل سلیخه بلخ محتوم دوسی بیخ لفاح
پنج درم خشخاش سفید هفت درم و نیم دوقو تلیسفون سیسالیوس بن رالبیخ میعه تو تخم کرفس
از هر یک هشت درم میعه وافیون بشراب ریحانی حل کنند و داروهای خشک را کوفته
و بیخته بدان بسرشند و اقراص کنند هر یکی نیم درم و در سایه خشک کنند و آن
بیش شش ماه نگاه دارند و بعضی نسخه آن کتاب الا فقو چهار درم است این نسخه هفده
جزو است وزن آن نوزده ونیم درم مزاج گرم است در ثالث درجه اول خشک است در
دوم درجه و ثلث قرص گل نسخه معروف خداوند درد معده را سود دارد و طبع
بتهای معده را موج آید و بیماریهای بلغمی ابیج اخلاط آن برگ گل سرخ ده درم
سنبل السوس از هر یکی ده درم نیم عنیات نسرشند و اقراص کنند و در سایه خشک
کنند شربتی دو درم با سکنجبین ساده یا تن و دیگر این نسخه سه جزو است و وزن
آن چهل درم مزاج گرم است در نیم درجه خشک است در سه ربع درجه قرص
گل مسهل اسهال صفرا کند اجزای آن گل سرخ ده درم رب سوس شجید درم
سنبل سه درم سقمونیا سه درم مصطکی دو درم بسرشند و قرص کنند شربتی
دو درم ونیم این نسخه پنج جزو است وزن آن یازده درم مزاج گرم است درجه
و ثلث

وفاد

قرص کافور

نسخه دیگر

نسخه دیگر

قرص طباشیر

و دانگ قرص کافور تب گرم را و درد معده را که از گرمی بود سود دارد و تشنگی بنشاند و خداوند
یرقان را سود دارد اخلاط آن زرشک دانه ریباس دانه کرده طباشیر گل سرخ از هر یک هفت درم
تخم کدو تخم خرفه تخم کاسنی از هر یک سه درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم شیرین از هر یک
پنج درم صندل سفید دو درم کثیرا سه درم رب سوس دو درم کافور یک دانگ نیم بلعاب
اسغول بسرشند و اقراص کنند شربتی دو درم با سکنجبین این ترکیب دوازده جزو است
وزن آن چهل و هشت ونیم مزاج سرد است در دوم درجه خشک است در اول درجه نسیم
نسخه دیگر سده جگر بگشاید و تبهای گرم را سود دارد اخلاط آن بنفشه خشک نیلوفر خشک
از هر یک سه درم تخم خیار بادرنگ طباشیر زعفران از هر یک دو درم گل سرخ سه درم
ریوند چینی لک مغسول از هر یک دو درم کثیرا یک درم رب سوس دو درم کافور نیم
مثقال ترنجبین ده درم اقراص و با سکنجبین بدهند این نسخه سیزده جزو است وزن آن
سی و چهار درم و نیم مثقال مزاج سرد است در دوم درجه و ثلث خشک است در اول
درجه در دوم نسخه دیگر ترکیب شیخ ابو علی سینا خداوند تبهای محرقه و تب دق را سود
دارد و قی و خون و اسهال خون باز دارد اخلاط آن تخم کاسنی کاهو تخم خرفه از
هر یک دو درم تخم کدو شیرین تخم خیار از هر یک دو درم و دو دانگ رب کدو رکابی
پاشند صندل از هر یک دو درم و دو دانگ سرطان محرق زعفران رب سوس کافور
از هر یک یک درم گل سرخ چهار درم واگر کسی طباشیر سه درم مغز کدو و شیرین دو درم
تخم خشخاش سفید دو درم اندرین قرص زیادت کند صواب باشد این نسخه با زده جزو است
وزن آن بیست و یک درم مزاج سرد است در یک درجه و سه ربع خشک است در آخر
دو درجه قرص طباشیر اسهال صفراوی باز دارد و تشنگی بنشاند و تبهای گرم را سود
دارد اجزای آن طباشیر گل سرخ سماق پاک کرده از هر یک ده درم بزر الحماض بزر بقلة
الحمقا از هر یک پنج درم سیاه دو درم گلنار پنج درم صمغ عربی گل ارمنی از هر یک
سه درم اقراص کنند شربتی دو درم با شراب به یا آب جو و شکر واگر بدل سماق
زرشک پاک کرده کنند و دو درم نشاسته بلوط زیادت کنند روا باشد این نسخه
ده جزو است وزن آن پنجاه و سه درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم خشک است

درجه و نیم نسخه دیگر سود تشنگی و تپشهای گرم را سود دارد داروی آن
گل سرخ شش درم طباشیر کثیرا از هر یک چهار درم تخم خیار تخم خیار بادرنگ تخم کدو
تخم خرفه از هر یک شش درم زعفران دو درم رب سوس سه درم نشاسته سه درم
کافور یک درم بلعاب اسبغول بسرشند شربتی با سکنجبین بدهند این نسخه یازده
جز واست وزن آن چهل هفت درم مزاج سرد است در یک درجه و نیم خشک است در
یک درجه و ثلث قرص زرشک بیماریهای جگر گرم و تبهای گرم را سود دارد داروی
آن زرشک پاک کرده ده درم تخم کاسنی تخم خرفه تخم خیار مقشر از هر یک سه درم
گل سرخ پنج درم ریوند چینی یک درم سنبل نیم درم شربتی یک مثقال تا دو مثقال با سکنجبین
دهند این نسخه هفت جز واست وزن آن بیست و پنج درم و نیم مزاج سرد است در آخر
یک درجه خشک است در اول دو درجه نسخه دیگر بیماریهای جگر را که تب زرد
سودا زد و یرقان را ببرد و سده بگشاید داروی آن زرشک پاک کرده پنج درم
ترنجبین پاک کرده سه درم تخم کشوث ده درم عصاره غافث ده درم تخم خیار
مقشر سه درم سنبل یک درم طباشیر سه درم زعفران لک ریوند از هر کدام یک درم
رب سوس دو درم ترنجبین را با آب کاسنی بگدازند و داروها بدان اقراص کنند
و با سکنجبین بدهند یا با آب کاسنی این نسخه یازده جز واست وزن آن چهل درم
مزاج سرد است در یک درجه و دو ثلث خشک است در یک درجه و نیم نسخه دیگر
ترکیب شیخ الرئیس اماس جگر و سده را تحلیل کند اخلاط آن زرشک پاک کرده
با عصاره او پنج درم عصاره غافث طباشیر از هر یک دو درم لک مغسول گل
سنبل عصاره افسنتین ریوند چینی لسان الثور از هر یک دو درم و نیم زعفران
یک درم با آب کاسنی بسرشند شربتی دو درم است این نسخه ده جز واست وزن
آن بیست و پنج درم مزاج گرم است در نصف درجه اول خشک است در یک درجه
و سه ربع قرص لک بیماریها و سده جگر را سود دارد و طعام بگوارد داروی
آن لک مغسول ریوند چینی مصطکی از هر یک سه درم سنبل تخم کرفس تخم
اذخر اصل بادام تلخ قسط فوه عصاره غافث اسارون [illegible] از هر کدام یک درم
درم

و نیم اقراص کنند هر یکی نیم مثقال و با سکنجبین بزوری بدهند این نسخه چهارده جز واست
وزن آن بیست و پنج درم و نیم مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است در آخر
درجه دوم نسخه دیگر بیماریهای جگر و سده آن را سود دارد اخلاط آن لک
مغسول فوه انیسون تخم کرفس افسنتین اسارون مغز بادام تلخ قسط دارچینی زنجبیل
طویل عصاره غافث از هر یک [illegible] دانق و اند و بعضی نسخها رب سوس و عصاره
زرشک زیادت کرده اند این نسخه یازده جز واست مزاج گرم است در یک درجه و نیم
خشک است در آخر دو درجه قرص ریوند اماس جگر و سپرز و زخمی که بر تن مردم
آید سود دارد داروی آن ریوند چینی هشت درم فوه لک مغسول از هر یک چهار
درم تخم کرفس غافث انیسون از هر یک سه درم همه را بکوبند و بیزند و به ترنجبین
بسرشند و اقراص کنند هر یک یک مثقال شربتی یک قرص این نسخه شش جز واست وزن آن
بیست و پنج درم مزاج گرم است در یک درجه و ثلث خشک است در آخر دو درجه
نسخه دیگر خداوند جگر سرد را سود دارد اخلاط آن ریوند چینی ده درم سنبل
مصطکی غافث افسنتین انیسون تخم بادیان از هر یک دو درم و نیم با آب بادیان
بسرشند و اقراص کنند هر یک یک مثقال این نسخه هفت جز واست وزن آن بیست و پنج درم
مزاج گرم است در یک درجه و ربع خشک است در یک درجه نسخه دیگر اسهال
خون باز دارد داروی آن ریوند چینی یک مثقال گل ارمنی صمغ عربی یک مثقال و نیم این
جمله شربت باشد در آب کاسنی دهند یا اندر آب لسان الحمل این نسخه سه جز واست
وزن آن چهار مثقال مزاج سرد است در ربع درجه خشک است در یک درجه
و سه ربع قرص افسنتین خداوند تبهای کهن را سود دارد و سده بگشاید و ادرار
بول آرد و شهوت طعام پدید آورد اخلاط آن افسنتین رومی انیسون تخم کرفس اسارون
مغز بادام تلخ اجزا همه مساوی یک یک اقراص کنند شربتی یک مثقال تا دو درم این نسخه
پنج جز واست مزاج گرم است در یک درجه و سه ربع خشک است در دو درجه و ربع
نسخه دیگر خداوند درد معده را که از پس طعام خوردن پدید آید و تا قی نکند
ساکن نشود نافع است و این قرص را قرص [illegible] گویند داروی آن افسنتین رومی
ده درم تخم کرفس انیسون از هر یک پنج درم سلیخه بیست درم فلفل جند بیدستر

اپیون از هریک دو درم اقراص کنند هر کدام یکدرم با شراب مویز دهند و مانند آن و صاحب این
نسخه معتبر واست وزن آن چهل و هشت درم مزاج گرم است در یکی درجه و در ثلث خشک با قوت
در درجه و نیم قرص کبر خداوند درد سپرز را سود دارد اجزای آن پوست بیخ کبر چهار
انقال زراوند طویل دو دانگ تخم بنج انگشت فلفل سیاه از هریک شش مثقال اسفرانجل الحمر
حل کنند هریک ده درم با سکنجبین بدهند این نسخه مجرب واست وزن آن بیست و دو مثقال
که تکیه و چهل و یکدرم باشد و سه تخمین از هفت تخمین یک درم و این بنا بر قول صاحب
ذخیره است اما بنا بر قول صاحب جوامع الادویه یکصد و سی و نه درم و دو دانگ
مزاج گرم است در دو درجه و نیم خشک است در اول درجه سیم قرص غافث نفع
میکند تبهای گرم و کهن را و نفع تشنگی و سعال و ورم جگر و بیرون زاد دفع میکند
یرقان را سود دارد اجزای آن عصاره غافث شش استار گل سرخ صمغ الاعام یا
سنبل الطیب از هریکی دو استار تخم کاسنی پاک کرده شش استار طباشیر چهار درم
کوفته و بیخته قرص سازند این نسخه مجرب واست وزن آن یکصد و هفت درم و نیم
بر قول صاحب ذخیره اما بقول صاحب جوامع الادویه یکصد و بیست درم و دو دانگ
مزاج سرد است در سه ربع درجه خشک است در یکدرجه و نیم قرص کهربا نافع است
نفث الدم و قرح ریه را اخلاط آن کهربا بسد مروارید تخم خرفه از هریک نیم درم گل
سوخته پوست تخم مرغ سوخته کتیرا صمغ عربی از هریکی سه درم کشنیز دانه خشخاش
سفید خشخاش سیاه از هریک شش درم سوخته سفید از هریک دو درم
اجزا کوفته و بیخته با آب قرص سازند این نسخه خوب است
وزن آن پنجاه و چهار درم مزاج سرد است در آخر یک درجه خشک است در یکدرجه
و نفع قرص کافور خداوند قرحه کلیه و مثانه را و خداوند تقطیر البول را سود دارد
اجزای آن از هریکی شش درم تخم بادیان زعفران
مغز حلقوز مغز بادام تلخ از هریک سه درم حب کاکنج بلسان و پنج عدد
تخم خیار پاک کرده ده درم اجزا کوفته قرص
این نسخه وزن آن چهل و هفت درم مزاج سرد است
در یکدرجه و نیم خشک است در آخر درجه دوم قرص خشخاش
اسهال خون را سود دارد اخلاط آن گل سرخ صمغ
عربی از هریک چهار درم نشاسته کتیرا از هریک دو درم تخم خشخاش سفید تخم خشخاش
سیاه

سیاه از هریک سه درم طباشیر سوس از هریک دو درم زعفران دو دانگ بلعاب
دانه اسپغول اقراص کنند یکدرم تا یک مثقال دهند و بعضی نسخها سه درم حب الآس بریان
کرده آورده اند زعفران نیم درم خداوند سرفه را با شراب دهند و
خون را با شراب خشخاش و خداوند تب را با جلاب دهند یا با شراب بنفشه و قوت این
قرص تا شش ماه باقیست بعد از آن ضعیف میشود این نسخه مجرب واست وزن
آن بیست و دو درم و دو دانگ مزاج سرد است در یکدرجه و ربع خشک است
در یکدرجه و ثلث نسخه دیگر اسهال خون و زحیر را که از اسهالی کرده
باشد اجزای آن گلنار اقاقیا بلوط حب الآس بریان کرده از هریک بیست
درم دو درم صمغ سه درم گل طباشیر سه درم کهربا چهار درم
اقراص کنند و با آب دهند این نسخه مجرب واست وزن آن یکصد و هفتاد درم مزاج
سرد است در یکدرجه و سه ربع خشک است در آخر درجه دوم سفوفات
سفوف طباشیر دل گرم را سود دارد اخلاط آن گل سرخ طباشیر از هریک سه درم
کشنیز خشک دو درم بسد مروارید کهربا از هریک نیم درم کافور یک دانگ شربتی
دو درم با سکنجبین سفرجلی این نسخه هفتم واست وزن آن درم و چهار
دانگ مزاج سرد است در یکدرجه و نیم خشک است در دو درجه و ثلث
سفوف طین نفع این سفوف چون سفوف طباشیر است اجزای آن گل ارمنی کشنیز
خشک از هریک دو درم طباشیر از هریک نیم درم کافور نیم دانگ شربت تمام
با دوغ گاو دهند این نسخه مجرب واست وزن آن سه درم و نیم دانگ مزاج سرد است
در یکدرجه و نیم خشک است در اول درجه سیم نسخه دیگر که در جوامع
منهاج مذکور است نفع میدهد سحج و اسهال را اخلاط آن
صمغ عربی از هریک جزو صمغ عربی و
ارمنی و نشاسته را بو داده نیم کوفته ساییده
ساخته استعمال نمایند شربتی سه درم سفرجلی این نسخه
واست مزاج سرد است و خشک در آخر درجه اول سفوف
که اسکنه ساخته نفع میکند و فساد معده

نسیان کند و طعام بگوارد و بوی دهان خوش کند و مفرح است اجزای آن قرنفل ساذج هندی
عود هندی هیل بوا دارصینی مصطکی هلیله کابلی مقشر قرنفل مسک ناردمشک زیره کرمانی
دارچینی اشنه فلفل دارفلفل زنجبیل قرنفل ناردانک جوزبوا قاقله از هریک نیم درم
مشک عنبر کافور از هریک یکدرم شش مقدار هم دارد و هاضمه شربتی از یکدرم تا سه
درم پیش از طعام و بعد از طعام توان خوردن این نسخه بلیغ است و دو جزو است یعنی
شکر و وزن آن چهل و یکدرم مزاج گرم است در یک درجه و دو ثلث خشک است در
درجه و ثلث سفوف عبادیه معده سرد و تر را سود دارد و جگر ضعیف را — سفوف عبادیه
قوی کند اخلاط آن لک عیدان حب الآس بلوط مصطکی ناربوست ماز و از هریک جزوی
کندر زنجبیل از هریک ربع جزو شکر طبرزد دو وزن همه دارد و در جوامع شکر
بگیرد است مساوی مصطکی و باقی اجزا شربتی یکمثقال یا دو مثقال گفته که هر بار
در روزی دو بار یکبار صباح ناشتا و یکبار دیگر وقت خواب و در بیان مرتب که این سفوف
معمول دیدم گوشت محلول دیدم این نسخه نه جزو است بغیر شکر مزاج گرم است در سه درجه
خشک است در اول درجه سیم سفوف مقلیا تا سحج و قرحه امعا را سود دارد و در اجزای — سفوف مقلیا
آن صمغ عربی بریان کرده هفت درم نشاسته بریان کرده چهار درم اسپغول بریان
کرده ده درم تخم مورد بریان کرده شاهسفرم بریان کرده شاه بلوط بریان کرده
حب الآس از هریکی شش درم شربتی سه درم با شراب مورد در نسخه دیگر تخم
خشخاش و تخم خرفه آورده اند این نسخه هفت جزو است و وزن آن چهل و یک درم
مزاج سرد است در آخر یک درجه خشک است در دیگر ربع درجه نسخه دیگر که در
ذخیره مذکور است سحج او بواسیر را سود دارد اخلاط آن اسفیداج سفید بریان — سفوف ذخیره
کرده سی درم زیره کرمانی بکشانیز زد رسکه خولنجان و خشک کرده
تخم گشنیز بریان کرده تخم گندنا بریان کرده از هریک ده درم مصطکی بیست درم
هلیله کابلی بریان کرده هفت درم مصطکی و زیره طبیکو بند و با تخمها کوفته
بیامیزند شربتی سه درم در منهاج و جوامع نیز این نسخه مذکور است اما در
وزن تفاوتی دارد این نسخه شش جزو است و وزن آن هفتاد درم مزاج گرم است — سفوف برمکی
در دو درجه و نیم خشک است در دو درجه و دو ثلث سفوف برمکی معده را
سود دارد و کرم دراز از رودها پاک کند اجزای آن هلیله کابلی آمله پاک
کرده

کرده بریان کابلی از هریک ده درم تربد سفید کوفته و بیخته سی درم فانید دو مقدار
مجموع داروها شربتی درم این نسخه چهار جزو است بغیر فانید و وزن آن شصت درم — سفوف سورنجان
مزاج گرم است در یک درجه و نیم خشک است در آخر دو درجه سفوف سورنجان
خداوند نقرس را و اوجاع مفاصل را سود دارد اخلاط آن سورنجان هفت درم
زنجبیل بریان کرده پنج درم نخود بیاتی از هریک دو درم فلفل یکدرم مقدار همه داروها
شربتی از پنج درم تا سه درم این نسخه چهار جزو است و وزن آن دوازده درم مزاج گرم
و خشک در یک درجه و ثلث لازمه و آن مشتمل است بر فاتحه و ذیلی خاتمه در بیان
اوزان و مکاییل چون حضرت استادی علامی مدظله العالی در رساله اوزان — در بیان اوزان
نحوی استقصای مکاییل و اوزان فرموده اند که مزیدی بر آن متصور نیست بنابر
تیمنا بکلام الشریف بهمان اختصار نمودیم حبه بیکجو میانه است مسموح که بفارسی تسو
گویند مقدار دو جو میانه است و قیراط چهار جو است خرنوب شامی یک قیراط است کنکجی
که در بلاد هندوستان در ذرکوان و بعضی دیگر مستعمل است پنج جو میانه وزن دانگ است
دانق که بفارسی دانگ گویند هشت حبه است تو هسه یا تو هشت و قیراط است او بوله
سه قیراط است عرما یکدانک و نیم است اهو یا یکدرم و نیم است و نوع بعضی سه قیراط است
نواة در ذخیره گفته که ... ابوزن نه ... در جوامع الادویه گفته که نواة
سه مثقال است و بعضی گفته اند که نصف درهم است و این قول محقق
بولوس در ذخیره گفته که یکدانک است ابوزن نه ... دو تسو مذکور است
که ابولوس شش یکمثقال است یا هفت یکمثقال درهم که بفارسی درم گویند مقدار
چهل و هشت حبه است با قلاه یونانیه در جوامع الادویه و ذخیره بیست چهار جو
بیان کرده که نصف درهم باشد باقلاه مصری در جوامع مذکور است که چهل و
هشت جو است که یک ربع باشد باقلاه اسکندریه بانه قیراط گفته که سی و شش
جو باشد مثقال شصت و هشت جو میانه جو است و چهار حصه از یک جو که آن را
هفت حصه برابر کنند بدفه تخمی که در ذخیره و جوامع الادویه مذکور
یکدرهم و است بعضی گفته اند که یکمثقال است جو ده نبطیه در جوامع مذکور است
که جو ده نبطیه عبارات از بندقه است و در ذخیره گفته که جو ده نبطیه یکمثقال

الله

درهمی در جواهر مذکور است که آن یک مثقال است و نیز در جواهر آورده که بعضی گفته
که درهمی فارسی درهم است و شیخ در قانون بعد از آنکه بدین وجه بیان نموده که
درهمی یک مثقال است در اواخر بیان اوزان درهمی را بدین وجه بیان کرده شده که
شش دانگ است و هر دانگی سه قیراط است و هر قیراطی را چهار جو گفته پس درهمی
بنابرین بیان هفتاد و دو جو باشد و در ذخیره از عبارت گفته که درهمی یک مثقال
و نیز دیگر بعضی یک درهم است فلنجیون در جواهر مذکور است که دو مثقال است حامی
الکبیر سه مثقال است حامی الصغیر دو مثقال است و در ذخیره نیز گفته که این
موافق است چنانچه در جواهر و بعضی دیگر از کتب طبیه آن را دو حصه از سه حصه مثقال
بیان نموده اند استار چهار مثقال و نیم است صاحب جواهر الادویه گفته که استار شش درم
و دو دانگ است یا چهار مثقال و نیم و صاحب ذخیره بحساب مثقال موافق کتب مذکوره و اما
اما بحسب درهم فرموده که استار شش درم و سه بخش از هفت بخش درهم است قانون
در جواهر الادویه آن را شش درم و نیم گفته و نیطل در جواهر آورده که شش درهم است
و شیخ در قانون فرموده که نیطل دو استار است و صاحب ذخیره گفته که نیطل هفت درم
و نیز بعضی دو استار است چون زه مطلقه بجوی که در ذخیره و جواهر الادویه مذکور است
نه درهمی است و در ... و کتاب ... مذکور و از ... نقل شده که نیز بعضی چهار مثقال
جوزه ملکیه شش درهمی است چنانچه در جواهر چهار مثقال گفته ملعقه از ... است
و از عسل مقدار چهار مثقال است و از ... یک مثقال ما لجمله ثلث اصابع در
جواهر گفته که ذو درهمی است اما لجمله الکف شش درهمی است توله که از او زبان
متعارف ... ذکر است کاهی در وزن بر ولیت و ... و دو جو موافق آمده است
و بجهة تفاوت جو در بزرگی و خوردی کاهی یک ... دیگر ... موافق
بوده بنابرآنکه دو ولیت و ... و دو جو باشد یک توله پنج درم و سه قیراط خواهد
بود و بحساب مثقال سه مثقال و نیم و سه قیراط اوقیه که آن را وقیه نیز خوانند
در صحاح و قاموس مذکور است که اوقیه یک استار است و دو بخش از سه بخش یک
استار است و در ذخیره و جواهر الادویه مذکور است که اوقیه بحساب مثقال
هفت

هفت مثقال و نیم است و بحساب درهم ده درم و پنج بخش از هفت بخش یک درم است بیست
و قاموس در جواهر الادویه گفته که یک اوقیه و نیم است و شیخ در قانون فرموده
که قوانوس از روغن زیتون دوازده درهمی است و از شراب یک وقیه و نیم و دو
و ثلث است و از عسل دو اوقیه و ربع است اکسوثافن در قانون نقل از بعضی
کتب شانزده درهمی گفته و در ذخیره و قرابادین قلانسی مذکور است که اکسوثافن
هم در رکیل مستعمل میشود و هم در وزن در رکیل هجده درهم است و در وزن هشت
قیراط و در جواهر نیز هجده درهمی گفته رطل صاحب صحاح و قاموس دوازده اوقیه
گفته اند بنابرآنچه در بیان اوقیه گذشته دوازده اوقیه بحساب مثقال نود
مثقال میشود و مراد از این رطل رطل عراقیست و رطل مکی دو برابر رطل عراقیست
و رطل مدنی یک رطل و نیم عراقیست و شیخ نیز در قانون فرموده که رطل بیست
استار است صاحب ذخیره گفته که رطل بغدادی دوازده اوقیه است و بیست
استار و نود مثقال و یکصد و بیست و هشت درم و چهار سبع یک درم و در جواهر
الادویه رطل را بحساب مثقال موافق ذخیره نود مثقال بیان نموده اما بحساب
درهم یکصد و بیست و هشت درهم و نیم است و بعض صاحب ... در دین باب
... مختلف ... و در بعضی کتب طب طوطوان یا طالوان در اوزان مذکور است ...
جواهر الادویه مذکور است که آن نه اوقیه است ... قوطولی ... نه وقیه
دو مثقال است ... در جواهر مذکور است که نصف رطل است مسطون کبیر سه و
و مسطون صغیر شش درهمی است و همچنین در قانون و ذخیره نیز همین وجه
مذکور است سکرجه صغیره در قرابادین قلانسی و در جواهر مذکور است که سه
و ثلث است و سکرجه کبیره که آن را صدفه نیز گویند و ... است سکرجه مطلقه شش
استار و چهار یک استار است و صاحب ذخیره همین تفصیل اشاره نموده اما الحاصل
سکرجه سکره مذکور ساخته سکره و سکرجه معرب و ... خاص است که زبان
فارسی سکره میگفته اند و چون لفظ مذکور را عربی ساخته اند سکرجه گفته اند
قوطولی شیخ در قانون گفته از روغن زیتون نه اوقیه است و از شراب ده اوقیه
و از عسل سیزده اوقیه و نیم است و در جواهر نیز همین تفصیل مذکور است مکوک
که بزبان عربی ... آمده بنابرآنچه در صحاح و قاموس و ... مذکور
... است ... رطل است و کلام اطبا معتبر ... نیز با ... موافق است شیخ در قانون

نموده که من چهار استار است صاحب ذخیره من الجبابره دهم دو بیست و پنجاه و هفتاد درم
و یک پنجم از هفت حبه یک درم گفته و بحساب مثقال یکصد و هشتاد مثقال و بحساب
رطل دو رطل بغدادی گفته و بحساب استار چهل استار و بحساب اوقیه بیست و چهار
اوقیه بیان نموده و در جامع الادویه نیز موافق همین تفصیل مذکور است و در ذخیره
من رومی را بیست و یک اوقیه و من انطاکی و مصری را شانزده اوقیه بیان نموده
و در قرابادین قلانسی از قرابادین چنین نقل نموده که من رومی بیست اوقیه است
و شیخ در قانون نیز از بعضی کتب برین وجه نقل نموده و نیز در قرابادین قلانسی
مذکور است من ملکی دو بیست و شصت درهم است و من انطاکی مصری شانزده او
قیه است مرکب و در کتب فقه به تقریب تحقیق زکوة مال و زکوة فطره و بعضی کفارات
و غیر آن مذکور است بنابر آنچه در صحاح و قاموس مذکور است دو رطل عراقی ا
و معتبرین فقها چون شیخ جمال الدین مطهر در ارشاد و شیخ شهید در کتاب دروس
مد را دو رطل و ربع عراقی بیان نموده اند پس هر مد بنابر قول فقهای عظام دویست
و نود و دو درهم خواهد بود چنانچه از حساب رطل عراقی مخفی نیست و در
دروس تصریح باین نموده و بنا بر تفسیر و بیان اهل لغت یکصد و بیست و پنجاه و
هفت درم و یک پنجم از هفت حبه یک درم است و صاحب قاموس در بیان مد
آورده که ادنی و انگشتان او در بین ریختی و کوچکی میانه باشد هر گاه که هر دو دست
خود را از غله پر سازد چنانکه انگشتان را دراز کرده باشد مقدار یک مد مذکور
که مد باشد و دعوی کرده که من تجربه کرده ام و آنرا موافق یافته ام و جامع
رساله او زاد مد الله ظلاله العالی فرماید که آنچه صاحب قاموس را ذکر و
دعوی تجربه نموده ملاحظه آن واقع شد در برنج و زرده و بعضی اجناس هوا
آنچه گفته ظاهر نشد و مقدار مذکور یکمن کمتر از دو رطل بود بعضی نزدیک بربع سیر
از دو رطل کم ظاهر شد و بعضی ازین کمتر آنچه گفته در گندم بعد دیگر موافق است
چرا که مقدار گندم که هر دو دست ازان خوب پر کند گاهی دو سیر و ده توله مطابق
اند کی ازین بیشتر و گاهی اند کی ازین کمتر ظاهر شد یافت و ده رطل نزدیک بان ا
چنانکه سابقا بیان شد پس اگر در بیان صاحب قاموس را بذلک تقیید و تخصیص
می نمود اولی و اوضح بود و در جامع الادویه تحقیق را دو روز داشته رطل
گفته

عسل
گفته که یک من و نیم باشد و شیخ در قانون نیز گفته که دو رطل و سه رطل است قسط از
دو رطل و نیم است و صاحب ذخیره گفته که قسط انگبین نزد یک اهل یونان یک رطل و
و نزد بعضی یک رطل و نیم است کوز که عبارات ذکر و دو استار آن ویتین سه رطل گفته و در
جامع گفته که کوز الدهن چهل و هشت استار است و کوز الطلاء را نیز نیمه آن است و مصنف
استار است هامان بیست و پنج استار است و صاحب ذخیره نیز موافق صاحب جامع الادویه
ذکر کرده اما شیخ در قانون از بعضی کتب برین وجه نقل نموده که هامین پنج استار است
و بیست درهم و چهار دانگ و در قانون ذکر نموده که اثان عسل دو رطل و نیم است
و اما روغن یکمن و نیم است و نیز در قانون ذکر نموده که قسط نزد اهل روم نیم رطل
و نیم است بیست اوقیه باشد و قسط انطاکی یک رطل و نیم است و من انطاکی و بعضی
شانزده وقیه است و نیز در قانون از بعضی دیگر کتب نقل نموده که قسط از روغن
زیتون شانزده اوقیه است و از شراب هشتاد رطل است و از عسل یکصد و هشت
رطل و قلانسی در قرابادین خود گفته که قسط رومی یک رطل است و نیم و بعضی
گفته اند بیست اوقیه است و قسط مصری شانزده است و قسط انطاکی
و قسط قطری بیست و چهار اوقیه است کیلجه در بعضی کتب لغت گفته که آن پیمانه ایست
که در عراق معروف است گویا مقصود عراق عرب باشد که بغداد از آن جمله است
و کیلجه بنابر آنچه در قاموس و صحاح تحقیق شده پیمانه ایست بقدر یکمن و هفت هشت
از یکمن که آن را هشت بخش برابر کنند و در ذخیره مقدار کیلجه که بعبارت کیلجه
مذکور شده موافق صحاح و قاموس است الا دقیق در جامع میگوید که کیر
مقدار دو من است و مکوک نیز در جامع مذکور است که چهار قسط است
جو مطلق بیست و چهار قسط است چون شیخ در قانون صغیر
از ذیب نه رطل است و از شراب ده رطل و از عسل بیست و سه رطل و نیم صاع
پیمانه ایست که در زمان حضرت پیغمبر علیه السلام شایع بوده و در بعضی
احادیث نیز مذکور گردیده بنابرین فقها در بعضی مباحث فقه ذکر و تحقیق آن
نموده اند صاحب صحاح و قاموس صاع را چهار مد گفته اند و چون مد را دو

و قاموس دو رطل بیان نموده بنابر این صاع هشت رطل خواهد بود و در قرابادین قلانسی
نیز صاع را چهار من بیان نموده و چون منزاد در لغت و طب نیز دو رطل بیان نموده اند
آنچه قلانسی در بیان صاع گفته موافق صحاح و قاموس خواهد بود و صاع نبی صلی الله
علیه السلام در کتب معتبره فقه چون ارشاد و دروس و غیرهما چنان تحقیق شده
که چهار مد است و مد بنابر قول فقهاء امامیه رضوان الله علیهم دو رطل و ربع عراقی است
چنانکه سابقا تحقیق شد پس صاع نه رطل عراقی باشد و بحساب درهم یکهزار و یکصد و
هفتاد درهم میشود چنانچه شیخ شهید علیه الرحمه در کتاب دروس در مبحث
زکوة فطره بیان نموده باین عبارت که والواجب صاع و زنه الف درهم و مائة و
سبعون درهما شرعیة و بحساب مثقال هشتصد و نوزده مثقال است و بحساب
جو چهل و شش هزار و یکصد و شصت جو خواهد بود صاعی که در زکوة فطره بجهة
هر کس بمقدار یکی از آن دادن واجب است نزد علمای امامیه رضوان الله علیهم از صاع آن
وقت را این صاع بحساب سیر متعارف هجر و سه دکن بنابر آنچه در تحقیق و بیان گذشته معین
کرد که دیده نه سیر است و هفت توله الا سه ربع یک درم و چون در جوها تفاوت بسیار
بنابر آن عدد جوهائی میانه که در توله اعتبار شد شاید از رهگذر مذکور اندک
تفاوتی پیدا کند و از این جهة در صاع نیز بحساب سیر که مذکور شد اندک تفاوتی
یکی با دیگری محتمل است که راه یابد پس رعایت جانب احتیاط در ادای واجب مقتضی
آن است که بجهة هر کس موازی ده سیر بهند سیر متعارف دکن و تحقیق صاحب قاموس
بر این وجه است که صاع نبی علیه السلام انقدر است که آدمی که دستهای او در بزرگی
و کوچکی معتدل باشد چهار مرتبه هر دو دست خود را پر سازد مکوک بنابر آنچه در
صحاح و قاموس مذکور است پیمانه ایست بقدر سه کیلجه و در بعضی کتب لغت مذ
کور است که مکوک پیمانه ایست بقدر دو صاع و نیم پس مکوک پنج من و بجهة از یکمن
شود که آن را هشت حصه برابر کنند و این با نجه رطل و ربع از رطل عراقی شود قفیز
در صحاح و قاموس گفته که آن هشت مکوک است و صاحب ذخیره گفته که قفیز
بزرگ سنت این هشت مکوک باشد و بکیله بیست چهار کیلجه است و بنابر آنچه از کتب
لغت طب و در بیان قفیز نقل شد یک قفیز نود رطل عراقی خواهد بود قنطار در

صحاح گفته که بعضی گفته اند که قنطار یکهزار و دویست وقیه است و بعضی گفته اند که
یکصد و بیست رطل است و بعضی گفته اند که آنقدر قنطار آن قدر رطل است که یک پوست گاو را
از آن پر کنند و در جوامع الادویه و ذخیره و قرابادین قلانسی در بیان معنی قنطار
همین قدر مذکور است که یکصد و بیست رطل است شاید نزد اطبا در غیر این معنی
مستعمل نباشد طالیطون در جوامع و ذخیره و قرابادین قلانسی مذکور است که یکصد
بیست و پنج رطل است از رطلی که هر یک دوازده اوقیه باشد چو همین در قانون و
جوامع الادویه و ذخیره بر این وجه بیان شده که شش قسط دو منی است و بنابر آنچه
شیخ در قانون قسط دومی را بیان نموده که بیست اوقیه است یک چو همین یکصد و
بیست اوقیه خواهد بود دورق انطالیقی در قانون و ذخیره و قرابادین قلانسی
انطالیقی را هشت چو همین گفته اند و بنابر آنچه در چو همین مذکور شد دورق
انطالیقی نهصد و شصت اوقیه خواهد بود وسق در صحاح و قاموس مذکور است
که مقدار شصت صاع است که قریب بچهار ده من از من متعارف بعضی ولایات دکن
خواست عن الآفات والفتن خواهد بود بنابر آنچه فقها در تفسیر صاع ذکر نموده اند و
بنابر آنچه اهل لغت در بیان صاع گفته اند بحساب من دکن آنچه مذکور شد خوبی
کمتر میشود و وسق بمعنی مقدار بار یک شتر نیز آمده چنانکه در صحاح و قاموس
مذکور است در صحاح از بعضی علماء اهل لغت نقل نموده که وسق بار یک شتر است و
وقر بار یک استر یا خر ذیل در بیان دانستن مقدار شربت هر مرکبی بعد از تحقیق
و تشخیص وزن و عدد شراب خوردنی اند وزن مرکب اخذ نمائیم که نسبت آن مجموع
وزن مرکب چون نسبت واحد باشد بعدد شربات مثلا وزن مجموع مرکب سه
درم است و عدد شربات ده چون واحد را نسبت به ده که عدد شربات است
نسبت عشر است از سی که وزن مرکب است عشر اخذ نمودیم که آن سه درم است
و اگر فرضا عدد شربات سی باشد و وزن مرکب ده شربت آن مرکب ثلث درم
خواهد بود زیرا که نسبت ثلث درم به ده درم چون نسبت واحد است بعدد
شربات که سی است و علی هذا القیاس تمت بعون الله
تعالی

حکماء هند و یونان گفته اند که چون کسی بیمار شود که ابتداء بیماریش باشد بر بایند که چه روز است از ماههای
عرب از اول تا آخر بدین موجب است که در جنب نوشته معلوم کنند مجرب است اول زود صحت یابد
دویم مخوف باشد سیم مرض بطول کشد چهارم رنج سخت باشد پنجم مخوف بود ششم بعد از شش روز
صحت یابد هفتم رنج دراز کشد هشتم بعد از شانزده روز برخیزد نهم بزودی صحت یابد دهم
بعد از پنج روز برخیزد یازدهم بعد از دو روز برخیزد دوازدهم بزودی صحت یابد سیزدهم
مخوف باشد چهاردهم رنج عظیم کشد پانزدهم بعد از ده روز برخیزد شانزدهم بعد از هفده
روز برخیزد هفدهم زود شفا یابد هجدهم مرض سخت مخوف بود نوزدهم مرض دراز
کشد بیستم بعد از شش روز برخیزد بیست یکم بعد از چهار روز برخیزد بیست دویم رنج
سخت مخوف بود بیست سیم بعد از دوازده روز برخیزد بیست چهارم بعد از هفت روز
برخیزد بیست پنجم بزودی صحت یابد بیست ششم بزودی صحت یابد بیست هفتم
بعد از هفت روز برخیزد بیست هشتم بعد از هفت روز برخیزد بیست نهم بزودی
صحت یابد سیم بزودی برخیزد

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی